



سرشناسنامه: قمری شریف آبادی، یعقوب، ۱۳۱۸ - مقدمه شاه حسینی، رحیمه
عنوان و نام بدیدآور: اشارات، مجموعه عبارات نغز عرفانی از کتاب لطایف قرآنی /
اعجاز، فضایل قرآن، قرآن و علوم
گردآورنده: شاه حسینی، رحیمه
مشخصات نشر: بوشهر: زمزمه، ۱۴۰۰
مشخصات ظاهری: ۱۷۳ ص - وزیری
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۸۳-۷۶-۱
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: قمری شریف آبادی، یعقوب، ۱۳۱۸ - فضایل قرآن
موضوع: قرآن - لطایف
رده بندی کنگره: BP۵۸/۱۳۹۸
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۸
شماره کتابشناسی ملی: ۶۸۷۲۴۹۳



نام کتاب: اشارات

مجموعه عبارات نغز عرفانی از کتاب

«لطایف قرآنی»

اثر عارف ربّانی استاد یعقوب قمری شریف آبادی

تهیه و تنظیم: رحیمه شاه حسینی

ناظر چاپ: یدالله کریمی جعفری

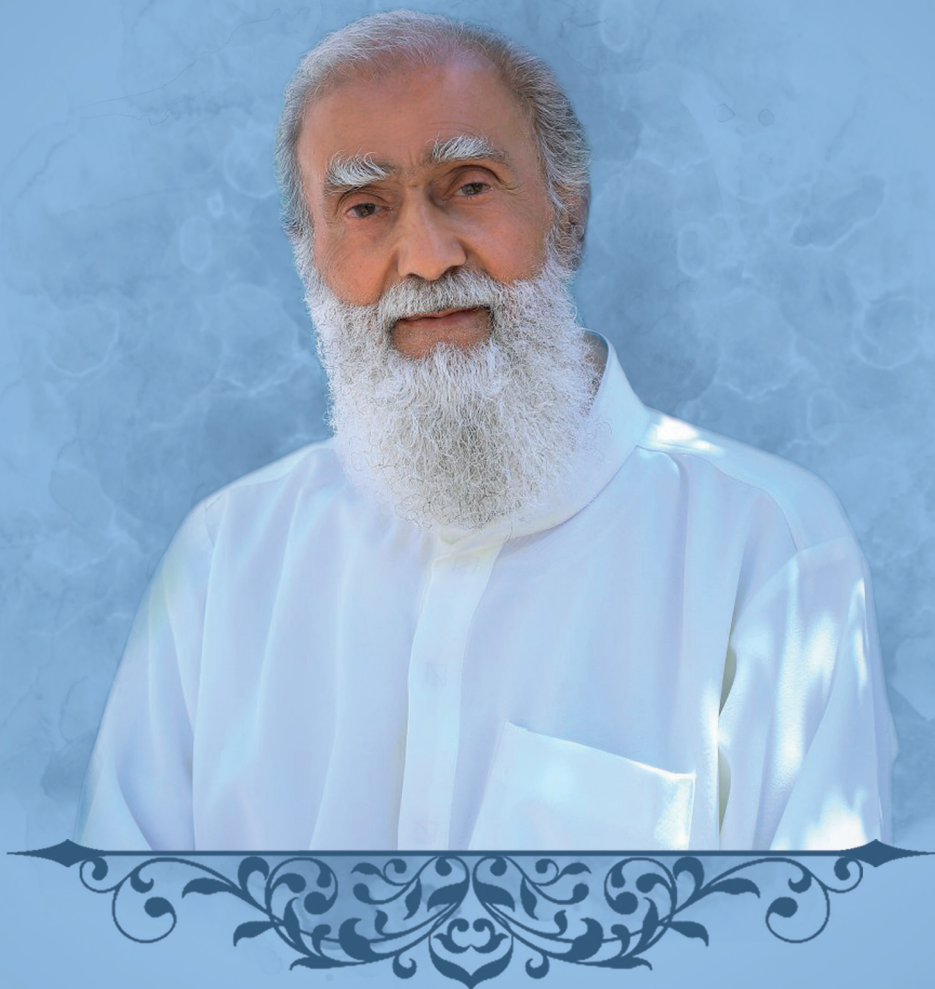
نوبت چاپ: اول، آبان ۱۴۰۰

قیمت: ۱۱۰۰۰۰۰ ریال

پایگاه رسمی نشر آثار و اندیشه‌های جناب استاد:

www.foroughemahtab.com





کلمات طیبہ بردہای طیب می نشیند

عارف ربانی استاد یعقوب قمری شریف آبادی

اشعار

مجموعہ عبارات لغز عرفانی

از کتاب «لطائف قرآنی»

اشعار ربانی استاد یعقوب قمری شریف آبادی



تہیہ و تنظیم: رحیمہ شاہینی

فهرست عناوین

۹ مقدمه
۱۵ اشارات
۹۹ فهرست موضوعی
۱۲۷ حسن ختام
۱۳۳ پیوست‌ها
۱۳۵ زندگی‌نامه استاد



مقدمہ

آن کس است اهل بشارت که اشارت داند
نکته‌ها هست بسی، محرم اسرار کجاست؟^۱

آنجا که قطره را با دریا
و آدمی را با خداوند پیوند است
کلمات قد می‌کشند و حقیقت آشکار می‌شود.
پای‌بنای هستی و مسیر راستین به سوی زیبایی‌ست؛ به سوی اوست؛
و این اثر به راستی اشاراتی‌ست به سوی بی‌منتهای زیبایی؛ منظومه‌ای از نظام ادراک که با
آموختن بیگانه است.

«اشارات» در حقیقت چکیده‌ای از کتاب «لطایف قرآنی»، اثر عارف ربّانی استاد «یعقوب
قمری شریف‌آبادی» است. کتابی سراسر نور و روح، که رموز و اسرار آیات پوشیده حق را
آشکار نموده و بابت گشوده از رازهای سر به مُهر الهی. کتابی که با حمد الهی، جان
و با توحید رحمانی پایان گرفت. میراثی ماندگار از کلمه حق، که شکافنده آیات متشابه و
رهرو آیات محکم الهی بود. آن خضر سبزه‌جامه‌ای که غریب زیست و غریبانه‌تر پرکشید تا
لذّت چشیدن از چشمه کوثر رحیمی را به تشنگان حریم خضری خویشت، مهربانانه ببخشد.
او که زندگی را به سرایی برای رنج کشیدن خویش بدل نمود تا به یکایک رهگذران حریم
روشنایی و ساکنان سرای ظلمانی، روح بنوشاند و نور بتاباند.

این حقیر با نظر لطف و عنایت حضرت رحمان در تدوین این اثر کوشیده‌ام تا به رسم امانت
و برای حفظ گوهر معنا، کمال دقّت را در تک‌تک جملات به خرج دهم و تنها در برخی
موارد برای سهولت در دریافت محتوا، اقدام به تلخیص و تصرف اندک در عبارات نموده‌ام.
گفتنی‌ست ترتیب لطیفه‌های موجود در این اثر با بخش‌های کتاب ارزشمند «لطایف قرآنی»
کاملاً منطبق و برابر است. امید که مورد رضایت حضرت دوست قرار گیرد.

رحیمه شاه‌حسینی
آبان ماه ۱۴۰۰

برای او که اهل بشارت بود
و اشارت را نیک می دانست!
حضرت استاد «یعقوب قمری شریف آبادی»



اشارات

مجموعه عبارات نغز عرفانی از کتاب «لطایف قرآنی»

مجموعه عبارات نغز عرفانی از کتاب «لطایف قرآنی» اشارات

۱. سوره مبارکه حمد، خلاصه و عصاره معالم ظاهری و معارف باطنی قرآن کریم است.
۲. هر آنچه بندگان خدای رحمان و رحیم برای نیل به کمال و جمال مطلق نیاز دارند، در سوره حمد بیان شده است.
۳. سالک الی الله، تنها از طریق معرفت قلبی به اسمای حُسنای الهی می تواند به حمد و ستایش خداوند بپردازد.
۴. سالک الی الله از رهگذر پرستش عاشقانه و خالصانه پروردگارش می تواند در صراط مستقیم قدم گذاشته و به سوی کمال زیبایی رهسپار گردد.
۵. آفرینش آسمان ها و زمین، تدبیر امور کائنات و سیر تکاملی همه موجودات، توسط سه نام اصلی از اسمای حسنای خدا، یعنی: الله، رحمان و رحیم انجام می گیرد.
۶. حقیقت «الله»، نور است برای روشنایی و رؤیت، حقیقت «رحمان»، روح است برای حیات و حرکت، و حقیقت «رحیم»، وجه است برای زیبایی و لطافت.
۷. مظهر کامل «الله»، محمد رسول الله (ص) می باشد؛ پیامبری که مهتاب متشابهات قرآنش، روشن کننده آسمان ها، یعنی عوالم باطن و آفتاب محکمت قرآنش، روشن کننده زمین، یعنی عالم ظاهر است.
۸. «رحمان» اولین و اصلی ترین صفت «الله» است و به معنای رحمت عام، یعنی بخشاینده، خدا نسبت به همه موجودات که نورانیت الله و وجاهت رحیم را در باطن خود دارد و مظهر تام آن، علی ولی الله (ع) می باشد.
۹. «رحیم» مهم ترین صفت «الله» است و به معنای رحمت خاص، یعنی مهربانی و رأفت خدا نسبت به خاصان و مقربان درگاه اوست.
۱۰. «رحیم» صفت وجاهت است که نورانیت «الله» و روحانیت «رحمان» را نیز در باطن

خویش دارد و مظهر کامل آن، فاطمه زهرا(س) می باشد.

۱۱. الله، «خالق» است، یعنی به ظهور رساننده همه موجودات در عالم هستی می باشد.

۱۲. رحمان، «بارئ» است، یعنی حیات بخش و تعیین کننده جایگاه هر موجود در مراتب آسمان ها و زمین های هفت گانه می باشد.

۱۳. رحیم، «مُصَوِّر» است، یعنی صورت ساز که از طریق مهربانی خاصش، به جویندگان واقعی جمال، کمال زیبایی را می بخشد.

۱۴. الله با صفت ربوبیت، رب است، یعنی پرورش دهنده همه موجودات، و رب، با صفت رحانیت، آنان را به سوی وجه جمیل رحیمیت هدایت می کند.

۱۵. پروردگار با رحمانیتش، صاحب عرش و معیار حق و باطل است و مظاهر کاملش، اولیای حق می باشند که به عنوان پرورش دهنده، سالکان محب و پارسا را رشد و تعالی می دهند.

۱۶. به موجب عدالت رحمانی، هر موجودی، صورت واقعی اعمال خویش را که در دنیا پوشیده است در سرای آخرت به عیان خواهد دید.

۱۷. عبادت، یعنی اطاعت محض از خدای رحمان در حرکت از ظلمت به طرف روشنایی، و از زشتی به سمت زیبایی، و این حقیقتی است که دعوت به آن برای کوردلان، جز تکذیب و تنفر نمی افزاید.

۱۸. سالکان پارسا و اهل بصیرت، با انقطاع از غیر حق، و اتصال به حق توسط عشق و فنا، به پروردگار بخشاینده و مهربان خویش ایمان می آورند و از او می خواهند که آنها را به صراط مستقیم هدایت نماید تا به کمال و جمال مطلق، یعنی آگاهی و زیبایی متعالی برسند.

۱۹. رسیدن مؤمن موحد به قرب خدای جمیل، فقط در پرتو طهارت باطن و اطاعت خالص در محفل زیارویان مطهر که سابقان مقرب اند، امکان پذیر می باشد.



۲۰. صراط مستقیم در دین اسلام، راه حقی است که جامع شریعت و معرفت بوده و از افراط و تفریط به دور می‌باشد، چراکه سازندگی و زیندگی، در تعادل و میانه‌روی است.

۲۱. صراط مستقیم راهی است که بندگان خدای رحمان، آن را از پروردگارش با زبان قال و حال، و راز و نیاز قلبی درخواست می‌کنند و آن، راه انعام‌شدگان و صاحبان نعمت است.

۲۲. معالم الهی، برای گروه انبیا و پیروان مُسلِم آنها و معارف رحمانی، علاوه بر معالم برای گروه اولیا و پیروان مؤمن آنان می‌باشد.

۲۳. حقیقت صراط مستقیم و مقصد آن، وجود قدسی و آسمانی انسان کامل است که صاحب دو نعمت «شریعت الهی» و «معرفت رحمانی» است و مصداق اکمل آن، رسول اکرم(ص) می‌باشد.

۲۴. وجود مقدس پیامبر اسلام(ص)، به عنوان نمونه بارز «مقرّبین»، حقیقت صراط مستقیم می‌باشد.

۲۵. «اصحاب یمین» پیروان صالح مقرّبان رحمانی‌اند که زیر سایه آنها در صراط مستقیم سیر می‌کنند و از تفریط «مغضوب علیهم» و افراط «ضالین» به دور هستند.

۲۶. «اصحاب شمال»، به جهت آنکه نخواسته‌اند توسط عبودیت و بندگی خدای رحمان از آلودگی شرک و کفر پاک شوند، «مغضوب علیهم»، یعنی مورد غضب قرارگرفتگان، نامیده می‌شوند.

۲۷. «مغضوب علیهم» شامل دو گروه جن و انس می‌باشند که پیش از ظهور اسلام به عنوان «یأجوج» و «مأجوج» شناخته می‌شدند.

۲۸. «ضالین» عده‌ای هستند که راه افراط را در پیش گرفته و خویشان را از نعمت‌های دنیایی محروم کرده‌اند.

۲۹. یهود و نصاریی که در افراط و تفریط هستند، اگر به کتاب‌های آسمانی‌شان، انجیل و تورات دل می‌سپردند و به محتوای هر دوی آنها عمل می‌کردند، از گروه «ضالین» و «مغضوب علیهم» خارج شده و در «صراط مستقیم» وارد می‌شدند و برکات آسمان و زمین بر آنان نازل می‌شد.

۳۰. در بین مسلمانان «مغضوب علیهم» کسانی هستند که بدون بهره از معرفت رحمانی، تنها دنیا را برای خود برگزیده و از آخرت بی‌نصیب شده‌اند و به همین جهت، به غضب الهی گرفتار آمده‌اند.

۳۱. «ضالین» در بین مسلمانان کسانی هستند که بدون بهره از شریعت الهی، آخرت را بر دنیا ترجیح داده‌اند و با افراط در ریاضت، خود را از مواهب و نعمات دنیایی محروم کرده‌اند.

۳۲. تمام هستی، وجود واحد خدا و مظاهر اسما و صفات بی‌نهایت اوست.

۳۳. از بین همه اسما و صفات الهی، رحمانیت و رحیمیت است که نقش ویژه‌ای را دارد، اوصاف والایی که ظهور و دوام هستی وابسته به آنها می‌باشد.

۳۴. خداوند در آیه ۲۶ سوره بقره با تشبیه خود به پشه، می‌خواهد این نکته تربیتی را به انبیا و اولیا بیاموزد که من با وجود آن همه جلال و جبروت، از مثال زدن خود به پشه یا بالاتر از آن در پلیدی هیچ ابایی ندارم، پس شما ای هادیان راه شریعت و طریقت! مبدا دچار کبر و غفلت شوید و از مسیر رحمانیت و رحیمیت من منحرف گردید.

۳۵. حضرت سلیمان(ع) از سخن مورچه فهمید که دچار غرور و غفلت گردیده؛ چراکه از مهم‌ترین نعمت که همان حکمت رحمانی است، بهره‌ای نبرده است.

۳۶. جن و انس، مردمانی هستند که در جایگاه اصحاب شمال قرار دارند و برجسته‌ترین نماد آنان، همان مورچه‌ای است که سلیمان نبی(ع) از سخن او به توجه آمد.



مجموعه عبارات نغز عرفانی از کتاب «لطایف قرآنی» اشارات

۳۷. در داستان سلیمان نبی(ع) «پرندگان» کنایه از مؤمنان اهل معرفت است که شامل ابرار و مقربان می باشد و کامل ترین نماد آنان، همان هدهد است که آن حضرت را به توجه آورد.

۳۸. هدهد، حقیقت وجود مقربان آگاه و مورچه، نماد متکبران است.

۳۹. جریان خلقت در نظام هستی، چون امواج دریا پی در پی در حال تکرار است.

۴۰. سخن پروردگار در آغاز قصه خلقت آدم(ع)، زبان حال حق است که بیانگر طرح آفرینش این دُرْدانه وجود می باشد.

۴۱. علم به اسماء الله، یعنی آگاهی قلبی نسبت به همه موجودات عالم، از جمله فرشتگان است.

۴۲. فرشتگان در برابر نورانیت و روحانیت حضرت آدم(ع) سجده نمودند تا ماهیت وجودیشان از آتش به نور قدسی برسد.

۴۳. مخلصین، همان مقربین رحیمی اند که در حریم ولایت رحمانی از هر نوع گزند و آسیبی در امان اند.

۴۴. وجود ظاهری نفسانی آدمی از چهار بعد: جمادی، نباتی، حیوانی و انسانی تشکیل شده و هر بعد، خود عالمی محسوب می شود و در هر عالم، امیال و خواسته های گوناگون وجود دارد.

۴۵. رو آوردن ابلیس از چهار جهت به سوی آدم، به چهار بعد: جمادی، نباتی، حیوانی و انسانی او اشاره دارد.

۴۶. تنها راه نجات از وسوسه های شیطانی، پرواز کردن انسان به سوی آسمان ملکوت با دو بال عشق به انسان کامل و پرستش خالصانه است.

۴۷. ابلیس همان عزازیل، معلم ملائکه است که از آتش بی دود خلق شده بود.



۴۸. شیطانی که آدم و همسرش را فریب داد، ابلیس نیست؛ بلکه نفس امّاره آدم(ع) و حوا(س) است.

۴۹. آدم و حوا پس از هبوط، در کوه صفا و مروه، یعنی در حریم رحمانی جلال و بارگاه رحیمی جمالِ انسان کامل معتکف شدند.

۵۰. حضرت آدم(ع) با قدم صبر توانست کلمات حکیمانه رحمانی را دریافت و به توجه قلبی بار یابد.

۵۱. ربّ رحیم، تنها منشا سلامتی و پذیرش توبه است.

۵۲. جایگاه «مخلصین» محدوده اسمای الهی است.

۵۳. در محدوده اسمای الهی که جایگاه «مخلصین» است، احتمال وسوسه شیطان و لغزش وجود دارد؛ در حالی که در جایگاه «مخلصین»، شیطان راه نفوذ ندارد.

۵۴. سلامتی کامل در گستره کلمات رحمانی و جایگاه «مخلصین» است.

۵۵. اسما، عبارت است از مظاهر و جلوه‌های بی‌شمار خدای واحد در جهان هستی که علم به آن، از طریق قلب توسط تعلیم الهی به دست می‌آید.

۵۶. کلمات، همان اسمای حُسنای رحمانی می‌باشد که شناخت به آنها از راه قلب به واسطه القای رحمانی حاصل می‌گردد.

۵۷. کلمات کامل‌ترین مظاهر خداوند، انسان‌های کامل‌اند.

۵۸. خلقت نورانی آدم صفی‌الله در بهشت اسماء‌الله و خلقت روحانی‌اش در بهشت کلمات رحمانی او را از تمام موجودات ممتاز کرد.



۵۹. حضرت آدم(ع) ظاهر خود را به واسطه شریعت قلبی تطهیر کرد و سپس باطن خود را توسط معرفت قلبی در حریم مقربین تهذیب نمود و اینگونه الگویی گشت برای کسانی که می‌خواهند به کمال و جمال مطلق برسند.

۶۰. هابیل، نتیجه شجره طیبه رحمانی و قایل، ثمره شجره خبیثه شیطانی است.

۶۱. قایل، از جمله اصحاب شمال و هابیل، از زمره اصحاب یمین است.

۶۲. کلمات طیبه، صابران و کاملان رحیمی‌اند.

۶۳. مظاهر اسمای حسنا و جلوه‌های کلمات الهی، مقربان رحمانی‌اند.

۶۴. فرشتگان نورانی و ارواح قدسی، روشنایی‌بخش آسمان عالم انسانی‌اند.

۶۵. ابرار همواره توسط کلمات، یعنی صابران کامل آزمایش می‌شوند.

۶۶. نیل به جایگاه مقربان برای ابرار ممکن نیست، مگر آنکه حقیقت کلمات را دریافته و وجود اولیای رحیمی را تصدیق کرده باشند.

۶۷. آدم(ع) از جایگاه محدود روشنایی اسما به حریم نامحدود تاریکی کلمات وارد شد، تا به مقام «خلیفه الهی» نائل شود.

۶۸. خودداری ابلیس از سجده بر آدم(ع) و فراموشی آدم(ع) و چشیدن از شجره منهیه و هبوط او در دوزخ مُلکی، همه به اراده رحمانی صورت پذیرفت تا زمینه‌ساز ظهور سلسله انبیای الهی و اولیای رحمانی گردد.

۶۹. تمام موجودات جهان هستی، «وجه‌الله»‌اند.



۷۰. وجه جمیل خدای رحمان، وجود مبارک انسان کامل است.

۷۱. انسان کامل در جایگاه رحمانیت صاحب حکم، یعنی در مقام قضاوت است و تقسیم بهشت و دوزخ به دست اوست.

۷۲. در میان وجوه گوناگون عالم یعنی «اسماء الله» وجه مبارک انسان کامل جلوه «اسماء الحسنی» است.

۷۳. انسان کامل، به عنوان تجلی کامل «رب»، پرورش دهنده آدمیان در مسیر کمال و جمال مطلق است.

۷۴. انسان کامل، پیراون صدیق خود را از رهگذر جلال رحمانی به سوی جمال رحیمی سوق می‌دهد.

۷۵. وجود عیسی بن مریم (ع) والاترین مصداق وجه باقی پروردگار است.

۷۶. جمال رحیمی حضرت عیسی (ع) پرده‌نشین جلال رحمانی علی (ع) می‌باشد.

۷۷. «الم» در ابتدای سوره آل عمران، به سه نام مقدس «الله»، «جبرائیل» و «محمد» اشاره دارد.

۷۸. قرآن، کتابی سراسر نور است که روشنگر حقایق عوالم غیب و شهود می‌باشد.

۷۹. محکمت قرآن توسط روح الامین در زمین قلب پیامبر (ص) و متشابهات آن توسط روح القدس در آسمان قلب ایشان متجلی شده است.

۸۰. ظاهر قرآن، «کتاب الله» است؛ اما قرآن واقعی که در بردارنده مجموعه حقایق عالم هستی است، در کتاب مکنون قرار دارد که همان قلب انسان کامل است.



مجموعه عبارات نغز عرفانی از کتاب «لطایف قرآنی»..... اشارات

۸۱. قرآن، تصدیق کننده کتاب پیامبران پیشین و نگهدارنده حدود آنهاست.

۸۲. آدمی می تواند با شریعت الهی، حقایق مُلک و با معرفت رحمانی، حقایق ملکوت را تشخیص دهد.

۸۳. «هدایت عام» به واسطه محکّمات الهی و به سوی صراط مستقیم است و بهره‌مندان از آن، اولوا الالباب‌اند.

۸۴. «هدایت خاص» به واسطه متشابهات رحمانی و به سوی بهشت زیبایی است و بهره‌مندان از آن، ابرارند.

۸۵. ابرار، نور فرقان باطنی را به واسطه پیروی صادقانه از مقرّبین رحیمی، در سایه طهارت و پرهیزگاری دریافت می‌کنند.

۸۶. آیات محکم، مربوط به رسالت پیامبر(ص) و آیات متشابه مربوط به ولایت آن حضرت است.

۸۷. روشنایی عظیم محکّمات قرآن همچون حجابی گسترده، متشابهات آن را پوشانده است.

۸۸. «اولوا الالباب» از طریق عقل تنها به محکّمات قرآن بسنده می‌کنند و به میزان علمشان به تفسیر ظاهری آیات می‌پردازند.

۸۹. «راسخان در علم» علاوه بر محکّمات، به متشابهات قرآن نیز توجه قلبی دارند و به قدر طهارتشان به تأویل باطنی آن مبادرت می‌ورزند.

۹۰. تعداد اندکی از آیات قرآن را محکّمات و بخش اعظمی از آن را متشابهات تشکیل می‌دهد.

۹۱. محکّمات قرآن، مانند سطح دریا و متشابهات قرآن، مانند عمق دریا می باشد.
۹۲. برای درک آیات متشابه نیاز به پرده گشایی از حقایق باطنی شان به واسطه تأویل است.
۹۳. مقربان رحیمی که مظاهر کامل «الله» هستند، به اذن الهی شایستگی دریافت حقیقت متشابهات از طریق تأویل را دارند.
۹۴. طهارت پیشگان مقرب، شایستگی دسترسی به معارف باطنی و اسرار پوشیده متشابهات را دارند.
۹۵. کتاب مکنون همان قلب انسان کامل است که جمال باطنی قرآن در آن قرار دارد.
۹۶. راسخان در علم، ابرار ثابت قدم هستند که در حد طهارت و صداقتشان بر تأویل متشابهات آگاهی یافته اند.
۹۷. قرآن برای ابرار کیمیای شفا بخشی است که فضل و برکت معنوی را برایشان به ارمغان می آورد.
۹۸. همانطور که انبیای الهی مبعوث شدند تا آدمیان را از شرک برهانند، اولیای رحمانی مأمورند تا انسان ها را از شک نجات دهند.
۹۹. انبیای الهی، مردم را به سوی نورانیت ایمان دعوت می کنند و اولیای رحمانی، انسان ها را به سوی روحانیت یقین سوق می دهند.
۱۰۰. همانطور که ظلمت شرک، مانع برخورداری از نور شریعت الهی است، تاریکی شک مانع بهره مندی از معرفت رحمانی می باشد.
۱۰۱. شک همچون حجابی تیره، آینه دل را می پوشاند و آدمی را از رؤیت حقایق باطنی محروم می سازد.



مجموعه عبارات نغمه‌رسانی از کتاب «لطایف قرآنی»..... اشارات

۱۰۲. راسخان در علم همواره از شک، یعنی میل به باطل و انحراف دل، به پروردگارشان پناه می‌برند.

۱۰۳. حافظان شریعت تلاش می‌کنند تا به واسطه متشابهات کوچک‌ترین لطمه‌ای به محکومات وارد نگردد.

۱۰۴. موسی بن عمران(ع) در واقعه دیدار با حضرت خضر(ع)، به واسطه احساس مسئولیت نسبت به مقررات شریعت در برابر اعمال ولایی خضر صبر نمود.

۱۰۵. موسی بن عمران(ع) به اراده خفیه رحمانی از حکمت و علم لدنی بی‌بهره ماند، تا خدشه‌ای به شریعت وارد نشود و کتاب آسمانی تورات بی‌اعتبار نگردد.

۱۰۶. مقربان و ابرار نباید معارف سرپوشیده قرآن را نزد ظاهراندیشان اهل شرع آشکار سازند تا هم حرمت محکومات را پاس بدارند و هم گنجینه معارف را تنها به اهلش برسانند.

۱۰۷. محکومات، اصل کتاب و ریشه شجره طیبه قرآن است که به واسطه ایمان و عمل به آن، معارف باطنی در قالب متشابهات به ثمر می‌نشیند.

۱۰۸. اولوا الالباب با پند گرفتن از نصایح هدایت‌بخش ابرار و درک محضر کاملان ولایی در سایه تسلیم وجه و صبر و استقامت به متشابهات قرآن دست می‌یابند.

۱۰۹. اولوا الالباب به واسطه منادیان ایمان، یعنی ابرار، به پروردگارشان می‌گروند.

۱۱۰. محال است زن یا مردی بدون تربیت و تزکیه در نزد راهنما و هدایت‌کننده‌ای از اولیای الهی، به درجات عالی کمال و جمال نایل شوند.

۱۱۱. نذر مادر مریم(س) برای خدمتگذاری فرزندش در بیت‌المقدس، حکایت از آگاهی متعالی و بزرگی مقام معنوی او دارد.

۱۱۲. زن، از قلبی رقیق تر و روحی لطیف تر از مرد برخوردار است و در نتیجه تأثیرپذیری بیشتری در برابر حق و حقیقت دارد.

۱۱۳. حقیقت وجودی زن چون زمین حاصلخیزی است که تحت تربیت اولیای رحمانی از گزند حال و هوای نفسانی جن و انس حفظ می شود و به موجب باران محبت، به باغستانی ثمربخش تبدیل می گردد.

۱۱۴. زنی که در پرتو عشق و ارادت به انسان کامل، دلش را از هرگونه شرک و شک تهی ساخته باشد، دارای بالاترین ثمرات یعنی نورانیان الهی و روحانیان رحمانی خواهد شد.

۱۱۵. مریم(س) شایسته مقام رحیمیت و حمل «کلمه خدا» گردید؛ چراکه در پرتو پرورش نورانی و روحانی زکریا(ع) در بیت المقدس به اوج طهارت رسید و کلمات رحمانی را تصدیق کرد.

۱۱۶. منزلت معنوی حضرت زکریا(ع) تا پیش از کفالت مریم(س)، برای عموم مردم ناشناخته بود.

۱۱۷. چون توجه و ارادت مریم(س) نسبت به زکریا عاشقانه و خالصانه بود، وجودش «عبادی» و تمامی اعمالش عبادت محسوب می شد و جایگاه خصوصی اش نیز محراب عبادت او به شمار می آمد.

۱۱۸. رزق از سوی خداوند رحمان یا به صورت ظاهری است برای رشد جسم و نفس و یا به صورت باطنی است برای پرورش روح و ایمان.

۱۱۹. منظور از بهره‌مندی مریم(س) از رزق آسمانی در محراب عبادت، حال و هوای عاشقانه و زمزمه‌های معنوی نسبت به پرورش‌دهنده کریمش می باشد.

۱۲۰. رزق ظاهری عقل و علم انسان را پرورش می دهد و رزق باطنی قلب و معرفت را



تعالی می بخشد.

۱۲۱. حضرت مریم(س) دوبار در مسیر رشد و طهارت برگزیده شد. نخست خداوند او را برای خود برگزید و تحت کفالت زکریا(ع) قرار داد و دومین بار بر زنان جهان برتری داده شد و شایسته حمل کلمه خدا عیسی مسیح(ع) گردید.

۱۲۲. وحی دو صورت دارد، یا به صورت «الهام» می باشد و آن فهم پیام ملائکه در فضای دل است و یا به صورت «ندا» است و آن شنیدن صدای فرشتگان در گوش دل است، که در این نوع ممکن است جمال نورانی ملائکه نیز رؤیت شود.

۱۲۳. فرشتگان، نورانیان قدسی هستند که از نزد روحانیان قدسی خبر می آورند.

۱۲۴. فرشتگان، ارواح مطهر مؤمنانی هستند که به عنوان ابرار در حریم مقربان به سر می برند.

۱۲۵. اگر زنی بخواهد از شرک و شک دور بشود و حامل روح قدسی گردد، باید تحت سرپرستی و تربیت ولی ای از اولیای رحمانی قرار بگیرد.

۱۲۶. وظیفه مریم(س) در برابر نعمت عظیم طهارت و پاکدامنی، فرمانبرداری و پرستش عاشقانه پروردگارش بود.

۱۲۷. حقیقت عبادت مریم(س) شکری است که هم به صورت زبانی ظهور پیدا می کند و هم به صورت بندگی و اطاعت از پروردگار جلوه می یابد.

۱۲۸. بهره‌مندی از دین و اتصال به حق در آیین اسلام بر دو نوع عمومی «حبل الله» و خصوصی «عروة الوثقی» می باشد.

۱۲۹. اتصال به حق در نوع عمومی آن، تمسک همگانی به وجود نورانی رسول خدا(ص) و کتاب آسمانی او قرآن است که از آن به «حبل الله»، یعنی ریسمان خدا تعبیر می شود.

۱۳۰. اتصال به حق در نوع خصوصی آن، تمسک فردی به وجود نورانی ولی خدا و عشق و تسلیم به اوست که از آن به «عروة الوثقی»، یعنی دستگیره محکم تر تعبیر می شود.

۱۳۱. دنیا سرای ظلمت است و آدمی بدون بهره‌مندی از نور، راه هدایت را به سوی مقصود خویش پیدا نمی کند.

۱۳۲. در پرتو نورانیت رسول اکرم (ص) و قرآن کریم است که می توانیم از تاریکی شرک نجات یافته و به حریم توحید وارد شویم.

۱۳۳. ما می توانیم با وجود ولی خدا که چون ماه درخشان در شب می باشد، از ظلمت شک و کفر رهایی یافته و در حرم امن ولایت رحمانی بار یابیم.

۱۳۴. نورانیت رسول اکرم (ص) و قرآن کریم، نعمت عظیم الهی است که در میان مسلمانان، الفت، امنیت و برادری را حاکم نموده است.

۱۳۵. تسلیم شدن به فرامین رسول اکرم (ص) و قرآن کریم «حبل الله» است که کمال آن تسلیم کردن وجه به دستان ولی خدا، آن عروة الوثقای رحیمی می باشد.

۱۳۶. کمال واقعی در حقیقت، جمال مطلق است که عده کمی از آدمیان در پاسخ به ندای فطرت به جست و جوی آن بر می خیزند.

۱۳۷. نتیجه تسلیم به وجه پروردگار رحیم، حضور دائمی در بهشت دلربای رحیمی است.

۱۳۸. ثمره معالِم الهی آدم (ع) در بهشت اسما، قاییل و ثمره معارف رحمانی او در بهشت کلمات، هابیل می باشد.

۱۳۹. قربانی کردن دو نوع است: یا ظاهری است که شامل انفاق و ایثار نعمت های الهی است و یا باطنی است که عبارت از کشتن نفس اماره می باشد.



مجموعه عبارات نغمه‌رسانی از کتاب «لطایف قرآنی» اشارات

۱۴۰. هابیل، نفس خود را قربانی نمود تا در عمل به حقیقت «لا اله الا الله» تمامی الهه‌ها را در مسیر عبودیت رب، از وجودش بیرون نماید.

۱۴۱. قابیل به واسطه آنکه نتوانست از هوای نفس فانی شود، قربانی‌اش پذیرفته نشد.

۱۴۲. هابیل، چون شریعت الهی را با معرفت رحمانی همراه ساخته بود، در زمره متقین، یعنی ابرار قرار گرفت.

۱۴۳. از ویژگی‌های ابرار اهل تقوا، ترس از مقام و منزلت عظیم پروردگار است.

۱۴۴. جایگاه ابرار اهل تقوا دو بهشت است: یکی بهشت وجه جلال رحمانیت پروردگارشان در ظاهر، و دیگری، بهشت سیمای جمال رحیمیت پروردگارشان در باطن است.

۱۴۵. خطای هابیل این بود که معارف سربه‌مهر خدای رحمان را در نزد برادر نامحرم و ظاهربین خود بیان کرد.

۱۴۶. گناه قابیل آن بود که شریعت الهی را بدون معرفت پذیرفته و معارف رحمانی را تکذیب نمود.

۱۴۷. کلاغ، نمادی از اهل شریعت است که مأموریت دارد حکم شرع را به قابیل بیاموزد.

۱۴۸. رسالت بدون ولایت، همانند صحرایی خشک و سوزان است.

۱۴۹. در طول تاریخ، سلسله اولیای رحمانی موظف به تقیه و کتمان معارف رحمانی از نااهلان بوده‌اند.

۱۵۰. دلیل آنکه در تاریخ اسلام، معرفت رحمانی برابر با شریعت الهی در جامعه فراگیر نشده، آن است که اهل طهارت از اظهار اسرار باطنی خودداری کرده‌اند و به بیان دیگر حق را



فدای خود نموده‌اند.

۱۵۱. اولیای کامل رحیمی با بیان اسرار معنوی، خود را فدای حق نمودند تا معارف قلبی و رحمانی در میان جامعه گسترش یابد و راه کمال و جمال فرا روی همگان گشوده شود.

۱۵۲. هر چیزی که انسان را از خدا دور کند و او را به غیر حق مشغول سازد، «عورت» محسوب می‌شود و توجه و دلبستگی به آن شرک است.

۱۵۳. شرک، سرچشمه همه زشتی‌ها و تیرگی‌هاست.

۱۵۴. شرک، بزرگ‌ترین ظلمی است که آدمی نسبت به نفس خویش مرتکب می‌شود.

۱۵۵. هدایت انسان‌ها به توحید و برحذر داشتن آنها از شرک، مهم‌ترین دلیل بعثت تمام انبیای الهی بوده است.

۱۵۶. برای دین‌داران دو نوع لباس باطنی وجود دارد: لباس «نور» و لباس «روح»، که هر دو پوشاننده نفس انسان می‌باشد.

۱۵۷. آدمی به توسط لباس «نور» که همان شریعت الهی است، از ظلمت شرک پاک و مبرا می‌گردد.

۱۵۸. انسان با پوشیدن لباس «روح» که همان معرفت رحمانی است، از شک به وجود مقدس اولیای رحمانی و معارف والای ایشان مبرا می‌گردد.

۱۵۹. لباس «روح» در حقیقت همان لباس تقواست که با خصال نیک و اوصاف ارزشمند معنوی همراه گردیده است.

۱۶۰. هرچه انسان از خدای جمیل دورتر گردد و به دلبستگی‌ها مشغول‌تر شود، حقیقت درونی‌اش زشت‌تر می‌شود؛ اما هرچه به پروردگار نزدیک‌تر شود، باطنش زیباتر می‌گردد.



۱۶۱. یگانه راه رسیدن به جایگاه مقربان اهل معرفت و صاحبان «قول طیب»، همانا دوری از آلودگی‌ها به ویژه آلودگی شهوت نفسانی است که با حفظ طهارت در محضر انسان کامل حاصل می‌شود.

۱۶۲. سالک عاشق، تحت تربیت ولایی انسان کامل می‌تواند از طریق پیمودن صراط مستقیم الهی به صراط حمید رحمانی راه یابد.

۱۶۳. می‌توان با پوشیدن لباس نورانی شریعت، به لباس روحانی معرفت نایل شد.

۱۶۴. جبرائیل، با جلوه روح الامین، آیات محکم را بر زمین منور قلب محمد(ص) فرود آورد و با جلوه روح القدس، آیات متشابه را بر آسمان مطهر قلب ایشان نازل نمود.

۱۶۵. تکذیب‌کنندگان آیات، کسانی هستند که نسبت به متشابهات قرآنی و معارف رحمانی تنفر نشان می‌دهند.

۱۶۶. راه توبه و بازگشت، حتی برای مجرمان تکذیب‌کننده تا زمانی که عمرشان به پایان نرسیده، باز است و گشوده شدن درهای آسمانی و راه یافتن به بهشت مقربین، برای آنها نیز ممکن است.

۱۶۷. دوری از حریم بهشتی اولیای خدا و محرومیت از معارف و اسرار باطنی، عذابی است که تکذیب‌کنندگان به آن دچار هستند.

۱۶۸. درهای بهشت آسمان برای انسان تکذیب‌کننده، در صورتی گشوده می‌شود که در اثر توبه در نزد اولیای خدا، به تولد دوباره دست یافته باشد.

۱۶۹. شریعت، همچون آفتاب گرمابخشی است که آدمی را از سستی سرمای غفلت بیرون آورده و در پرتو فرامین راهگشا، او را به آداب ظاهری آراسته می‌سازد.



۱۷۰. خداوند در احدیّت خود غیب و در واحدیّت، یعنی آیینه مخلوقات تجلی نموده است.
۱۷۱. رؤیت خداوند تنها در کامل ترین جلوه هایش، یعنی انسان های کامل، با استقامت در عشق و معرفت امکان پذیر می باشد.
۱۷۲. وجود حضرت موسی (ع) کوهی است که در مقابل عظمت و کبریای پروردگار متلاشی شد و به رؤیت حق نایل نگردید.
۱۷۳. حضرت موسی (ع) اگر در برابر تجلی پروردگارش پایداری می نمود، به رؤیت ربّ خود نایل می شد و در نتیجه، علاوه بر شریعت از حکمت نیز بهره مند می شد و تورات او علاوه بر نور الهی، از روح رحمانی نیز برخوردار می گشت.
۱۷۴. عدم استقامت موسی (ع) در برابر تجلی پروردگار، نشانه نداشتن شناخت است.
۱۷۵. حضرت موسی (ع) در سایه شناخت، می توانست خویشتن را تسلیم پروردگار کند، تا دچار بی صبری و عدم استقامت نگردد.
۱۷۶. وجود ترس در دل حضرت موسی (ع) در صحنه های مختلف زندگی او، نشان از نداشتن شناخت و معرفت است.
۱۷۷. کوه وجود موسی (ع) با تجلی نور کبریایی ربّش متلاشی شد تا دل او از تعلقات مُلکی پاک شود و قلبش شایسته دریافت رسالت الهی گردد.
۱۷۸. حضرت موسی (ع) پس از به هوش آمدن و تولد دوباره، پروردگار خویش را به صورت علم الیقین درک نمود و به ایمان کامل در وادی رسالت رسید.
۱۷۹. باید آدمی در وادی شریعت، با رعایت ادب و عبودیت در پیشگاه الهی، به بی هوشی کامل و نجات از هر شرکی رسیده، تا صاحب نور قدسی گردد.



مجموعه عبارات نغمه‌رسانی از کتاب «لطایف قرآنی» اشارات

۱۸۰. در حریم معرفت، سالک باید با رعایت ادب و استقامت در پیشگاه رحمانی، به فنای کامل و رهایی از هرگونه شکی برسد تا صاحب روح قدسی گردد.

۱۸۱. موسی کلیم‌الله(ع)، مظهر نور قدسی است که هم کلام با خدا گردید.

۱۸۲. عیسی روح‌الله(ع)، مظهر روح قدسی است که خود، کلمه خدا می‌باشد.

۱۸۳. نتیجه کلام الهی، ظهور محکمت برای عامه مردم و ثمره کلمه رحمانی تجلی متشابهات برای خواص است.

۱۸۴. رسول اکرم(ص) مظهر کلمه رحمانی و صاحب کلام الهی است.

۱۸۵. حضرت موسی(ع) به دلیل نداشتن صبر و استقامت به دریافت علم لدنی نایل نشد.

۱۸۶. «مجمع البحرین»، محل جمع دو دریای رسالت و ولایت یا دو جلوه نور قدسی و روح قدسی است.

۱۸۷. «قاب قوسین»، محل جمع دو قوس رسالت و ولایت یا دو جلوه نور قدسی و روح قدسی است.

۱۸۸. حضرت محمد رسول‌الله(ص) به دلیل داشتن صبر و استقامت علاوه بر درک حقیقت ولایت، به رؤیت سیمای باطنی علی(ع) نایل شد.

۱۸۹. انبیای الهی و اولیای رحمانی دو گروه هادیان طریق کمال و جمال می‌باشند.

۱۹۰. وجود هر یک از دو گروه انبیای الهی و اولیای رحمانی به منزله کشتی نجات است برای پیروانشان.

۱۹۱. انبیای الهی(ع)، ناخدایان توانایی هستند که وظیفه دارند در سایه صبر و استقامت،

با کشتی وجود خود، تسلیم‌شوندگان خویش را در دریای مَوَاج رسالت به سوی ساحل امن ولایت پیش ببرند.

۱۹۲. اولیای رحمانی، ناخدایان ماهری هستند که مأموریت دارند در پرتو بردباری و شکیبایی، با کشتی وجود خود، ایمان‌آوردندگان به خویشتن را که وارستگان از دنیایند، در دریای پرتلاطم ولایت به سوی ساحل وجاهت پیش ببرند.

۱۹۳. دو دریای رسالت و ولایت برای کشتی‌نشینان با ایمان، مایه رحمت و هدایت است، و برای کافران ناسپاس، موجب عذاب و ضلالت.

۱۹۴. منظور از طولانی بودن عمر حضرت نوح(ع)، عمر ظاهری نیست، بلکه به معنی استمرار شریعت آن حضرت در بین امت‌های پس از اوست.

۱۹۵. به سبب اینکه تمام پیامبران الهی و امدار شریعت آسمانی نوح(ع) هستند، ایشان به لقب «شیخ‌الانبیاء» آراسته شده است.

۱۹۶. به دلیل این که تمام اولیای رحمانی و امدار معرفت آسمانی علی(ع) می‌باشند، ایشان به لقب «سید الاوصیاء» مزین شده‌اند.

۱۹۷. همانطور که وجود حضرت نوح(ع) نماد کشتی رسولان الهی است، وجود مقدس علی(ع) نماد کشتی اولیای رحمانی است.

۱۹۸. حضرت نوح(ع) سه گروه را از عذاب موعود رهایی بخشید، نخست مخلصان و صدیقان پیشگاهش، سپس مؤمنان معتقد به رسالتش، و گروه سوم توده‌ای از مردمانی که هر چند صورت انسانی دارند، لکن در سیرت، بهائم، یعنی چهارپایان اهلی‌اند که امید به بیداری و هدایتشان وجود دارد.

۱۹۹. ملاک «اهل» بودن، پیوند نسبی و خویشاوندی نیست و کسی «اهل» محسوب



می‌شود که به موجب صداقت و اخلاص، پیوندی قلبی و ایمانی داشته باشد.

۲۰۰. علت گمراهی پسر نوح(ع)، نه همنشینی با بدکاران، بلکه مادر کفر پیشه او بوده و همین امر باعث گرایش و همنشینی‌اش با کافران همسنخ او گردیده است.

۲۰۱. کوه جودی، همانا جایگاه ولایی خضر زمان حضرت نوح(ع) است که صاحب جود و کرم می‌باشد.

۲۰۲. «کلمه»، انسان است که یا «طیب و پاک» و یا «خیث و پلید» است.

۲۰۳. مؤمنان ابرار که مصداق «شجره طیبه»‌اند، از انسان کامل یا همان «شجره مبارکه» که جلوه تام خدای رحمان بر روی زمین است، پیروی می‌کنند.

۲۰۴. کافران فجّار که مصداق «شجره خبیثه»‌اند، از «شجره زقوم» یعنی جلوه‌های شیاطین بر روی زمین و پیشوایان مکذب تبعیت می‌کنند.

۲۰۵. شجره مبارکه از سنخ نور است و جایگاهش نه زمین شریعت است و نه دریای معرفت، بلکه در آسمان عشق مأوا دارد و همچون مهتاب، بدون تماس با خورشید نورافشانی می‌کند.

۲۰۶. شجره زقوم یا اولیای طاغوت از سنخ شعله‌اند که تفکرات شیطانی را به پیروان خویش القا می‌کنند و خوراک شهوت را به همراه آب جوشان غضب برای آنها فراهم می‌کنند.

۲۰۷. انسان مؤمن به منزله درختی است که در سرزمین طیب ولایت اولیای رحمانی، ریشه محکم و استوار دارد و پیوسته در آنجا از کوثر عشق و روزی معنوی ایمان تناول می‌کند.

۲۰۸. استواری ریشه شجره طیبه، وابسته به استقامت و پایداری او در وفاداری به پیمان ولایت است.

۲۰۹. تنها مؤمن صابر است که عاشقانه ندای فطری «قالوا بلی» را از نهاد جان سر داده و

تا آخرین لحظه زندگانی به مدد الهی بر سر این گفتار، ثابت قدم می ماند.

۲۱۰. صابران ابرار که آراسته به اخلاق الله هستند و جز خیر و برکت از آنان آشکار نمی شود، در ظاهر روی زمین به سر می برند اما در باطن، آسمانی هستند.

۲۱۱. هر زمان که قلب صابران ابرار، سرشار از محبت و ارادت نسبت به پرورش دهنده رحمانی شان می شود، از ثمرات معنوی برخوردار شده و آن را به نیازمندان حقیقت عرضه می کنند.

۲۱۲. یگانه طریق نیل به مأوای آسمانیان و همنشینی با ابرار در حریم مقدس انسان کامل، تقوای الهی همراه با صداقت و بندگی خالصانه می باشد.

۲۱۳. همانگونه که ابلیس به علت آلودگی به کفر و سرپیچی از اطاعت الهی، به عنوان «شجره زقوم» به دست خداوند از سرزمین آسمانی ملائکه ریشه کن گردید، انسان کافر مشرک به عنوان «شجره خبیثه» به دست غیبی خدای رحمان از زمین بوستان ولایت ریشه کن می شود.

۲۱۴. ابلیس به اراده خداوند رحمان از بهشت ملائکه رانده شد تا به مصداق «شجره زقوم» در قعر جهنم ریشه بدواند و مایه ابتلای آدمیان گردد.

۲۱۵. کافر مشرک که در حریم ولایت به عهد و پیمان خویش پایبند نبوده، به اراده الهی از جایگاه نورانی و بهشتی اولیای خدا رانده شده و پیوسته در تاریکی غفلت و جهالت، پیرو شیاطین جن و انس می گردد.

۲۱۶. مؤمنان ابرار به موجب وفاداری به عهد و پیمان ولایی با پروردگارشان و اطاعت و بندگی خالصانه، پیوسته در دنیا و آخرت استوارند و از حیات طیبه و ثمرات روح بخش بهشتی برخوردار می باشند.



۲۱۷. همانطور که در عالم ظاهر، آتش و شعله قبل از خاک و آب به وجود آمده، خلقت جن نیز پیش از آفرینش انس بوده است.

۲۱۸. مقصود از عبادت جن و انس، نیل به کمال و جمال مطلق از طریق اطاعت پروردگار می باشد.

۲۱۹. در اثر بندگی و فرمان برداری، جن از آتش، به نور قدسی و مقام ملائکه الهی می رسد و انس از گل، به روح قدسی و مقام مقربین رحمانی نائل می شود.

۲۲۰. عزایل در اثر استکبار و نافرمانی، از مقام نور به جایگاه شعله و آتش تنزل کرد و نام «ابلیس» به خود گرفت و آدم(ع) نیز در اثر غفلت و پیروی از شیطان، از مقام روح به جایگاه آب و خاک تنزل نمود و نام «بشر» به خود گرفت.

۲۲۱. ابلیس از بهشت نور قدسی و آدم(ع) از جنت روح قدسی بیرون رانده شدند و به دوزخ ملک هبوط نمودند.

۲۲۲. رسیدن جن به نور قدسی و یا رسیدن انس به روح قدسی، هرگز به معنای محفوظ ماندن آنها از لغزش و تنزل از مقام واقعی آنها نیست، بلکه علاوه بر آن می بایست توسط پروردگار رحیم، جن به نور قدسی و انس به روح قدسی «تأیید» شوند.

۲۲۳. حضرت آدم(ع) به واسطه کلمات رحمانی توبه نمود و به روح قدسی تأیید شد و به جایگاه اصلی خود، یعنی مقام «خلیفة الهی» نایل گردید، ابلیس نیز اگر توبه می کرد به نور قدسی تأیید می شد و دوباره به جایگاه واقعی خود راه می یافت.

۲۲۴. حضرت آدم(ع) پس از تأیید شدن به روح قدسی، به مقام مقربان رحیمی در بهشت اذکار دست یافت؛ همچنان که عیسی مسیح(ع) به عنوان بارزترین مصداق مقربین، به روح قدسی تأیید شد و دارای چنین جایگاه والایی گردید.

۲۲۵. همانطور که تضاد «آتش و شعله» با «خاک و آب»، باعث رشد و کمال در عالم مُلک می‌باشد، تضاد بین ابلیس و آدم(ع) نیز موجب شکوفایی و تجلی حقایق وجود آدم(ع) می‌گردد.

۲۲۶. به اراده ربوبی، شیطان با وسوسه خویش باعث شد که آدم(ع) از بهشت رانده شده تا هم به کمال و جمال رحیمی نایل گردد و هم فیض رحمانی گسترده شود و زیباترین جلوه‌های وجود، یعنی انسان‌های کامل به ظهور برسند.

۲۲۷. ظاهر و باطن هستی از «اسفل سافلین» تا «اعلیٰ علیین» از یک وجود تشکیل یافته و آن وجود حق است و همه موجودات، تجلی اسما و صفات الهی به شمار می‌روند.

۲۲۸. از دیدگاه وحدت شیطان در گستره خلقت، جز تجلی خداوند رحمان برای آزمون آدمیان نیست که یا سبب ارتقای مقام و منزلت مؤمنان می‌شود و یا باعث سقوط و تباهی مکذبان و غفلت‌زدگان می‌گردد.

۲۲۹. همانگونه که عیسی مسیح(ع) همچون آدم(ع) از مرتبه گل به منزلت روح قدسی رسید، حضرت موسی(ع) هم از مرتبه آتش به منزلت نور قدسی نایل شد.

۲۳۰. حضرت موسی(ع) از جایگاه آتش به مقام نور نایل گشت و در شریعت خویش مخلص شد تا هادی مردم از ظلمت به سوی نور باشد و به همین دلیل است که کتاب او، «کتاب نور» نامیده می‌شود.

۲۳۱. تقدس وادی طور به جهت وجود درختی است که ریشه در ولایت رحمانی دارد و سرمنشأ ظهور اولیای اهل حق در بستر تاریخ پس از جناب موسی(ع) می‌باشد.

۲۳۲. اگر موسی کلیم‌الله(ع) به مقام نور قدسی نرسیده بود، در برابر اعمال خضر(ع) که ظاهراً با شریعت ناسازگار به نظر می‌رسید، به اعتراض اکتفا نمی‌نمود و چه بسا او را تکفیر می‌کرد و یا دستش را به خون او آغشته می‌ساخت.



۲۳۳. آنان که به نور قدسی و یا روح قدسی نرسیده‌اند، از «صراط مستقیم» که راه اعتدال و میانه‌روی است، دور افتاده و مصداق جن و انس، یعنی اصحاب شمال گشته و به جهت غفلت، از درک حقیقت عاجزند.

۲۳۴. آنچه باعث اختلاف میان یهودیان و مسیحیان می‌باشد، تفریط در میان قوم یهود و افراد در بین قوم نصارا است.

۲۳۵. چنانچه هر دو قوم یهود و نصارا، به کتاب‌های آسمانی تورات و انجیل تمسک می‌جستند، اختلاف این دو گروه بر طرف می‌شد و از افراط و تفریط مبرا می‌گشتند و به حد اعتدال، یعنی به صراط مستقیم می‌رسیدند و در زمره اصحاب یمین که اهل نور و روح‌اند، قرار می‌گرفتند.

۲۳۶. در عالم انسانی که عالم امتحان ربوبی است، آدمیان یا به عنوان جن و انس در مقام حیوانی یا پست‌تر از آن قرار دارند، یا به عنوان ابرار در مقام ملائکه و یا به عنوان مقربین در مقام روح قدسی به سر می‌برند.

۲۳۷. هر دو گروه جن و انس در عالم مُلک، گرفتار خشم و شهوت هستند. در وجود جنیان خشم بر شهوت غلبه دارد و در وجود انسیان، شهوت بر خشم غالب است.

۲۳۸. آدمی برای نیل به دین متکامل اسلام و بهره‌مندی از کتاب و حکمت، که همان شریعت و معرفت است، نیاز به تزکیه و طهارت دارد.

۲۳۹. کسانی که علم شریعت را بدون تزکیه در نزد اولیای الهی به دست آورند، از زمره جنیان خواهند شد و آنان که به علم معرفت بدون طهارت قلبی در محضر مقربان رحیمی، نایل شوند از زمره انسیان خواهند بود؛ در نتیجه به مخالفت یکدیگر و تکذیب اولیای خدا خواهند پرداخت.



۲۴۰. انسان کامل ربّانی، از عصاره کوثر عشق که همچون دُردی شراب، ته‌نشین گشته، سالک خود را ساخت و ساز نموده و در کوره صبر و استقامت به مانند سفالی پخته، به مرحله استواری و صلابت می‌رساند تا شایسته القای روح قدسی و سجده ملائکه گردد.

۲۴۱. «موعظه حسنه» و «حکمت» دو روش دعوت برای هدایت مردم به راه پروردگار است.

۲۴۲. منظور از «موعظه حسنه» در قرآن، همان شریعت برای نیل به کمال الهی است و مراد از «حکمت»، همان معرفت برای وصول به جمال رحمانی می‌باشد.

۲۴۳. شریعت، نوری است در قلب از ناحیه خورشید رسالت که روشنایی آن، آدمی را از آلودگی شرک و تعلقات دنیایی پاک می‌کند و او را به آداب الهی متخلّق می‌گرداند و عقل و اندیشه او را به کمال می‌رساند.

۲۴۴. حکمت، نوری است در قلب از ناحیه ماه ولایت که پرتو آن، انسان را از شک و تردید نسبت به حقایق معنوی دور می‌سازد و دریچه دلش را به روی اسرار باطنی می‌گشاید و او را از رحمت خاصه و ایمان کامل بهره‌مند می‌گرداند.

۲۴۵. علمای اهل شریعت برای هدایت مردم به روش «موعظه حسنه» یعنی پند و اندرز پسندیده عمل می‌کنند و با مهربانی و لحن نرم با آنان سخن می‌گویند؛ بنابراین، جاذبه آنها از دافعه‌شان قوی‌تر می‌باشد.

۲۴۶. اولیای اهل معرفت برای هدایت مردم به روش حکمت، یعنی بر اساس معرفت قلبی و دید باطنی عمل می‌کنند؛ از این رو، بیشتر با جدّیت و لحن تند و شدید سخن می‌گویند. در نتیجه، دافعه ایشان از جاذبه‌شان قوی‌تر می‌باشد.

۲۴۷. جدّیت و تندخویی اولیای خدا نسبت به پیروان خاصشان، از رأفت و دلسوزی آنان نشئت می‌گیرد تا بتوانند در مسیر تاریک ولایت، با هشدارهای بیدارگر خویش، پیروان خود را تزکیه نمایند و از خطر سقوط به درّه ضلالت حفظ کنند.



۲۴۸. کامل‌ترین شیوه دعوت به راه حق و حقیقت، بهره‌مندی از هر دو روش «حکمت» و «موعظه حسنه»، یعنی معرفت و شریعت است.

۲۴۹. در سوره اصحاب کهف، جوانانی که با اعتقاد و مؤمن معرفی شده‌اند، در حقیقت، از جمله جوانمردان عالم محسوب می‌شوند.

۲۵۰. جوانمردی اصحاب کهف از آن جهت است که با دل و جان، از شرک جدا شدند و به همه تعلقات دنیوی و شهوات نفسانی پشت پا زدند و به پرورش‌دهنده رحمانی خود که از او به «چوپان» تعبیر شده، تسلیم شدند.

۲۵۱. در داستان اصحاب کهف، پرورش‌دهنده رحمانی یا همان چوپانی که ایشان در حریم ولایی او قرار گرفتند، نماد گروه مقربان وجیه است و پیروان موحد و صدیق آن ولی خدا، یعنی اصحاب کهف و رقیم، در زمره اصحاب یمین، می‌باشند.

۲۵۲. کهف، به معنای غار همان حریم امن ولی خدا می‌باشد که پیروانش را در آن، تزکیه و تربیت می‌نماید.

۲۵۳. کهف، قلعه امن ولایت است که مؤمنان راستین را در حریم خویش از هرگونه آسیب و عذابی حفظ می‌کند.

۲۵۴. دوری اصحاب رقیم از شرک و مشرکان و پیوستن به توحید و موحدان، زمینه‌ساز رؤیت اسرار و حقایق باطن و نیل به اجابت دعایشان بوده است.

۲۵۵. طی نمودن زمین‌ها و آسمان‌های هفت‌گانه سلوک، تنها به واسطه قیام علیه شرک و وابستگی، در پرتو هدایت خضر طریق که مظهر ربوبیت رحمانی است، ممکن می‌باشد.

۲۵۶. پروردگار مهربان در حریم خویش، پرده‌ای بر گوش‌های اصحاب کهف قرار داد تا آن جوانمردان غیر از سخن حق نشنوند و اسرار خویش را برای نامحرمان افشا نکنند و در کمال

ایمان و آرامش قلبی، تنها با اکسیر عشق و فنا، به رؤیت جمال رحیمی مربی خود بپردازند.

۲۵۷. خواب اصحاب کهف و رقیم، در حقیقت فنای آنان از امور دنیایی در طول حدود بیست سال سلوک نزد ولی خدا بوده است و زمانی که پس از سالها اطاعت صادقانه به کمال مطلوب خویش رسیدند، به اراده رحمانی برانگیخته شدند تا به عنوان ابرار جوانمرد، بندگان خدا را هدایت نمایند.

۲۵۸. اصحاب کهف به دستور پرورش دهنده رحمانی خود، به ظاهر در میان مردم زندگی می کردند، اما رازها و حقایق معنوی شان را از عامه مردم پنهان می نمودند و در باطن محو پرستش و بندگی عاشقانه و فانی از تمام هیاهوی دنیا و باقی به حق بودند و به اراده آن ولی خدا، دو بعدی عمل می کردند.

۲۵۹. هر کس همچون اصحاب کهف، جوانمردانه دست از همه تعلقات و لذت ها بشوید و در کهف ولایت ولی ای از اولیای زمان خویش وارد شود، بر طبق وعده الهی، از رحمت گسترده پروردگار بهره مند شده و در پرتو ایمان و بندگی عاشقانه بر هدایتش افزوده خواهد شد.

۲۶۰. قیامت در حقیقت بقای بعد از فناست، چنان که اصحاب کهف پس از فانی شدن از همه وابستگی ها در حریم ولایی مرد خدا بقا یافتند.

۲۶۱. اصحاب کهف همچنان در حریم ولایی پرورش دهنده خود به سر بردند و کسی تا آخر عمر طبیعی ایشان بر احوال آنان اطلاعی نیافت تا اینکه سیصد و نه سال از زمان اصحاب کهف سپری شد و با ظهور اسلام یاد آن جوانمردان دوباره زنده گشت.

۲۶۲. در داستان اصحاب کهف، «کلب» یعنی سگ وفادار، هوشیار و تربیت یافته ای که از ایشان مراقبت می کند و در واقع، نفس مطمئنه همان ولی خداست که خدمتگذار اصحاب کهف بوده و در درگاه ولایت نگهبانی می دهد تا هویت معنوی آنان محفوظ بماند و از گزند بدخواهان و ظالمین در امان باشند.



۲۶۳. با توجه به اینکه حدود ۶۰۰ سال بین ظهور حضرت مسیح(ع) و پیامبر اکرم(ص) فاصله می‌باشد، ۳۰۹ سال ماندن اصحاب کهف در جایگاه کهف، در حقیقت، به معنای فراموشی یاد و خاطره جوانمردی آنها در میان مردم تا زمان ظهور حضرت محمد(ص) است.

۲۶۴. با آمدن دین اسلام و کتاب آسمانی قرآن، به ویژه نزول سوره‌ای به نام «کهف»، اصحاب کهف از فراموشی بیرون آمدند و یاد و مرام جوانمردی‌شان زنده گردید و به برکت اسلام به رزق معنوی رسیدند.

۲۶۵. در حقیقت، کشش باطنی خضر(ع) است که چون مغناطیس قوی، وجود نیازمند موسای کلیم(ع) را به سوی خویش جذب می‌نماید.

۲۶۶. در سفر حضرت موسی(ع) سه همراه با هم در سپرند؛ خود موسی(ع)، جوان و ماهی؛ مراد از موسی(ع) نفس او و منظور از جوان همراهش، عقل او و مراد از ماهی، نور عقل او می‌باشد و این سه حقیقت وجودی موسی(ع) به ترتیب، به منزله آتش و شعله و هوا هستند.

۲۶۷. نَفْس موسی(ع) به اتفاق عقل خود با استفاده از نور آن عقل، در پی رسیدن به سه بعد وجودی حضرت خضر(ع) هستند که عبارت است از: نفس و عشق و روح خضر(ع).

۲۶۸. طعام ملکوتیان، نور است؛ و طعام قدسیان عالم جبروت، روح می‌باشد.

۲۶۹. وضع لباس و ظاهر حضرت خضر(ع) به گونه‌ای بوده که مانع تشخیص صحیح موسی(ع) شد؛ از این رو او را شناخت و از کنار ایشان گذر نمود.

۲۷۰. «خضر» اسم خاص نیست، بلکه نامی عام است که در هر زمان مصادیقی دارد و به همین جهت، در قرآن از حضرت خضر(ع) به «بنده‌ای از بندگان ما» تعبیر شده و نامی از او برده نشده است.

۲۷۱. هر انسانی به مدد کاملان ولایی می‌تواند به مقام بندگی حق و منزلت خضر(ع) برسد

و صاحب علم لدنی گردد.

۲۷۲. اولیای الهی در هر زمان و مکان وجود دارند و اگر چه ممکن است در بین مردم ناشناخته زندگی کنند، اما هیچ‌گاه زمین از حضور آنان که حجت‌های رحمانی هستند، خالی نمی‌ماند.

۲۷۳. جویندگان کمال هرگز نباید در طلب خضر زمان خویش، از درگاه خداوند رحمان ناامید گردند.

۲۷۴. رحمت حضرت خضر(ع) همان بخشش و مهربانی است که به واسطه آن صاحب روح قدسی و علم لدنی گردیده بود.

۲۷۵. تنها راه وصول به علم لدنی، زدودن زنگار تعلقات از مرآت دل در پیشگاه اولیای رحمانی است و هرگز از راه تعلیم و تعلم عقلی که لازمه آن پرسش و پاسخ است، به دست نمی‌آید.

۲۷۶. همراهی با حق، دشواری‌ها و مشکلاتی را به دنبال دارد که بدون صبر و استقامت قابل تحمل نخواهد بود.

۲۷۷. از جمله دلایل بی‌صبری حضرت موسی(ع) در مقابل حضرت خضر(ع) این است که تنها خودش را دید، بی‌آنکه خود را در زمره صابران بشمارد.

۲۷۸. در حریم ولایت و در مکتب و مسلک علم لدنی، جای بحث و گفت‌وگوی عقلی نیست و کمال‌جویان اهل طریقت و سلوک باید در برابر اولیای رحمانی، تسلیم محض بوده، صبر و بردباری همراه با سکوت عارفانه را شیوه عملی خویش سازند.

۲۷۹. علم لدنی، عبارت است از معارفی که تنها توسط راه و روش عملی به دست می‌آید، نه از طریق پرسش و پاسخ علمی.



۲۸۰. حضرت خضر(ع) با شکستن کشتی وجودش، به حضرت موسی(ع) این توجه را داد که هادی نجات بخش راه معنا باید ابتدا خودش را بشکند و از تکبر دور سازد و در برابر فقرای الهی فروتن باشد تا به واسطه فنای از خود به بقای وجه جمیل پروردگار نایل گردد.

۲۸۱. هادی راه کمال تا اهل فنا و بقا نباشد، نمی تواند پیروان نیازمندش را هدایت نماید.

۲۸۲. در تأویل ماجرای موسی(ع)، مراد از دیوار، وجود جسمانی خود خضر(ع) است و مراد از آن گنج پنهان در دیوار، میراث ماندگار ایمان و معرفت است برای فرزندانیش تا بتوانند در پرتو نور آن به هدایت جویندگان کمال و جمال بپردازند.

۲۸۳. کارهایی که حضرت خضر(ع) در برابر حضرت موسی(ع) انجام داد، هیچ کدام از روی هوای نفس نبوده، بلکه تنها از طریق اراده رحمانی و بر اساس شناخت و قدرت ولایی او صورت گرفته است.

۲۸۴. اولیای الهی و اهل حکمت، صاحب رأفت و بخشندگی اند و هرگز نیازمندی را از خودشان نمی رانند.

۲۸۵. جدایی حضرت خضر(ع) از جناب موسی(ع) هرگز قهرآمیز نبوده و به معنای مردود شدن حضرت موسی(ع) نیست؛ بلکه به معنای پایان یافتن تعلیم عملی علم لدنی در حد ظرفیت و نیاز آن حضرت می باشد.

۲۸۶. حضرت موسی(ع) به جهت بی صبری، به کُنه علم لدنی راه نیافت.

۲۸۷. حضرت موسی(ع) در مجمع البحرين نتوانست به رؤیت حقیقت جناب خضر(ع) نایل گردد؛ همچنان که در میقات نتوانست پروردگارش را رؤیت نماید.

۲۸۸. ریشه تمامی مشکلات پیروان ادیان آسمانی در طول تاریخ، بهره نبردن از هدایت اولیای الهی می باشد.

۲۸۹. مهم‌ترین درس سوره کهف، لزوم جست‌وجو برای یافتن خضر زمان و راهیابی به محضر پر فیض او و برخورداری از معرفت و حکمت در حریم امن ولایت اوست.

۲۹۰. آدمی باید با دو قدم صدق و اخلاص پیش برود تا کم‌کم حجاب‌های شرک و خودبینی از روی چشم دل او کنار رود و بتواند هادی راهش را بیابد و با رؤیت جمال زیبای آسمانی‌اش، از شک و تردید مبرا گشته و در پرتو عشق به او که نیروی حرکت به سوی کمال است، به حکمت نایل گردد.

۲۹۱. «ذوالقرنین» به معنای صاحب تاج دو شاخ است و این کنایه از کسی می‌باشد که به واسطه سلوک معنوی، یعنی پرهیزکاری و جوانمردی در پیشگاه خضر، به مقام علم و قدرت ظاهری و باطنی رسیده بود.

۲۹۲. جناب ذوالقرنین، از اولیای اهل حکمتی است که جامع دو نیروی «ایمان و اراده موسوی» و «غیرت و شجاعت ابراهیمی» می‌باشد.

۲۹۳. در طول تاریخ، مأموریت پیامبران الهی، دعوت غیر دین‌داران به سوی دین الهی بوده و مأموریت اولیای رحمانی، هدایت دین‌داران به ایمان و معرفت قلبی بوده است.

۲۹۴. در سفر ذوالقرنین، منظور از دو کوه، دو گروه ستمگر و قدرتمندی هستند که با غرور و استکبار خود، در مقابل یکدیگر صف‌آرایی کرده و با هم جنگ نزاع می‌کردند و بدین جهت، در روی زمین، فساد و تباهی به راه انداخته بودند.

۲۹۵. عارفان رحمانی به عنوان «ابرار» و صابران رحیمی به عنوان «مقربان»، همواره به واسطه دو گروه جن و انس مورد تکذیب و آزار قرار گرفته‌اند؛ چراکه وجود این فرشتگان نورانی و ارواح قدسی مانع از جاه‌طلبی آنان برای رسیدن به استکبار بوده است.

۲۹۶. جناب ذوالقرنین به درخواست مؤمنان، سدی از آهن که کنایه از ایمان و استقامت است، بین آنان و یاجوج و ماجوج ایجاد کرد و از مؤمنان خواست که با شعله‌های عشق در



آن سد بدمند تا محکم و استوار گردد.

۲۹۷. مس گذاخته، در داستان ذوالقرنین، «غیرت و شجاعتی» است که به ایمان و استقامت آن قوم مؤمن افزود؛ چراکه فتح قلّه کمال، بدون غیرت و شجاعت در مسیر بندگی خدای رحمان حاصل نمی‌شود.

۲۹۸. با طلوع خورشید آخرالزمان، حضرت امام خمینی(س) بر طبق وعده پروردگار، سدّ ذوالقرنین شکسته شد و ایشان با تقویت نیروی ایمان و اراده پیروان خویش و دمیدن روح غیرت و شجاعت در وجود آنان، سدّ پوشیده حکومت‌های مقتدر را شکسته و متلاشی نمود.

۲۹۹. امام خمینی(س) با ترویج عرفان راستین و افشای اسرار و معارف باطنی در سطح جامعه، زمینه ابتلا و امتحان را در آخرالزمان برای همگان فراهم کرد تا میزان ایمان و اعتقاد و غیرت و شجاعت صابران اهل حق، معلوم گردد.

۳۰۰. مریم(س)، مادر عیسی(ع) بهترین نشانه و الگو برای زنانی است که جویای کمال و جمال و طهارت معنوی‌اند تا فرزندانی نورانی و روحانی به دنیا بیاورند.

۳۰۱. هر کسی توانایی شنیدن ندای غیبی را ندارد و فقط بندگان خاص خدا شایسته چنین فیضی هستند.

۳۰۲. روح قدسی، روح بصیرت و آگاهی است و محدود به زمان و مکان نیست.

۳۰۳. از جمله حقایقی که عیسی مسیح(ع) در گهواره بر آن تأکید می‌ورزد، عبودیت و نبوت و صاحب کتاب بودن خویش است. او وجیه مقرّبی است که تزکیه شده به دنیا آمد و از این رو برای نیل به کتاب و حکمت که همان شریعت و معرفت است نیاز به تزکیه مجدد ندارد.

۳۰۴. حضرت مسیح(ع)، قول حق و کلمه واحد رحمانی است.

۳۰۵. عیسی مسیح(ع) به واسطه بهره‌مندی از روح قدسی، مانند ستاره‌ای تابان در آسمان

چهارم می‌درخشد، یعنی در آسمان عالم انسانی و نه در زمین آن که دوزخ امیال و تعلقات نفسانی است.

۳۰۶. حضرت مسیح(ع) به یمن پاکدامنی مادرش مریم(س) از روح قدسی برخوردار شد، پاکدامنی و طهارتی که تحت کفالت زکریا(ع) و در بهشت توجهات قلبی او برای مریم(س) حاصل شده بود.

۳۰۷. هرچند از طریق سیر و سلوک هم می‌توان به روح قدسی رسید، اما والاترین افرادی که در عالم انسانی به روح قدسی نایل شده‌اند، کسانی هستند که از طریق مادر به چنین فیض عظیمی رسیده‌اند و در واقع آن را به یمن طهارت وجود مادرشان در حریم امن ولی‌ای از اولیای رحمانی به دست آورده‌اند.

۳۰۸. عیسی مسیح(ع) به واسطه فرستاده پروردگار مریم(س) به روح قدسی نایل شد و هنگامی که به مقام رسالت و ولایت رسید، به روح قدسی تأیید گردید.

۳۰۹. انسان از «جسم» و «روح» آفریده شده است؛ برای رشد و سلامت جسم خویش نیازمند غذای ظاهری است که مربوط به شکم می‌باشد و برای رشد و سلامت روح خود محتاج غذای باطنی است که مربوط به دل می‌باشد و پیوسته به او سفارش شده که از طیبات استفاده نماید.

۳۱۰. سر منشأ بیشتر امراض جسمانی یا روحانی بشر، وابسته به نوع غذایی است که تناول می‌کند و چه بسا غذای ظاهری در روح انسان، و غذای باطنی در جسم او تأثیر گذار است.

۳۱۱. آدمی همانطور که به غذای شکم دقت می‌نماید تا پاک و مقوی جسم باشد، باید به طعام دل هم توجه نماید تا از مطهرات و تقویت‌کننده قلب باشد.

۳۱۲. «مَنْ و سلوی»؛ خوراک قوم موسی کلیم‌الله(ع) همان مرغ است؛ یعنی رزقی که مربوط به خشکی است و منظور از خشکی، شریعت می‌باشد.



۳۱۳. «مائده»، خوراک قوم عیسی کلمة الله (ع) همان ماهی است؛ یعنی رزقی که مربوط به دریاست و مراد از دریا معرفت می باشد.

۳۱۴. حقیقت «مَنْ و سلوی» شریعت الهی برای رسیدن به نورانیت است و حقیقت «مائده» معرفت رحمانی برای رسیدن به روحانیت می باشد.

۳۱۵. خوراک شریعت و طعام معرفت از طریق عشق آسمانی در قلب انسان حاصل می گردد، ولی باید آن را به زبان عقل بر مردم عرضه نمود تا برای آنها قابل درک باشد.

۳۱۶. عقل الهی، بیانگر احکام طهارت بخش شریعت است و عقل رحمانی، گویای اسرار هدایت بخش معرفت می باشد.

۳۱۷. شادمانی و عید واقعی، زمانی محقق می شود که آدمی دچار لغزش و خطا نگردد و این تنها به واسطه بهره مندی از معرفت رحمانی امکان پذیر می باشد.

۳۱۸. سرمنشأ شریعت الهی و معرفت رحمانی در آسمان است و توسط عشق و اخلاص در قلب انسان چون آفتاب و مهتاب آشکار می شود.

۳۱۹. رسول اکرم (ص) هم صاحب شریعت (کتاب) و هم صاحب معرفت (حکمت) بود که از مجموع آن دو، به «رزق کریم» تعبیر می شود.

۳۲۰. «رزق کریم» رزقی است که از بین امت رسول اکرم (ص)، تنها به ایمان آورندگان نیکوکار عطا می گردد.

۳۲۱. شریعت و معرفت واقعی، از راه آموزش علمی به دست نمی آید؛ بلکه از طریق عشق و اخلاص در آینه قلب تجلی می کند.

۳۲۲. پیامبران، فیض هدایت را به واسطه پیروان صدیق خود در بین مردم گسترش داده اند

تا پیوسته نور هدایت و دین الهی در بین انسان‌ها در تمامی زمان‌ها باقی بماند.

۳۲۳. امت محمد(ص) باید محکمت و متشابهات را از طریق ۱۲ عترت پاک او دریافت نمایند؛ همچنان که قوم عیسی(ع)، مائده را از ۱۲ حواری او، و قوم موسی(ع)، من و سلوی را از ۱۲ نقیب او دریافت نمودند.

۳۲۴. شکر قوم موسی(ع) در مقابل شریعت الهی، عبارت است از: آگاهی و صبوری و مهربانی آنها که راه رسیدن به حریم ولایت را برایشان هموار می‌کند.

۳۲۵. شکر قوم عیسی(ع) در برابر معرفت رحمانی، دستیابی به شناخت عمیق توحیدی، یعنی خودشناسی و خداشناسی است.

۳۲۶. هر قدر نعمت عظیم‌تر باشد، ناشکری آن، عذاب شدیدتری را به دنبال خواهد داشت.

۳۲۷. شکر امت پیغمبر اکرم(ص) در مقابل محکمت و متشابهات، نیل به رحمانیت و رحیمیت است.

۳۲۸. خدای واحد در عالم کثرت، پیوسته به وسیله مظاهر کاملش، یعنی اولیای رحمانی، رشد و کمال را به بندگان برگزیده‌اش عطا می‌کند.

۳۲۹. به سبب عشق ماندگار زلیخا به ولی‌ای از اولیای زمانش، داستان یوسف(ع) و زلیخا در قرآن به عنوان «احسن القصص» یعنی بهترین قصه‌ها ذکر شده است.

۳۳۰. در داستان ذبح اسماعیل(ع)، سه بار خواب دیدن حضرت ابراهیم(ع) و سه بار رو به رو شدن با شیطان و سنگ انداختن به سوی او، نشانگر تردید او در این امتحان بسیار دشوار الهی است و پاسخ اسماعیل(ع) به پدرش در واقع تلقین صبر و بردباری به او در راستای انجام مأموریت الهی است.

۳۳۱. سرّ وسوسه نشدن اسماعیل(ع) و تسلیم کامل او، این است که وجود او نسبت به

ابراهیم(ع) از خلوص و صفای بیشتری برخوردار بود؛ چراکه اسماعیل(ع) از پدری مؤمن و موحد و مادری عفیف متولد شد، در حالی که ابراهیم(ع) با وجود آنکه نتیجه دم یکی از اولیای ناشناخته زمان و از مادری مؤمن بود متولد شد، اما فرزند پدری همچون آزر بت پرست بود.

۳۳۲. حضرت اسماعیل(ع) در برابر آزمون بسیار دشوار ابراهیم(ع)، خویشتن را از زمره صابران دید و در واقع، با گفتن کلام «مِن الصابِرین»، از ارواح متحد اولیای رحمانی که چشمه‌سار صبرند، مدد گرفت.

۳۳۳. حضرت موسی(ع) در مقابل آزمایش سخت خضر(ع)، با گفتن کلمه «صابراً» تنها خودش را دید و اظهار صبر نمود و در نتیجه، در این آزمون سخت بدون یاور ماند.

۳۳۴. حضرت اسماعیل(ع) از حکمت رحمانی برخوردار بود و در عمل نیز صبر و تسلیم خویش را نشان داد؛ اما موسی(ع) فقط دارای علم کتاب الهی بود و از حکمت بهره‌ای نداشت و به همین سبب نتوانست در برابر حضرت خضر(ع) به شایستگی صابر و تسلیم باشد.

۳۳۵. حضرت ابراهیم(ع) در امتحان طاقت‌فرسای ذبح فرزند، در واقع نفس خویش را قربانی نمود، نه فرزند صالحش را؛ بنابراین، منظور از «ذبح عظیم»، نفس آن حضرت است که فدای اسماعیل(ع) گردید.

۳۳۶. حضرت ابراهیم(ع) همه آزمون‌های دشوار ربوبی را که همان امتحان به کلمات و اذکار رحمانی بود، با موفقیت به اتمام رساند و در نتیجه، به مقام امامت که همان مقام ولایت انسان کامل است، نایل گردید.

۳۳۷. سرمنشأ رشد و کمال و زیبایی همه موجودات جهان، نور واحدیت «الله» می‌باشد که عوالم ظاهر و باطن هستی را فرا گرفته است.

۳۳۸. حقیقت لطیف نور «الله»، معرفت است که از طریق رحمانیت خدا به بنده مؤمنش

می‌رسد و موجب هدایت او به سوی جمال رحیمی می‌گردد.

۳۳۹. نور «الله» یا جلوه ظاهری دارد به عنوان «شریعت الهی» که برای پاک نمودن و مؤدب ساختن آدمی است یا جلوه باطنی دارد به نام «معرفت رحمانی» که برای حرکت به سوی وجه جمیل رحیمی و زیبا شدن ضمیر انسان است.

۳۴۰. «سینه» گسترده و آسمانی مؤمن کامل به منزله چراغدانی است که چراغ تابنده «ایمان» از درون حباب شفاف «قلب» او نورافشانی می‌کند؛ قلب پاک و لطیفی که به واسطه نور ایمان همچون ستاره‌ای تابان در آسمان وجود انسان مؤمن می‌درخشد.

۳۴۱. بی‌شک عشق و دلباختگی به اولیای الهی که به منزله شجره مبارکه هستند، عشق و محبت به خداست و هرچه این عشق شدیدتر باشد، نورانیت ایمان در قلب عاشق بیشتر خواهد بود.

۳۴۲. قلب درخشنده که مانند ستاره پر فروغ است، از عشق به وجود با برکت انسان‌های کامل، منور گردیده که مصداق اکملشان محمد حبیب‌الله (ص) است؛ پیامبری که در شفافیت عشق و نورانیت ایمان، بی‌نهایت می‌باشد.

۳۴۳. به اشاره قرآن خصوصیت پیامبر اکرم (ص) آن است که نه شرقی است و نه غربی؛ یعنی حد وسط بوده و از تفریط سنت موسی (ع) و افراط آیین عیسی (ع) به دور می‌باشد و از آیین حنیف و توحیدی ابراهیم (ع) پیروی می‌کند.

۳۴۴. روغن شجره مبارکه زیتون که جوهره عشق و محبت خالص می‌باشد، از ناحیه رب کریم در چراغ قلب مؤمن مطیع ریخته می‌شود و به واسطه این عشق و محبت، به زودی روشنایی ایمان در قلب مطهرش تجلی می‌کند، بی‌آنکه آتش عقل، آن را لمس کرده باشد.

۳۴۵. نور معرفت و حکمت به عنوان متشابهات در قرآن نهفته است و توسط حضرت علی (ع) و اولیای پس از ایشان آشکار می‌گردد.



۳۴۶. بعد از امام علی(ع) دیگر ائمه اطهار(ع) و سپس، مقرّبان رحیمی، تجلی‌گاه نور شده و همواره سلسله اولیا به وسیله نور ایمان و معرفت در طول زمان، هدایتگر مؤمنان تسلیم شده می‌گردند.

۳۴۷. نور ایمان و معرفتِ انسان کامل به هر کسی بتابد، او را روشن می‌نماید؛ اما تنها مؤمنان مطیع را که در پرتو عشق و محبت قلبی، آیینه دلشان را پاک و شفاف ساخته‌اند، صاحب نور می‌کند.

۳۴۸. به برکت نور «الله» است که رسول اکرم(ص) به حقایق ظاهری و باطنی عالم آگاهی دارد و کتاب آسمانی او، قرآن کریم، گواه روشنی بر این واقعیت است.

۳۴۹. دنیا جایگاه دو گروه «رحمانیان نورانی» و «شیطانیان ظلمانی» است و هر یک به دعوت اولیای خویش، لبیک می‌گویند و با اعمال خود از ایشان پیروی می‌کنند تا زمانی که اجل آنها طبق قضا و قدر الهی فرا رسد و نتیجه اعمالشان را به صورت «مَلک الموت» (فرشته مرگ) نظاره نموده و به سوی پروردگارشان رجعت کنند.

۳۵۰. چنانچه آدمی تسلیم اولیای رحمانی شود و از ایشان اطاعت نماید، به عنوان «اصحاب یمین»، بر طریق هدایت قدم نهاده و به همراه سابقانِ مقرب حرکت می‌کند و در پایان عمر اعمال نیک و زیبایش به شکل فرشته‌ای بسیار نورانی و لطیف جلوه می‌کند، به طوری که آدمی با دیدن آن وجه زیبا، غرق در عشق و لذت شده، طاقت از کف داده و قبض روح می‌شود.

۳۵۱. چنانچه آدمی تسلیم اولیای شیطانی شود و از ایشان پیروی نماید، به عنوان «اصحاب شمال» بر طریق ضلالت حرکت نموده و در پایان عمر، اعمال بد و زشت او به شکل هیولایی زمخت و ظلمانی جلوه می‌کند و از دیدن هیبت آن مَلک عذاب، چنان می‌ترسد که قالب تهی می‌کند.

۳۵۲. منظور از جاودانگی در دوزخ، آن است که وقتی آدمی در اثر اعمال زشت و پلید خود به یکی از صورت‌های پست حیوانی، نباتی یا جمادی درآمد، در طول زندگی خود در هر یک از آن عوالم تا زمان تقدیرش، جاودان در عذاب است تا اینکه دوره زندگی‌اش در آنجا به پایان برسد.

۳۵۳. به موجب رحمت گسترده خدای رحمان، هر موجودی در عالمی که به سر می‌برد، می‌تواند به واسطه تسبیح و اطاعت از پروردگارش، راه صعود به عوالم بالاتر را طی نماید و پس از مرگ، به عالمی برتر نایل گردد.

۳۵۴. منظور از درب‌های دوزخ، برای انسانی که در عالم چهارم به سر می‌برد، سه درب کلی جمادی و نباتی و حیوانی است.

۳۵۵. ظلم‌پیشگان بر خویشان که نسبت به اولیای رحمانی تکبر نشان داده و تکذیبشان نموده و تسلیم اولیای شیطانی شده‌اند، بسته به نوع و مرتبه اعمال شیطانی‌شان، از یکی از درهای جهنم وارد دوزخ می‌شوند و در آن عالم به گروه همسخ خود می‌پیوندند و پیوسته در رنج و عذاب‌اند تا اینکه دوره عذابشان در آنجا سرآید.

۳۵۶. دین اسلام جامع شریعت موسوی و معرفت عیسوی، و حقیقتی کلی و متکامل در بین همه ادیان الهی است.

۳۵۷. اگر کسی واقعاً به دین اسلام مشرف شده باشد و تسلیم اولیای رحمانی شود، باران رحمت و فیوضات آسمانی بر سر او می‌بارد و سرانجام نیک، یعنی آرامش و سلامتی در انتظارش خواهد بود.

۳۵۸. اگر کسی آیین تسلیم به اولیای رحمانی را اختیار نکند و از اولیای شیطانی پیروی نماید، پس از مرگ به صورت موجودی زشت‌رو به سوی اولیای شیطانی در جهنم می‌رود و در سرای آخرت، جزء زیانکاران خواهد بود.



۳۵۹. همه آدمیان در گرو اعمالشان هستند و با هر شمایی که به سبب کردارشان ساخته‌اند، محشور می‌شوند، مگر اصحاب یمین؛ چرا که به واسطه تسلیم به مقربان رحمانی در حریم امن و بهشتی آنان هستند و همواره از ایشان اطاعت می‌کنند.

۳۶۰. نعمت‌های ظاهری و باطنی، همگی امانتی است در دست انسان، تا از آن به درستی استفاده نماید و سپس به صاحب امانت صحیح و سالم برساند تا شکر آن نعمت را به جا آورده باشد.

۳۶۱. در بین امانت‌های گوناگون، امانتی که خدای رحمان بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها یعنی مقربان و ابرار و اولوا الالباب عرضه نمود و آنها از حملش خودداری کردند و از پذیرش آن ترسیدند، «لילה قدر رحیمیت»، یا همان «کوثر» است که تنها به حضرت محمد(ص) عنایت شد.

۳۶۲. رسول اکرم(ص) یگانه انسان کاملی است که بار امانت رحیمی، یعنی کوثر را بر دوش کشید و به شکرانه حمل این امانت عظیم، نماز بندگی را در پیشگاه پروردگارش با جذبه عشق برپا نمود و به واسطه پذیرش این کوثر بهشتی، هم از خویشتن فانی شد و هم گرمای‌ترین عزیزانش و فرزندان معصومش را عاشقانه به قربانگاه شهادت رهسپار نمود.

۳۶۳. دو صفت «ظلوم» و «جهول» در حقیقت، ستایش رسول خدا(ص) است که حامل امانت عظیم رحیمیت گردیده است؛ زیرا با دو قدم ظلم نمودن به نفس خویش و جهل ورزیدن به نصایح پنددهندگان، عاشقانه راه پرپیچ و خم قله معنا و جمال زیننده رحیمیت را طی نمود.

۳۶۴. وجود مطهر فاطمه(س) یگانه امانت عظیم رحیمی است که فقط رسول اکرم(ص) به شایستگی، آن را حمل نمود و در پرتو جاذبه سیمای آسمانی او به معراج حقایق رفت.

۳۶۵. زنان مؤمنه امانت‌هایی هستند که به صورت حوریان بهشتی، پیروان حضرت زهرا(س) می‌باشند و همچون او به برکت وجودشان فرزندانی پاک و معنوی تربیت می‌شود.

۳۶۶. زنان مؤمنه امانات گرانبهائی هستند که برای حفظ طهارت و پاکدامنی شان باید تحت تربیت اولیای رحمانی قرار گیرند.

۳۶۷. وجود زن مؤمنه پاکدامن، همچون کشتزاری حاصلخیز است که اگر به دست توانای باغبان رحمانی، یعنی انسان کامل سپرده شود، آن را در پرتو غیرت و جوانمردی از هر آلودگی محافظت می‌کند و بهشتی باطراوت و سرشار از گل‌های خوشبو از آن پدید می‌آورد.

۳۶۸. اولیای خدا، غیرتمندان و جوانمردانی هستند که اهلیت شناخت و مراقبت شایسته از گوهر وجود زن را دارند و می‌توانند در حریم ولایت خویش، او را در ظلمتکده دنیا از گزند وسوسه‌های شیاطین جن و انس محافظت کنند.

۳۶۹. جوانی و ناآگاهی یونس(ع) باعث گردید که او در مسیر هدایت قومش صبر و استقامت نکند و در نهایت، آنها را ترک گوید و مأموریت الهی خود را ناتمام رها سازد.

۳۷۰. در تأویل داستان یونس(ع) منظور از کشتی پر شده، کشتی رسالت است که در دریای ولایت سیر می‌کند و سرنشینان آن پیامبران الهی‌اند.

۳۷۱. حرکت یونس(ع) به اراده رحمانی از خشکی به سمت دریا، به معنای حرکت او از وادی عقل و بی‌صبری، به سوی جایگاه عشق و بردباری است.

۳۷۲. ماهی در دریا، همان ولی رحیمی در عصر یونس(ع) است که این جوان ناپخته و ناشکیبا را در دل خویش، یعنی در ولایت سازنده خود جای داد تا او را در پرتو عشق از خامی به پختگی برساند و به فنای از نفس و سپس به بقای به حضرت حق نایل گرداند.

۳۷۳. تمامی شرک‌ها نتیجه بی‌قید و بند بودن آدمی و احساس فراخی و آزادی اوست.

۳۷۴. سخت‌ترین ریاضت برای انسان، تسلیم محض بودن در محضر ولی خداست که می‌کوشد با قرار دادن سالک در تنگنای خودسازی و وارستگی از غیر حق، او را چون



خویشتن از شرک‌ها و تعلقات رهایی بخشد.

۳۷۵. اگر حضرت یونس(ع) از تسبیح‌کنندگان نبود، در بطن ماهی؛ یعنی در نزد ولیّ زمانش تا روز قیامت بی‌نام و نشان باقی می‌ماند.

۳۷۶. پس از آنکه حضرت یونس(ع) در حریم رحیمیت پروردگارش، هفت سال سیر و سلوک نمود، با هدف تکمیل مأموریت رحمانی‌اش، دوباره بر خشکی گام نهاد و خداوند بوته کدو را که سنبل صبر و شکیبایی است، برای او رویانید تا در سایه آرام‌بخش آن بیارامد؛ یعنی پیوسته در مسیر هدایت قومش، صبورانه و با آرامش پیش برود.

۳۷۷. حضرت یونس(ع) پس از سیر کمالی به سوی حق، سفر جدیدی را از حق به سوی خلق آغاز نمود و در نتیجه، بزرگان قومش به پیشواز او آمدند و با عزت و احترام، رسول خویش را به سوی شهر برده و مطیع اوامر حیات‌بخش او شدند.

۳۷۸. کره زمین در دو روز، یعنی در دو زمان مختلف آفریده شده، که عبارت از شب و روز است؛ روزی که بر خوردار از فروغ خورشید و شبی که بهره‌مند از نور ماه می‌باشد.

۳۷۹. شرک باعث شک می‌شود و شک منجر به کفر می‌گردد و در اثر کفر است که در طول تاریخ، دست کفرپیشگان به خون اهل توحید و عرفان آغشته شده است.

۳۸۰. وجود اولیای الهی همچون کوه‌های محکمی است که باعث استواری و مایه برکت زمین می‌باشد و به یمن وجود ایشان است که تمامی موجودات از رزق و روزی و انواع خوردنی‌ها بهره‌مند هستند.

۳۸۱. خداوند رحمان که آسمان‌های هفت‌گانه سلوک را برای سیر صعودی انسان مقدّر ساخت، کار و خاصیت هر طبقه آسمان را در دو روز، یعنی در پرتو دو نور مقدس رسالت الهی و ولایت رحمانی تعیین نمود.

۳۸۲. طبقات آسمانی در وجود انسان رهرو کمال به ترتیب عبارت‌اند از: آسمان اوّل: عالم

جمادات، جایگاه کبر و ثروت؛ آسمان دوم: عالم نباتات، جایگاه لذت و غفلت؛ آسمان سوم: عالم حیوانات، جایگاه خشم و شهوت؛ آسمان چهارم: عالم ناسوتیان، جایگاه جن و انس؛ آسمان پنجم: عالم ملکوتیان، جایگاه ملائکه و روح؛ آسمان ششم: عالم جبروتیان، جایگاه اراده و قدرت؛ آسمان هفتم: عالم لاهوتیان، جایگاه رأفت و رحمت.

۳۸۳. تعبیر عوالم هفت گانه به «آسمان» در قرآن، اشاره لطیفی به این نکته است که سیر سالک باید به صورت صعودی و آسمانی باشد نه به صورت نزولی و زمینی.

۳۸۴. رهرو طریق کمال و جمال، باید در پرتو راهنمایی‌های خضر راهش و به موجب طهارت درون، خود را شایسته ورود به محفل انس مه‌رویان مقرب نموده و از مراتب زشت و ظلمانی عوالم اسفل، به سوی مراتب زیبا و نورانی عوالم اعلا سیر نماید.

۳۸۵. چراغ‌ها و ستارگان آسمانی که باعث زینت عالم ملک و هدایت ناسوتیان به سوی مراتب بالاتر هستند، ابرار نورانی و مقربان روحانی می‌باشند که به عنوان ملائکه و روح در آسمان پنجم به سر می‌برند.

۳۸۶. نورانیان و روحانیان می‌توانند بر اثر بندگی حق و خدمتگزاری به بندگان خدا، به درجات اعلا، یعنی به مقام جبروتیان و لاهوتیان نایل گردند.

۳۸۷. فرشتگان نورانی و روحانیان قدسی، یعنی ابرار رحمانی و مقربان رحیمی که در حریم امن آسمانی هستند، از گزند شیاطین سرکش محفوظ می‌باشند.

۳۸۸. شیاطینی که در زمره جن و انس هستند و از آمدن به جایگاه نور و روح منع می‌شوند، در مرتبه آتش و خاک‌اند و نسبت به محفل درخشنده مقربان، نامحرم می‌باشند و توانایی شنیدن و درک اسرار و حقایق آنان را ندارند.

۳۸۹. چنانچه شیاطین جن و انس بخواهند مخفیانه از اسرار و حقایق ابرار و مقربین آگاه شوند، کلمات نورانی و روحانی اولیای رحمانی و رحیمی که از اراده پروردگارشان برخاسته،



مانند تیری منور و شکافنده (شهاب ثاقب) آنان را از حریم ولایت بیرون می‌راند.

۳۹۰. در باطن هر انسان، سه نیروی فرمان‌دهنده وجود دارد: نفس اماره، نفس لوّامه و نفس مطمئنّه؛ به تعبیر دیگر این سه نیرو عبارت است از سه بُعد: نفس و عقل و روح.

۳۹۱. نفس اماره، همان شیطان درون آدمی است که پیوسته او را به لذایذ دنیوی و تعلقات مُلکی امر می‌کند؛ مگر اینکه انسان در پرتو رحمت پروردگارش از شرّ چنین نفسی در امان بماند.

۳۹۲. نفس لوّامه یا عقل، نیرویی الهی است که انسان همواره توسط این نیروی ملامتگر، از بدی بر حذر داشته می‌شود و در هنگام غفلت و خطا، سرزنش می‌گردد.

۳۹۳. نفس مطمئنّه یا روح، بُعد رحمانی وجود آدمی است که از هرگونه عیب و نقصی پاک و مبرا می‌باشد و پیوسته او را به سوی خواسته‌های ملکوتی و لذت‌ها و زیبایی‌های بهشتی دعوت می‌کند.

۳۹۴. عقل الهی یا نفس لوّامه اگر مغلوب نفس اماره شود و از او پیروی کند، موجب سقوط آدمی به سوی «اسفل سافلین» می‌شود.

۳۹۵. چنانچه نفس لوّامه یا عقل الهی تحت امر نفس مطمئنّه قرار بگیرد و از او اطاعت کند، باعث صعود انسان به سمت «اعلیٰ علیین» می‌گردد.

۳۹۶. پیروی از نفس مطمئنّه، انسان را به صورت «عبادی» یعنی پاک و مطهر از هرگونه آلودگی در می‌آورد و نگاه او را به صورت «جنتی» یعنی بهشت زیبایی می‌سازد.

۳۹۷. معمولاً رهایی از وسوسه‌های نفس اماره و پیروی کامل از اوامر نفس مطمئنّه بسیار سخت و دشوار است و نیل به چنین منزلتی تنها نصیب سالکی می‌گردد که در پرتو عشق قلبی به وجود آسمانی ولی‌ای از اولیای رحمانی به مقام مقربین بار یافته باشد.



۳۹۸. دو ملاقات کننده‌ای که در سمت چپ و راست آدمی نشسته‌اند، در حقیقت همان نفس و عقل و به تعبیر دیگر، نفس اماره و نفس لّوامه می‌باشد.

۳۹۹. روح یا نفس مطمئنّه، به عنوان دیده‌بان الهی و نگهبان آماده، میان نفس و عقلی که در پیشگاه او نشسته‌اند، قضاوت می‌کند.

۴۰۰. روح، همان حقیقت خدایی است که از رگ گردن به انسان نزدیک‌تر است و پیوسته همراه او می‌باشد.

۴۰۱. نفس، همچون اصحاب شمال، اهل سمت چپ است و همواره آدمی را به امور ناپایدار مُلکی و سوسه می‌کند.

۴۰۲. عقل، همانند اصحاب یمین، اهل سمت راست است و به سوی روح متمایل می‌باشد و پیوسته آدمی را به امور ماندگار ملکوتی فرا می‌خواند.

۴۰۳. انسان با روح خویش در دنیا در کشاکش دو نیروی فراگیرنده مُلکی و ملکوتی قرار دارد. چنانچه نفس بر عقل غلبه کند، آدمی را به شقاوت در دنیا و آخرت می‌رساند و اگر عقل بر نفس غلبه کند، او را به سعادت در دو سرا نایل می‌کند.

۴۰۴. صورت حقیقی انسان، با عملکرد زشت مُلکی یا زیبای ملکوتی شکل می‌گیرد.

۴۰۵. هنگامی که بی‌هوشی مرگ بیاید، نفس آدمی با یک سوق‌دهنده (عقل) و یک شاهد، (روح) حاضر می‌گردد و پس از آنکه پرده غفلت از او برداشته شد، نتیجه اعمال و کردار خویش را می‌بیند.

۴۰۶. «عقل» و «روح» و «نفس»، سه حقیقت تشکیل‌دهنده وجود انسان‌اند که با هم حرکت می‌کنند تا به جایگاه واقعی خود نایل شوند.

۴۰۷. هنگام بی‌هوشی مرگ انسان، در «صور» دمیده می‌شود و روز جزا برای شخص فرا



مجموعه عبارات نغز عرفانی از کتاب «لطایف قرآنی» اشارات

می‌رسد و به واسطه اعمال گوناگون، صورت باطنی آدمی پدیدار می‌گردد.

۴۰۸. وجود معنوی و آسمانی رسول اکرم(ص) در عصر ظلمت و غفلت، از جایگاه نورانی خود در آسمان ملکوت، طلوع کرد و انوار خویش را بر وجود امتش تاباند تا آنها را از دوزخ ظلمانی به بهشت نورانی هدایت نماید.

۴۰۹. معراج نورانی و روحانی حضرت محمد(ص) به آسمان‌های معنا، به منظور رؤیت وجه خدای رحمان و آیات او صورت گرفت.

۴۱۰. در حقیقت، معراج رسول اکرم(ص)، جلوه‌ای از بیست و سه سال عروج تدریجی و سلوک معنوی او است که پیوسته در حال عبادت خالصانه حق و خدمتگزاری صادقانه به خلق بوده.

۴۱۱. محمد مصطفی(ص) در سفر معراج، ابتدا در مقام «قاب قوسین» به رؤیت وجه رحمانی نایل گردید و سپس، در جایگاه «سدره‌المنتهی» آیات رحیمی پروردگارش را مشاهده کرد.

۴۱۲. حضرت محمد(ص) در سفر معراج به جایگاه «سدره‌المنتهی» که بهشت مأواست، رسید و صاحب پوشش باطنی معرفت شد و با دیده دلش به رؤیت آیات رحمانی، یعنی وجوه زیبای فرشتگان پرداخت.

۴۱۳. رهروان طریق کمال ابتدا از شرک، و سپس، از شک پرهیز داده می‌شوند تا از جلال رحمانی و جمال رحیمی، هر دو بهره‌مند گردند.

۴۱۴. در مقام «قاب قوسین» که محل جمع دو قوس رسالت ظاهر و ولایت باطن است، حقایق اسمای الهی که همان اذکار رحمانی است، به صورت وحی بر قلب مطهر رسول خدا(ص) تجلی نمود.

۴۱۵. در عالم ظاهر، چون حضرت محمد(ص) در مقام رسالت و مأمور به تبیین شریعت

الهی است، باید معارف ولایی را کتمان نماید و اسرار آنها را در حجاب آیات متشابه بپوشاند.

۴۱۶. مهم‌ترین ارمان معراج محمد رسول‌الله(ص) درک مقام ولایت و رؤیت آیات رحیمی آن بود؛ از این رو، کتاب آسمانی او، قرآن، شامل محکمت الهی و متشابهات رحمانی می‌باشد.

۴۱۷. جبرائیل(ع) همان‌طور که با جلوه «روح‌الامین»، محکمت قرآن را بر قلب پیامبر(ص) نازل نمود تا موجب بیم و انذار برای مسلمانان باشد، با جلوه «روح‌القدس» نیز متشابهات را بر قلب آن حضرت نازل کرد تا بشارت برای مؤمنان و مایه استواری ایمان آنان باشد؛ به همین جهت رسول خدا(ص) به عنوان «بشیر» و «نذیر» ستایش شده است.

۴۱۸. مسجدالحرام، جایگاه رسالت است و مسجدالاقصی، همان «قاب‌قوسین»، یعنی محل دیدن وجه رحمانی می‌باشد که اطراف برکت یافته‌اش به عنوان «صدرالمنتهی» جایگاه رؤیت آیات و وجوه زیبای رحیمی است.

۴۱۹. رسول اکرم(ص) خورشید تابناک رسالت است و برای درک و رؤیت مهتاب ولایت و شایستگی رؤیت جلوه‌های زیباروی رحیمی در آسمان هفتم، باید به سیر و عروج شبانه و باطنی پردازد.

۴۲۰. معراج حضرت موسی(ع) به هنگام روز در «مجمع‌البحرین» رخ داد که محل جمع دو دریای رسالت موسی(ع) و ولایت خضر(ع) بود و معراج حضرت محمد(ص) به هنگام شب در «قاب‌قوسین» واقع گردید که محل جمع دو قوس رسالت محمد مصطفی(ص) و ولایت علی مرتضی(ع) بود.

۴۲۱. موسی کلیم‌الله(ع)، به جهت بی‌صبری در پیشگاه خضر ولی‌الله(ع) به درد فراق مبتلا شد و از معرفت رحمانی، یعنی حکمت محروم گردید و در نتیجه، تورات او تنها به عنوان «کتاب نور» در بردارنده شریعت الهی گشت.



۴۲۲. محمد حبیب الله (ص) به واسطه بردباری و عدم تکذیب قلبی در پیشگاه علی ولی الله (ع)، شایسته وصال و دریافت معرفت شد و قرآنش جامع «کتاب و حکمت» یعنی شریعت ناب الهی و معرفت زلال رحمانی گردید.

۴۲۳. «علمای الهی» که علمشان را از طریق عقل و به واسطه آموزش و تفکر به دست می آورند، پیوسته از «الله تعالی» خوفناک اند که مبدا دچار گناه شوند و در اثر آن، به مصیبت دنیایی و عذاب اخروی گرفتار آیند.

۴۲۴. «ابرار رحمانی» که معارفشان را از طریق قلب و به واسطه طهارت و عشق به دست می آورند، همواره از «مقام رب» بیمناک اند، که مبدا نسبت به منزلت پروردگارشان دچار غفلت شده و در اثر آن، از توجه و عنایت ربّشان محروم شده و از خوان نعمت و لذت قرب او در دنیا و آخرت دور گردند.

۴۲۵. ابرار رحمانی در ظاهر و باطن، پیوسته در حریم بهشتی مقرّبین به سر می برند و از انواع نعمت های ربوبی برخوردار می باشند.

۴۲۶. وجود مقرّبین رحیمی در ظاهر و باطن، جنت نعیم و نیز رَوْح و ریحان، یعنی نسیم شادمانی و بوی خوش بهشتی است.

۴۲۷. دو بهشت ابرار در حقیقت حریم جلال رحمانیت مقرّبان در ظاهر و حریم جمال رحیمیت آنان در باطن می باشد.

۴۲۸. دو بهشت مقرّبان در واقع بهشت جلال رحمانیت است در باطن خودشان و دیگری بهشت جمال رحیمیت است در قلبشان.

۴۲۹. دو چشمه ای که برای ابرار جاری می گردد، از دو چشمه جوشنده مقرّبین نشئت می گیرد؛ چرا که به موجب ارادت صادقانه و بندگی خالصانه ابرار در حریم بهشتی پروردگارشان، دو چشمه جوشان «عشق و معرفت» و «شادمانی و لذت» از وجود روحانی مقرّبان، در وجود

منور ابرار، جریان می‌یابد.

۴۳۰. وجود مطهر و مبارک مقربان رحیمی، سرچشمه تمام نهرهای بهشتی است که سلامتی و آرامش معنوی را برای خود و ابرار به ارمغان می‌آورند.

۴۳۱. سلامتی، از چشمه‌سار رحیمی انسان مقرب عیسی روح‌الله (ع) در وجود مطهر یحیی نبی‌الله (ع) جاری می‌گردد.

۴۳۲. ارزشمندترین و والاترین نعمتی که در دنیا از سوی حق به ابرار رحمانی و مقربان رحیمی عنایت می‌گردد، وجود زنان پاکدامنی است که در این عالم به موجب محافظت در قلعه امن ولایت، دست هیچ جن و انسی به آنها نرسیده و در سرای دنیا، چشم از نامحرمان ظاهری و باطنی فرو بسته‌اند.

۴۳۳. ویژگی تمام زنان بهشتی، محفوظ ماندن آنان از گزند خشم و شهوت جن و انس در حریم ولایی مقربان است.

۴۳۴. مقام مقربین رحیمی که خود، روح و ریحان و بهشت نعیم‌اند، از متقین که همان ابرار می‌باشند، برتر است؛ زیرا آنها به مقام فنا و بقای ربوبی رسیده‌اند و هیچ‌گونه تیرگی در ایشان راه ندارد که بخواهند نسبت به آن پرهیزکار باشند.

۴۳۵. زنان، به موجب بهره‌مندی از محبت قلبی و جذبات روحانی در حریم ولایی مقربین، به مقام حورالعین نایل می‌آیند و آنگاه به سبب ازدواج با ابرار اهل تقوا، ثمراتی مطهر و منور به بار می‌آورند.

۴۳۶. برگزیدگان خداوند که میراث‌داران کتاب الهی‌اند، به سه گروه تقسیم شده‌اند: «ظلم‌کنندگان به نفس» که همان اصحاب شمال یا فجّارند، «میان‌روندگان» که اصحاب یمین یا ابرارند و «سبقت‌گیرندگان به خوبی‌ها» که همان سابقان یا مقربین‌اند.

۴۳۷. اصحاب شمال، اهل آتش‌اند، اصحاب یمین، اهل نورند و مقربین، اهل وجه می‌باشند.



۴۳۸. سیر صعودی اهل آتش، به سوی اصحاب نور و سیر کمالی اهل نور به سمت وجه زیبای سابقان مقرب می‌باشد.

۴۳۹. جایگاه فجّار در شعله آتش و جایگاه ابرار در بهشت نور است و سبقت‌گیرندگان مقرب، خودشان بهشت وجه می‌باشند.

۴۴۰. ابرار در حریم مقرّبین و بهشت آنان به سر می‌برند. مقرّبان نه تنها اهل بهشت‌اند، بلکه خود، بهشت پر نعمت، و روح، یعنی نسیم شادمانی، و ریحان، یعنی بوی خوش می‌باشند.

۴۴۱. «روح»، حقیقت عشق، و «ریحان»، حقیقت معرفت، و «جنت نعیم»، حقیقت زیبایی است که همگی تنها در وجود انسان کامل مقرب قرار دارد.

۴۴۲. انسان کامل به عنوان خضر طریق و حجت خدا بر روی زمین در هر عصر و زمان، نجات‌بخش ابرار دلباخته خود است.

۴۴۳. ابرار در بهشت نعیم مقرّبین از امنیت و آرامش و سلامت جاودانه برخوردار می‌شوند و به خشنودی و شادمانی دائمی می‌رسند.

۴۴۴. اصحاب یمین به منزله «شجره طیّبه» اند که در زیر شجره مبارک که سدر بی‌خار، یعنی تحت پوشش صاحب ولایت رحمانی قرار دارند.

۴۴۵. اصحاب شمال، به منزله «شجره خبیثه» اند که در زیر پوشش شجره زقوم، یعنی صاحب ولایت شیطانی قرار دارند.

۴۴۶. اصحاب یمین، در سایه آرام‌بخش صاحب ولایت رحمانی و تحت تربیت بهشتی‌اش، از چشمه‌سار حیات‌بخش عشق او بهره می‌برند و رشد می‌یابند.

۴۴۷. اصحاب شمال، در سایه دودآلود اولیای شیطانی، هردم بر آتش شهوتِ نفس که

کُشنده ارواح آنان است، می‌افزایند و از آب جوشان خشم و تنفر به صاحب ولایت رحمانی می‌نوشند.

۴۴۸. نشانه اصحاب یمین، وحدت و محبت آنها نسبت به یکدیگر و تصدیق کلمات رحمانی و رحیمی است و علامت اصحاب شمال، وجود تفرقه در میان خودشان و نیز تنفر آنان نسبت به مقربان و ابرار و تکذیب کلمات نورانی و روحانی ایشان می‌باشد.

۴۴۹. اصحاب یمین در دنیا، در بهشت مقربین از نعمت رحیمی «سلام» آنان بهره‌مند بوده و در امنیت و آرامش کامل هستند؛ از این رو، در آخرت نیز در گرو اعمالشان نیستند و بدون هیچ‌گونه حساب و کتابی همچنان در جایگاه بهشتی خود، یعنی در حریم مقربین به سر می‌برند و از انواع مواهب الهی و رحمانی برخوردار می‌باشند.

۴۵۰. ویژگی بارز اصحاب یمین در زندگانی دنیا، ایمان و اعتقاد راسخ در حریم اولیای خدا، همدلی و مهربانی، و توصیه یکدیگر به صبر و استقامت می‌باشد.

۴۵۱. جام‌هایی که اصحاب یمین از آنها برخوردارند، وجود انسان‌های کاملی است که سخنان آنان همچون آب حیات‌بخش یا شراب مست‌کننده می‌باشد که از دهان مبارکشان برای پیروانشان جاری می‌شود.

۴۵۲. انسان کامل، جام سربه‌مهری است که مهر خوشبویی بر دهان او قرار گرفته تا مبادا نامحرمان، کلمات عاشقانه و اسرار عارفانه او را بشنوند و تنها برای رغبت‌کنندگان که محرم حریم مقربان‌اند، این مهر برداشته می‌شود تا بهره‌مند از جذبه عشق و شادمانی گردند.

۴۵۳. ابرار در ابتدای سلوک خویش، نخست با سرکشیدن جام «تسلیم» نسبت به مربی الهی خود، با ذکر «هو الله» شرک‌ها و وابستگی‌ها را از دل خویش می‌زدایند، سپس در ادامه راه کمالی خویش با نوشیدن پیمانه «ایمان» از آب گوارای «سلسبیل»، که از وجود بهشتی مربی رحمانی‌شان می‌جوشد، با نغمه ذکر «هو الرحمن» شک‌ها را از قلب خود دور می‌سازند و آنگاه با آشامیدن شراب طهور «فنا» از دست مربی رحیمی‌شان، با ترنم ذکر «هو الرحیم»



محرم درگاه زیبارویان عالم وحدت می گردند.

۴۵۴. شراب طهور از چشمه «تسنیم»، یعنی از وجود متعالی مقربان جاری است که ابرار با نوشیدن آن، از جهان کثرت، فانی گشته، به عالم وحدت و محرمسرای وجیهان آسمانی وارد می شوند و با بهره‌مندی از آرامش و رأفت و مهربانی، به وجه رحیمی آنان بقا می‌یابند.

۴۵۵. سالک الی‌الله برای رسیدن به بهشت و جاهت، به نور الهی اسلام، و نور رحمانی ایمان نیازمند است.

۴۵۶. سیر رهرو کمال و جمال، ابتدا در «صراط مستقیم» است و سپس، در «صراط حمید» ادامه می‌یابد و آنگاه به بهشت نعیم مقربین ختم می‌شود.

۴۵۷. سالک پیوسته از زشتی و زمختی به سوی لطافت و زیبایی در حرکت است و چنین حرکتی هیچ‌گاه میسر نمی‌شود، مگر با بهره‌مندی از دو نور اسلام و ایمان.

۴۵۸. ابرار با نور تسلیم که پیش روی آنهاست و نور ایمان به اولیای خدا که سمت راست آنها قرار دارد، بشارت ورود به بهشت را دریافت می‌کنند.

۴۵۹. ابرار در سرای آخرت، به روح و ریاحین و جنت نعیم مقربان وارد می‌شوند و به کامیابی عظیم می‌رسند.

۴۶۰. «خلود» (جاودانگی) در بهشت به معنای ماندن تا ابد در یک جایگاه نیست؛ چراکه سیر انسان به سوی کمال و جمال مطلق هیچ‌گاه به اتمام نمی‌رسد و سلوک او منزل به منزل به سمت بی‌نهایت می‌باشد.

۴۶۱. «خلود» یا جاودانگی به این معناست که آدمی در هر منزل از منازل بهشتی کمال، جاودان و برقرار بوده و از نعمت و زیبایی‌هایش لذت می‌برد تا زمانی که به جایگاهی بالاتر نایل گردد.

۴۶۲. مقرّبین، همچون ستارگان دنباله‌داری هستند که از آسمان دنیا در حال گذرند و به هیچ چیز و هیچ جایگاهی وابستگی ندارند و تنها مردان و زنان ابرارند که همانند برخی از سنگ‌ها و اجرام آسمانی با آنها همراه می‌گردند.

۴۶۳. ابرار به واسطه همراهی عاشقانه با مقرّبین بدون هیچ حساب و کتابی به بهشت‌های رحیمیت وارد می‌شوند.

۴۶۴. نهرهای روان در بهشت‌ها در واقع، وجود پاک و مطهر خود مؤمن است که در جنت پروردگار خویش، هر چه جلوتر می‌رود، کمال و جمال بیشتری برای او جلوه می‌کند.

۴۶۵. چهار نهر بهشتی: آب، شیر، شراب و عسل به ترتیب عبارت‌اند از: حیات و شادمانی، معرفت و توانایی، عشق و سرمستی، و سلامتی و زیبایی.

۴۶۶. منافقان کسانی هستند که در ظاهر، خودشان را دین‌دار نشان می‌دهند و با مؤمنان راستین همراهی می‌کنند، اما در باطن، از اعتقاد و ایمان تهی هستند و اهل نیرنگ و خدعه می‌باشند.

۴۶۷. مردان و زنان منافق، در سرای دنیا همواره در ظلمت شرک و نفاق گرفتارند و اگرچه فطرت تیره و تار آنها نیازمند نور مؤمنان است، اما مؤمنان ابرار اجازه ندارند که از نورشان به آنها ببخشند؛ چراکه منافقان نسبت به پروردگار، شناخت و ارادت قلبی ندارند و اهل کفر و عناد هستند.

۴۶۸. حجاب جدایی که پس از مرگ بین مؤمنان زیارو و منافقان زشت‌رو زده می‌شود، ظاهرش برای منافقان عذاب است؛ اما باطنش رحمت می‌باشد؛ چراکه می‌توانند در پرتو رحمت الهی به واسطه شریعت متناسب با مرتبه‌ای که در آن قرار دارند، از حال ظلمانی خارج و به مرتبه انسانی که جایگاه آزمایش است، صعود کرده و در نهایت به نور نایل گردند.

۴۶۹. مؤمنان ابرار، جوانمردانی هستند که با اتمام و کامل شدن نور تسلیم و ایمانشان هرگز



خوار و ذلیل نمی‌شوند و به مقام بهشتی مقربین که نهایت جمال و زیبایی است، راه می‌یابند.

۴۷۰. حضرت محمد(ص) از عقل و نفسی که در پرتو مربی معنوی‌اش حضرت ابوطالب(ع) تطهیر و پرورش یافته بود، در جهت تقویت روح الهی و رحمانی خود کمک گرفت تا به عنوان رسول از سوی پروردگارش انتخاب شد.

۴۷۱. «کتاب»، شریعت متکامل الهی، و «حکمت»، معرفت متعالی رحمانی است.

۴۷۲. حقیقت میزان، همان حکمت و آگاهی است.

۴۷۳. تنها با وجود معرفت و حکمت است که می‌توان بین حق و باطل، بهشت و دوزخ، و خیر و شر فرق گذاشت و شکر بهره‌مندی از این نعمت، رعایت عدالت و قضاوت به حق بر اساس آن است.

۴۷۴. همان‌طور که اصل قرآن، محکmat می‌باشد، اساس دین، «کتاب»، یعنی شریعت الهی است.

۴۷۵. همان‌طور که نتیجه محکmat قرآن متشابهات است، هدف و نتیجه شریعت، «حکمت»، یعنی معرفت رحمانی است.

۴۷۶. «کتاب» یعنی شریعت به واسطه استقرار «الله» در قلب، به ظهور می‌رسد و «حکمت» یعنی معرفت به موجب حضور «رحمان و رحیم» در قلب، تجلی می‌کند.

۴۷۷. حکمت مربوط به صفت رحمانیت و رحیمیت قلبی است که نشانه آن در ظاهر، آراستگی انسان به زیور بخشاینده و مهربانی نسبت به دیگران است و نشانه آن در باطن، بهره‌مندی او از روحانیت و وجاهت می‌باشد.

۴۷۸. حقیقت حکمت، «کوثر» رحیمی است که در حریم پرورش‌دهنده رحمانی می‌باشد و در قرآن از آن، به عنوان «خیر کثیر» یا «فضل عظیم» یاد شده است و ربّ کریم، آن را به

هر کس که بخواهد، عطا می‌کند و او را از همه چیز بی‌نیاز می‌گرداند.

۴۷۹. مهم‌ترین سپاس و شکر برای انسان بهره‌مند از حکمت که باعث افزوده شدن نعمتش می‌گردد، اول، بندگی پروردگار و دوم خدمتگزاری به بندگان خدا، یعنی تزکیه و تطهیر آنان از شرک در پرتو عشق به پروردگار می‌باشد تا ایشان از ظلمت به سوی نور رهنمون گردند.

۴۸۰. قرآن، جلوه کامل کتاب و حکمت است؛ زیرا نور الهی توسط روح الامین به عنوان کتاب، و نور رحمانی توسط روح القدس به عنوان حکمت در آن تابیده است.

۴۸۱. کتاب و حکمت به منزله چراغ راه‌اند؛ کتاب، چراغ روشنی‌بخش عالم ملک است برای رسیدن به کمال در «صراط مستقیم» و حکمت، چراغ روشنی‌بخش عالم ملکوت است برای رسیدن به جمال در «صراط حمید».

۴۸۲. رهرو طریق کمال و جمال، برای گذر از سرای ملک و ورود به عالم ملکوت، به ناچار باید چراغ راهش را عوض کند و چراغ حکمت را به دست بگیرد.

۴۸۳. علم «کتاب»، شناکردن در دریای رسالت است برای رسیدن به گوهر شریعت و علم «حکمت» پرواز نمودن در آسمان ولایت می‌باشد برای نیل به ستارگان معرفت.

۴۸۴. آنان که توانایی پرواز در آسمان دین و دستیابی به حقایق باطنی را ندارند، نسبت به حکمت رحمانی و حتی خود حضرت رحمان تنفر پیدا کرده و ایشان را تکذیب و تکفیر می‌کنند.

۴۸۵. قلب انسان، جام جهان‌نمایی است که قابلیت دریافت و انعکاس تمام حقایق هستی را دارد؛ به شرط آنکه در محضر مقربان رحیمی از آلودگی‌های نفسانی و تعلقات مملکی پاک شده باشد.

۴۸۶. تنها راه رسیدن به علم کتاب و حکمت، همانا تزکیه و طهارت مرآت قلب می‌باشد.



۴۸۷. اگر آدمی بخواهد در کشتزار قلبش، محصول کتاب و حکمت را به دست آورد، باید توسط آتش عشق قلبی به انسان کامل، تمام خار و خاشاک و آفات دل، یعنی شرک و شک را بسوزاند و سرزمین دل را پاک و مطهر ساخته، مہیای دریافت بذر حیات بخش کتاب و حکمت نماید.

۴۸۸. فراگیری کتاب و حکمت، به داشتن سواد و علم رسمی وابسته نیست و دسترسی به حقیقت قرآن کریم، تنها طهارت و پاکی دل می طلبد.

۴۸۹. بسیاری از پیامبران الهی از آدم تا خاتم، امی و درس ناخوانده بوده و فقط به دنبال تطهیر آئینه دل از طریق عشق به پروردگارشان بوده اند تا به حقیقت کتاب یا حکمت برسند.

۴۹۰. همان طور که حکمت به واسطه عشق رحمانی در قلب عارف واقعی تجلی می یابد، شریعت نیز توسط عشق الهی در قلب عالم واقعی آشکار می شود.

۴۹۱. تا زمانی که آیات الهی از طریق مربی رحمانی، آدمی را به عشق و ارادت نرساند، نمی تواند مرآت قلب او را تزکیه نماید و در نتیجه، از موهبت تعلیم کتاب و حکمت بی بهره می ماند؛ هر چند از طریق عقل، معلوماتی را در این زمینه کسب کرده باشد.

۴۹۲. دلیل اینکه بنی اسرائیل در طول تاریخ، دستشان به خون بسیاری از انبیا و اولیای الهی آغشته شده، این بوده که علم کتاب را از طریق عقل، بدون تزکیه و طهارت قلبی فرا گرفته و در نتیجه به حکمت رحمانی نرسیده بودند.

۴۹۳. عامل اختلاف و تفرقه در میان امت های پیامبران، رسیدن به علم همراه با انحراف از حق بوده و آن، به جهت نداشتن تزکیه است.

۴۹۴. اگر در میان مسلمانان اختلاف وجود دارد، به این دلیل است که به حکمت یا معارف قرآن دست نیافته اند و در این میان نجات یافتگان، کسانی هستند که به وسیله تزکیه دل در پرتو عشق رحیمی تحت نظر مربیان رحمانی، از حکمت قلبی بهره مند گردیده اند.

۴۹۵. حاملان علم کتاب که آن را از طریق تعلیم عقلی و نه طهارت قلب کسب کرده و از حکمت آن بی بهره مانده‌اند، مانند حیوان چارپایی هستند که تنها بهره آنان حمّالی کتاب خواهد بود.

۴۹۶. حکمت، برطرف کننده اختلاف در بین مردم می‌باشد.

۴۹۷. آسمان‌ها و زمین‌های هفت‌گانه که در قرآن اشاره شده، جهان ظاهر نیست، بلکه هفت وادی سلوک باطنی برای سالک راه کمال و جمال است که با دو بال تسلیم به خورشید رسالت و ایمان به ماه ولایت می‌تواند آنها را ببیماید و در پرتو عشق، با تطهیر در هر وادی، به وادی برتر و بالاتر وارد شود.

۴۹۸. اولین مرحله سلوک، نجات از عالم اسفل مُلک، یعنی سرای آتش کفر و ورود به عالم جمادی است.

۴۹۹. مرحله دوم سلوک، گذر از عالم جمادی، یعنی عالم قدرت‌جویی و ثروت‌طلبی و ورود به عالم نباتی است.

۵۰۰. سومین مرحله سلوک، عبور از عالم نباتی که جلوه‌گاه زینت‌های رنگارنگ دلفریب و خوراکی‌ها و تعلقات لذت بخش گوناگون است و ورود به عالم حیوانی می‌باشد.

۵۰۱. در سیر و سلوک عالم حیوانی، متعلق به نفس اماره یعنی دو قوه خشم و شهوت است.

۵۰۲. عالم انسانی، برزخ میان مراحل سه‌گانه اسفل و مراتب سه‌گانه اعلای سلوک است.

۵۰۳. سالک در عالم انسانی به کمک نور عقل ملکوتی بر ظلمات نفس مُلکی غلبه می‌نماید.

۵۰۴. عالم ملکوت برای سالک، سرای عشق و فنا در محضر انسان کامل است.

۵۰۵. سالک در عالم ملکوت عاشقانه بندگی نموده، با فنای از خویشتن به نور قدسی نایل



می شود.

۵۰۶. پویندگان صراط کمال و جمال در عالم جبروت، به سبب محرمیت، سیمای دلربای رحیمیت را شهود می کنند و روح قدسی در ایشان دمیده شده و به زیور علم و بقا آراسته می گردند.

۵۰۷. هفت آسمان و زمین همان هفت مرحله سلوک است، یعنی: سیر از زمین آتشی به آسمان جمادی؛ از زمین جمادی به آسمان نباتی؛ از زمین نباتی به آسمان حیوانی؛ از زمین حیوانی به آسمان انسانی؛ از زمین انسانی به آسمان ملکوتی؛ از زمین ملکوتی به آسمان جبروتی؛ از زمین جبروتی به آسمان لاهوتی که عالم فیوضات رحمانی می باشد.

۵۰۸. وجود نورانی و روحانی بنده مؤمن در عالم لاهوت، تجلی گاه خدای رحمان گردیده، به گنجینه فیوضات رحیمی دست می یابد و مظهر کامل جلال رحمانیت و جمال رحیمیت شده، به مقام والای «خلیفه الهی» یعنی مقام انسان کامل نایل می شود.

۵۰۹. نزول پی در پی «امر» میان مراتب هفت گانه سلوک، به معنای آن است که خدای رحمان همه لوازم حرکت و رشد را برای رهرو طریق کمال در هر مرتبه مقدر نموده تا به سلامتی و آگاهی نایل آید و از سقوط به مراتب پایین تر حفظ گردد.

۵۱۰. علاقه مندی آدمیان به خاک و عالم خاک، به جهت این است که قبلاً وجود آنها از جماد و نبات و حیوان بوده و با طی این مراحل، به عالم انسانی، وارد شده اند.

۵۱۱. عوالم سه گانه جمادی، نباتی و حیوانی، ظلمانی است و عالم انسانی، عالم نور می باشد.

۵۱۲. جایگاه تکذیب کنندگان حق، بعد از مرگ، بازگشت به تاریکی دارای سه شعبه، یعنی همان ظلمات سه گانه جمادی و نباتی و حیوانی است.

۵۱۳. تنها راه نجات آدمیان گرفتار در سه عالم پست جمادی و نباتی و حیوانی، قرار گرفتن زیر پوشش صاحب این سه شعبه، یعنی تسلیم به اهل شریعت الهی است.

۵۱۴. ولی رحمانی، صاحب سه عالم انسانی، ملکوتی و جبروتی می‌باشد.

۵۱۵. راه صعود به سه شعبه والای انسانی و ملکوتی و جبروتی، قرار گرفتن زیر پوشش صاحب این عوالم، یعنی ایمان به اهل ولایت رحمانی می‌باشد.

۵۱۶. با نیل سالک به عالم لاهوت، خداوند رحمان بر عرش قلب او استقرار یافته و وجودش، تجلی‌گاه رحمانیت و رحیمیت می‌گردد.

۵۱۷. هر یک از عوالم هفت‌گانه سلوک نسبت به عالم بالاتر از خود زمین یا جهنم به حساب می‌آید و نسبت به عالم پایین‌تر از خود آسمان یا بهشت محسوب می‌شود.

۵۱۸. مرتبه اول سلوک، زمین آتشی یا دوزخ «اسفل سافلین» و مرتبه آخر آن، آسمان لاهوتی یا بهشت «اعلی علین» می‌باشد.

۵۱۹. اگر سالک الی‌الله از شریعت و معرفت هادی طریق جمال، غفلت ورزد، در مسیر سقوط به یکی از هفت زمین جهنمی قرار می‌گیرد؛ و بر تاریکی و زشتی‌اش افزوده شده و در نهایت، روز حشر، کالبد مناسب خود را پیدا می‌کند و به صورت یکی از جلوه‌های پست جمادی، نباتی، یا حیوانی محشور می‌گردد.

۵۲۰. بین مرگ و برانگیخته شدن هر کس، مدت کوتاهی به عنوان «برزخ» فاصله است که آغاز و پایان آن با دمیدن در «صور» تحقق می‌یابد.

۵۲۱. دمیده شدن در صور، کنایه از اراده پروردگار در مرگ و حیات دوباره آدمی است.

۵۲۲. صور دو نوع است: یا «صور مرگ» که به مفهوم بیهوشی انسان از دنیا و انتقال به عالم دیگر است و یا «صور بیداری» که قیام و برانگیخته شدن شخص مرده در عالم جدید می‌باشد.



۵۲۳. اعمال رهروان آسمانی اهل معرفت یا پیروان زمینی اهل شریعت بر اساس میزان و معیار شریعت انبیای الهی و یا معرفت شاهدان، یعنی اولیای رحمانی، سنجیده می‌شود و صورت و جایگاه واقعی خود را بر اساس حق می‌یابند.

۵۲۴. از بین مؤمنان آسمانی، تنها اولیای خدا هستند که از بیهوشی نشئت گرفته از ترس «صور» و وقایع بعد از آن در امان‌اند؛ چراکه هیچ خوف و اندوهی برای ایشان وجود ندارد.

۵۲۵. زمانی که مرگ انسان فرا می‌رسد، زمین و کوه که همان نفس و عقل آدمی است در هم کوبیده می‌شود و آسمان دل او شکافته شده و صورت حقیقی‌اش آشکار می‌گردد.

۵۲۶. عرش باطنی، به دو صورت است: عرش الهی در رسالت برای اهل شریعت، و عرش رحمانی در ولایت برای اهل معرفت.

۵۲۷. بارزترین نمادهای حاملان عرش الهی: نوح(ع)، ابراهیم(ع)، موسی(ع) و عیسی(ع) هستند و بارزترین مصادیق حاملان عرش رحمانی: محمد(ص)، علی(ع)، حسن(ع)، و حسین(ع) می‌باشند.

۵۲۸. خلاصه حاملان عرش الهی، حضرت عیسی(ع) است که صفات منور و مطهر الهی در او جلوه نموده و مؤید به روح قدسی، و مظهر «کلمة الله» است.

۵۲۹. چکیده حاملان عرش رحمانی، امام حسین(ع) می‌باشد که عصاره زیبایی و لطافت رحیمی است و همه حقایق رسالت و ولایت را در خود جمع دارد و الگوی جمیل انسانی برای نیل به کمال و جمال مطلق می‌باشد.

۵۳۰. چنانچه سالک الی‌الله بخواهد صاحب عرش الهی یا رحمانی گردد، باید خویشتن را در حریم پروردگارش به اوصاف نیکوی حاملان نورانی و روحانی عرش مزین سازد.

۵۳۱. نورانیان و روحانیان حامل عرش به همراه فرشتگان اطراف آن، یعنی ابرار اهل ایمان، هم تسبیح‌کننده به حمد ربّ خویش و هم استغفارکننده برای مؤمنان می‌باشند.

۵۳۲. انسان کامل، نسخه جامعی از عالم هستی است و آنچه در جهان ظاهر وجود دارد، صورت باطنی‌اش در ضمیر او نهفته است.

۵۳۳. در قلب انسان کامل، عرش الهی و رحمانی که همان شریعت و معرفت است، به همراه حاملان نورانی و روحانی‌شان جلوه‌ای تام دارد و بدین سبب، حقایق ظاهر و باطن در جهان هستی، برای او آشکار است.

۵۳۴. انسان کامل، همان مظهر خدای رحمان است که در قرآن از او به عنوان «خبر بزرگ» یاد شده است.

۵۳۵. دو گروه مقربان روحانی و ابرار نورانی مورد تأیید خدای رحمان‌اند که در آخرت با نام‌های «روح» و «ملائکه» به بهشت نعیم وارد می‌شوند.

۵۳۶. شفاعت مقربان روحانی و ابرار نورانی به اذن پروردگار رحمانی‌شان، فقط برای کسانی است که شایسته آن هستند.

۵۳۷. محوریت خطاب الهی، مرد می‌باشد؛ چنان‌که در ماجرای خلقت انسان، تنها آفرینش مرد مطرح است که پس از دمیده‌شدن روح الهی در کالبد او، به فرمان خداوند مسجود فرشتگان گردید.

۵۳۸. زن، موجود فرشته‌سیرت و وجه لطیفی است که به عنوان جلوه عشق و عرفان، از ضمیر مرد به ظهور رسیده است.

۵۳۹. مسئولیت حفظ گوهر لطافت و طهارت زن، بر عهده مرد نهاده شده که باید در پرتو غیرت و جوانمردی و از طریق محبت به او به این مهم اقدام نماید و چنانچه در این امر خطیر کوتاهی نماید، در آخرت باید پاسخگو باشد.

۵۴۰. از جمله بزرگ‌ترین رحمت‌های الهی آن است که هر شب روح از کالبد انسان خارج



شده و نتیجه اعمال روزانه خود را به صورت خواب مشاهده می کند.

۵۴۱. پیشانی، جایگاه تفکر می باشد و «موی پیشانی»، کنایه از فکر و تمرکز آدمی است که همچون رشته باریکی، او را به شخص دیگری که مورد علاقه و توجه اوست، پیوند می دهد و باعث می شود که با قدم هایش به دنبال او برود و از وی پیروی کند.

۵۴۲. وجود مبارک اولیای مقرب، نسیم شادمانی و بوی خوش و بهشت نعیم می باشد.

۵۴۳. اولیای خدا پیوسته بهره مند از چشمه سار حیات بخش کوثرند.

۵۴۴. چنانچه کسی در پیشگاه مقربان رحیمی، مانند خاک، خاشع و تسلیم باشد، سرزمین حاصلخیز قلبش از کوثر حیات بخش ایشان برخوردار می شود و بهشت شادمانی و زیبایی در وجودش پدیدار می گردد.

۵۴۵. کسی که دلش به سبب کفر و دشمنی در برابر خضر راه کمال و جمال، همچون سنگ، سخت باشد، هرچه بیشتر کوثر کلمات معنوی بر قلب او بریزد، نه تنها باعث سرسبزی و طراوت او نمی شود، بلکه با زدودن غبار، سنگ بودنش آشکارتر می گردد.

۵۴۶. عرصه قیامت، محل ظهور حقایق انسان است و آنچه در طول زندگی دنیایی به واسطه گفتار و کردار بر لوح ضمیرش نقش بسته، در آنجا آشکار می شود.

۵۴۷. دل های سنگی کافران و دشمنان ولایت، هیزم آتش جهنمی است که سراسر وجودشان را فرا گرفته و خود آنان به عنوان «جهنم»، به سرای آخرت آورده می شوند.

۵۴۸. «شرح صدر» به معنای گسترگی سینه است و منظور از آن، بهره مندی از ظرفیت وسیع باطنی است که در پرتو آن، می توان در مسیر پر فراز و نشیب کمال و انجام مأموریت دشوار الهی یا رحمانی، صبر و شکیبایی نمود.

۵۴۹. برخورداری از نعمت شرح صدر به طور کامل برای کسی حاصل می شود که پروردگارش

ضمیر او را پاک نموده باشد.

۵۵۰. آنهایی که دارای شرح صدر می شوند، سینه شان همچون آسمانی بی انتها می گردد که خورشید فروزان قلب در وسط آن تالو دارد؛ قلبی که نماد عشق رحیمی به پروردگار جمیل است و شعاع نور آن، معارف رحمانی می باشد.

۵۵۱. قلب مؤمن دارای شرح صدر، به مثابه قصری با شکوه است که جایگاه سلطنت خدای رحمان و محل ظهور جمال رحیمیت او می باشد.

۵۵۲. شرح صدر، باعث می شود که سالک الی الله در مسیر بندگی پروردگارش استقامت و پایداری نموده و نسبت به بندگان خدا در گفتار و رفتار، مهربانی نشان دهد.

۵۵۳. آنان که از شرح صدر بی بهره اند، دل هایی سخت و ظلمانی دارند و نه تنها در مقابل کلمات اولیای الهی نرم و خاضع نیستند، بلکه در برابر مردم به جای عشق و رأفت، از خشم و نفرت استفاده می کنند.

۵۵۴. شرح صدر دارای دو مرتبه است: مرتبه نخست، مربوط به انبیای خدا در رسالت است که مأمور به ابلاغ محکومات دین، یعنی دعوت به سوی شریعت الهی می باشند، و دوم که مرتبه نخست را هم در بر دارد، مربوط به اولیای خدا در ولایت است که مأمور به بیان متشابهات دین، یعنی معرفت رحمانی می باشند.

۵۵۵. موسی کلیم الله (ع) دارای شرح صدر الهی در رسالت، و محمد رسول الله (ص) دارای شرح صدر رحمانی در ولایت بود.

۵۵۶. پیامبران الهی و اولیای رحمانی، هر کدام پیروان صدیق و مطیعی دارند که کاملاً تسلیم پرورش دهنده خویش اند و بر اساس استعدادشان، به درجاتی از شرح صدر نایل شده اند.

۵۵۷. پیروان انبیا به عنوان «اولوا الالباب» در اثر تسلیم و اتصال به نور الهی، شرک ها را از دلشان زدوده اند.



۵۵۸. پیروان اولیا به عنوان «ابرار» به واسطه تسلیم و اتصال به نور رحمانی، علاوه بر شرک‌ها، شک‌ها را نیز از قلبشان پاک کرده‌اند و در پرتو چنین اتصال و تسلیمی، هیچ‌گاه نورشان به خاموشی نمی‌گراید.

۵۵۹. کسی که در پرتو شرح صدر، از نور پروردگارش بهره‌مند است، تمامی فراز و نشیب صراط مستقیم و صراط حمید را با قدم صبر و استقامت طی می‌نماید و هرگز دچار قساوت و سختی قلب و گمراهی در ظلمت دنیا نمی‌گردد.

۵۶۰. هنگامی که سینه آدمی وسعت می‌یابد و صبر و تحملش افزون می‌گردد، نوع گفتار و کردارش با دیگران، نیک و پسندیده گشته و با نرمی و ملاطفت همراه می‌شود.

۵۶۱. قسم به «ن» و قلم، در حقیقت قسم به قلب انسان کامل و آنچه او می‌گوید و می‌نویسد، است.

۵۶۲. حضرت موسی(ع) با شرح صدر در رسالت، یعنی ابلاغ پیام الهی به فرعون و قوم او، رسالتش را به نیکی انجام داد؛ اما چون از شرح صدر رحمانی بی‌بهره بود، در جریان دیدار حضرت خضر(ع)، نتوانست در برابر اعمال ولایی او صبر و استقامت نماید.

۵۶۳. اگر حضرت موسی(ع) از شرح صدر رحمانی برخوردار بود، نسبت به فرعون که در حال غرق شدن، اظهار توبه و ندامت نمود، می‌توانست با پذیرش ایمانش، نجات‌بخش او باشد و سرنوشتی نیک برای او رقم بزند.

۵۶۴. سخت‌ترین مشکل پیامبر(ص)، در هنگام ابلاغ آیات متشابه و معرفی برگزیده خدای رحمان، علی(ع) بود و آن حضرت به عنایت پروردگارش به وسیله شرح صدر رحمانی از عهده این مأموریت برآمد.

۵۶۵. انسان، برای سیر و حرکت آفریده شده است. سیر و حرکتی که یا صعودی است به سوی لطافت و زیبایی، و یا نزولی است به سوی زمختی و زشتی.

۵۶۶. انسان‌هایی که سیر نزولی دارند، از شیطان که پرورش‌دهنده اهل ظلمت در عوالم سُفلی است، کمک می‌گیرند.

۵۶۷. آنهایی که سیر صعودی دارند، از رحمان که پروردگار اهل نور در عوالم اعلی است، مدد می‌جویند.

۵۶۸. منظور از «انجیر» و «زیتون» که خداوند در قرآن به آنها قسم یاد کرده است، شریعت و معرفت است.

۵۶۹. همان‌طور که انجیر، شیرین و مورد علاقه عموم مردم است، شریعت نیز لذت‌بخش و مورد توجه اکثریت دین‌داران می‌باشد.

۵۷۰. همان‌گونه که زیتون، تلخ و مورد علاقه خواص مردم است، معرفت نیز دشوار و مورد اشتیاق اقلیت دین‌داران می‌باشد؛ البته همچنان که تلخی میوه زیتون توسط عرضه‌کنندگان زوده می‌شود، پیچیدگی‌های معارف نیز توسط مقربان رحیمی، شرح داده می‌شود تا برای شیفتگان، قابل فهم گردد.

۵۷۱. انسان، در بالاترین مقام و زیباترین جمال آفریده شده است؛ به طوری که هیچ صورت و ساختاری، زیباتر و نیکوتر از انسان در بین موجودات عالم مُلک وجود ندارد.

۵۷۲. حکمت رانده شدن حضرت آدم(ع) از بهشت طهارت و تنزل بر عالم مُلک، گسترش فیض رحمانی و ظهور انسان‌ها به ویژه مقربان بر روی زمین و فراهم شدن زمینه امتحان خلق الهی، برای بهره‌مندی از هدایت انبیا و اولیای ربّانی و رسیدن به کمال و جمال رحیمی می‌باشد.

۵۷۳. حقیقت دین، حرکت صعودی انسان از «اسفل سافلین» زشتی و زمختی به سوی «اعلی علین» زیبایی و لطافت است.



۵۷۴. پرواز به آسمان جمال رحیمیت، ابتدا با بُراق شریعت برای رسیدن به جایگاه الهی، و سپس با بُراق معرفت برای نیل به حریم رحمانی می‌باشد.

۵۷۵. همان‌طور که انسان برای حرکت در امور دنیایی، به نور خورشید در روز، و به نور ماه در شب، محتاج است، برای حرکت در امور دینی، به شریعت الهی در سیر ظاهری و به معرفت رحمانی در سیر باطنی نیازمند می‌باشد.

۵۷۶. دو سیر در واقعه معراج رسول اکرم (ص) وجود دارد: سیر اول، توسط بُراق شریعت تا محل «قاب قوسین» برای تعلیم حقایق الهی، سیر دوم، توسط بُراق معرفت تا «صدرالمنتهی» برای رؤیت حقایق رحمانی.

۵۷۷. انسان برای نجات از اسفلِ مُلک و سیر در آسمان ملکوت، علاوه بر شریعت، به معرفت نیز نیازمند می‌باشد.

۵۷۸. ثمره شریعتِ برخاسته از اسلام، عمل به احکام است و نتیجه معرفتِ برخاسته از ایمان، عمل صالح می‌باشد.

۵۷۹. معرفت برآمده از ایمان و یقین، انسان را به «کلمه طَیِّبه»، یعنی به اصحاب یمین تبدیل می‌کند؛ کلمه طَیِّبه‌ای که به سبب عمل صالح می‌تواند به سوی کمال و جمال مطلق عروج نموده و به قرب رحیمیت نایل گردد.

۵۸۰. عده کمی به عنوان مقرّبانِ رحیمی که «کلمه مبارکه» هستند، به همراه پیروان خویش، یعنی اصحاب یمین که «کلمه طَیِّبه» می‌باشند، به آسمان رحیمیت عروج می‌کنند.

۵۸۱. زن، ارزشمندترین امانت رحمانی است.

۵۸۲. گوهر طهارت زن، این حوریه بهشتی در بازار هوا و هوسِ مُلکیان به تاراج رفته است و در عالم خاک به پست‌ترین و بی‌ارزش‌ترین موجود تبدیل گردیده است.

۵۸۳. زن، مظهر جمال رحیمی است و در لطافت و ارزشمندی او همین بس که تمامی پیامبران الهی و اولیای رحمانی و کمال یافتگان عرصه عشق و معرفت، از دامن او به وجود آمده و تربیت یافته‌اند.

۵۸۴. برای حفظ و حراست از امانت بزرگ الهی یعنی زن، لازم است علاوه بر انجیر انرژی بخش شریعت، به زیتون سلامت بخش معرفت نیز توجه کنیم و غیورانه در حریم ولایت رحمانی، خود و اهلمان را از آتش خشم و شهوت محفوظ داریم.

۵۸۵. سوره علق، در حقیقت، مقدمه کاملی است برای تمام سوره‌های قرآن؛ چراکه پیام‌آور توحید، عبودیت و اطاعت از پروردگار برای نیل به قرب اوست.

۵۸۶. سرچشمه همه علوم از پروردگار کریم است که بر دو گونه می‌باشد: «علم قلم» و «علم قلب».

۵۸۷. «علم قلم»، همان علم ظاهر و شامل مجموعه‌ای از اطلاعات عقلی است که آدمی آن را از طریق شنیدن و خواندن به دست می‌آورد.

۵۸۸. «علم قلب»، همان علم باطن است که از راه طهارت و تزکیه دل در پرتو تعلیم و تربیت رسول الهی و مربی رحمانی حاصل می‌شود.

۵۸۹. علم قلبی، بر دو نوع است: علم «کتاب» و علم «حکمت». علم کتاب یعنی شریعت که از آراسته شدن انسان به اخلاق الهی نشئت می‌گیرد و علم حکمت، یعنی معرفت که از مزین شدن انسان به عشق رحمانی به دست می‌آید.

۵۹۰. شرط اساسی برای نیل به علم قلبی که همان علم کتاب و حکمت است، صبر و استقامت در مسیر طهارت و اطاعت از پروردگار می‌باشد.

۵۹۱. آفرینش انسان از خون بسته، اشاره لطیفی است به بُعد ظاهری خلقت او که به تعلقات



دنیایی گرایش دارد؛ همان طور که تعبیر خلقت او از گل چسبنده، به دلبستگی شدیدش به جاذبه های مُلکی اشاره دارد.

۵۹۲. آدمی برای رسیدن به علم قلبی، نیازمند تزکیه و پاکسازی از تعلقات، توسط رسولان الهی و اولیای رحمانی می باشد و چنانچه علم را بدون تزکیه و تنها از راه قلم به دست آورد، خود را بی نیاز می بیند و باعث طغیان او در برابر حق، می شود.

۵۹۳. سر منشأ بسیاری از مشکلات و مصیبت های بشر، طغیانگری عالمان بدون طهارت می باشد.

۵۹۴. اکثریت آدمیان، علم را از طریق قلم و بدون طهارت قلب، به دست می آورند و به طغیانگری و سرکشی دچار شده و در زمره جن و انس قرار می گیرند.

۵۹۵. ویژگی بارز طغیانگران صاحب علم، روی گردانی از حق و تکذیب اولیای رحمانی است.

۵۹۶. طغیانگران صاحب علم، مؤمنان مطیع که اهل هدایت و تقوا هستند را وسوسه نموده و می کوشند تا آنان را از بندگی پروردگار باز دارند؛ غافل از آنکه خداوند ناظر اعمال آنان است و روزی که به سوی پروردگارشان باز می گردند، با هبوط از مقام آدمیت، به یکی از صورت های پست حیوانی، نباتی یا جمادی محشور خواهند شد.

۵۹۷. کسی که از امر پروردگار غفلت می ورزد و از راه نورانی و روحانی او خارج می گردد، مصداق جن و انسی است که در روز قیامت، سیمای ظلمانی اش به یکی از صورت های گوناگون حیوانی و یا پست تر از آن آشکار می شود و بدون هیچ سؤال و جوابی، صورت و اعضای او گواه روشنی بر اعمالش می گردد.

۵۹۸. مردم در روز حشر به واسطه صورت های متضاد و گوناگون حیوانی که دارند، از یکدیگر می گریزند، همچون چرندگانی که از درندگان فرار می کنند.

۵۹۹. دروغگویان خطاکار که پشت سر پیشوایان و همراهان گمراهشان با عشق و علاقه

گام بر می‌دارند، سرانجام دردناکی خواهند داشت.

۶۰۰. تنها راه نجات آدمی آن است که در سرای دنیا، به وسوسه طغیانگران اهل علم و محروم از طهارت قلب، گوش فرا ندهد و با سجده، یعنی اطاعت عاشقانه از پروردگارش، به او تقرّب پیدا نماید.

۶۰۱. مهم‌ترین کار اولیای رحمانی در سرای دنیا، تزکیه و پاک‌سازی وجود سالکان الی‌الله از آلودگی‌ها و وابستگی‌هاست که آنها را در پرتو ایمان و عمل صالح، به «حیات طیّبه» نایل نموده و صورت‌های جمیل رحیمی را در وجود صابران و تسلیم‌شدگان خود، ترسیم کنند.

۶۰۲. آنان که راه طغیان و تکذیب پروردگارشان را در پیش گرفته‌اند، در روزی که چهره زشت حیوانی‌شان آشکار می‌گردد، چون به اطاعت و سجده فرا خوانده شوند، دیگر قادر به انجام آن نخواهند بود و به ذلت و خواری و عتاب الهی گرفتار می‌شوند.

۶۰۳. دنیا در برابر آخرت، عالمی ظلمانی است و همه موجودات در این عالم تاریک، به منزله شب هستند و تنها انسان‌های کامل و مقرب رحمانی، به عنوان «لیلۀ قدر»، شب ارزشمند و با شکوه می‌باشند که قدر و منزلت خود را یافته و شایسته دریافت حقیقت جامع قرآن در قلب مطهر خویش گشته‌اند.

۶۰۴. خدای رحمان توسط مظاهر واحدیت خویش، یعنی ملکوتیان و جبروتیان که اسمای حُسنای الهی‌اند و از ابتدای خلقت، سلسله‌وار به هم اتصال دارند، قرآن را نازل می‌کند.

۶۰۵. وجود انسان کامل، شب ارزشمند و مبارک قدر است که عظمتش برای هر کسی قابل درک نیست و فقط عارف عاشق است که می‌تواند در پرتو ایمان و استقامت، اخلاص و صداقت، و سحرخیزی و طهارت، آن را درک کند.

۶۰۶. درک محضر ولیّ زمان، برتر از هزار ماه، یعنی حدود هشتاد و سه سال زندگی کورکورانه و بدون درک محضر اوست.



۶۰۷. اگر سالک الی الله، شب قدر و امام زمان خویش را بیابد، توسط تسلیم وجه و عبودیت عاشقانه در پیشگاه او، از ظلمت به نور رسیده و در پناه شب قدر از هر گزند ایمن می شود و از نعمت سلامتی بهره مند می گردد.

۶۰۸. «لیلۀ مبارکه» همان «لیلۀ قدر»، یعنی وجود پُر خیر و برکت انسان کامل است و ناشکری در برابر این فیض عظیم رحیمی، سخت ترین عذاب ها را به دنبال خواهد داشت.

۶۰۹. قرآن کریم، جامع نور قدسی الله و روح قدسی رحمان است که به عنوان کتاب هدایت، در بر دارنده آیات محکمت، یعنی شریعت الهی، و آیات متشابهات، یعنی معرفت رحمانی می باشد.

۶۱۰. جبرائیل (ع) با جلوه روح الامین، نازل کننده محکمت، و با جلوه روح القدس، نازل کننده متشابهات بر قلب رسول اکرم (ص) است.

۶۱۱. برای کامیابی از نور الهی و روح رحمانی به هدایت و راهنمایی اولیای رحیمی نیازمند می باشیم.

۶۱۲. حقیقت قرآن در قلب مطهر اولیای رحیمی که چون آینه شفاف است، تجلی نموده؛ در حالی که به عنوان لیلۀ قدر، قدر و منزلت معنوی شان برای دیگران ناشناخته مانده است.

۶۱۳. هر که با قدم اعتقاد و اخلاص در جستجوی شب قدر خویش باشد، هادی زمان خود را خواهد یافت.

۶۱۴. چنانچه در محضر هدایت بخش هادی زمان، وجه بیمار خویش را عاشقانه تسلیم نماییم، از امراض نفسانی رهایی یافته، به مقام ابرار نایل می شویم.

۶۱۵. انسان کامل، خضرای عشق و معرفت است که پیروان و معتکفان حریمش را همواره از «رُوح و ریاحین» یعنی شادمانی و بوی خوش بهشتی برخوردار می سازد.

۶۱۶. خداوند رحمان همواره بر اساس رحمت و اسعه خویش، سرای ظلمانی دنیا را به وجود حجت‌های خود، یعنی نور مقربان رحیمی زینت می‌بخشد.

۶۱۷. شب‌های قدر، انسان‌های کامل هستند که در هر عصر و زمانی وجود دارند.

۶۱۸. تشنه‌کامان کمال و جمال، برای بهره‌مندی از سرچشمه سلامت و سعادت، باید به درک محضر بهشتی امام عصر خود نایل شوند و از ایشان پیروی نمایند.

۶۱۹. افزون‌طلبی و فخرفروشی در مال و منال و مقام دنیایی، انسان را به غرور و غفلت دچار می‌سازد و او را از حرکت در مسیر کمال باز می‌دارد.

۶۲۰. انسان اگر به زیارت مقابر، یعنی دیدار مقربان رحیمی برود و در آن جایگاه، تهذیب نفس نماید، از اسارت کثرت‌طلبی و ثروت‌اندوزی نجات می‌یابد.

۶۲۱. منظور از مقابر، حریم مقربانی است که از هوای نفس مرده و صاحب نفس مطمئنه گشته‌اند.

۶۲۲. آدمی از اسارت شرک و شک رها نمی‌گردد، مگر اینکه به زیارت مقابر که در حقیقت، دیدار با مقربان رحیمی است، برود و به واسطه تسلیم، در حریم ولایی و سرشار از آرامش آنان قرار گیرد.

۶۲۳. انسان تنها در محضر معنوی و بهشتی غیرتمندان شجاع و جوانمردان فانی از نفس است که می‌تواند خود و خانواده‌اش را از شرّ شیاطین جن و انس حفظ نماید.

۶۲۴. سالک الی‌الله، به واسطه حضور عاشقانه در قلعه ولایی مقربان و بهره‌مندی از نورانیت و روحانیت ایشان، به تدریج به علم و آگاهی کامل نایل می‌شود.

۶۲۵. رهرو راه کمال در پرتو عنایت پروردگارش با یقین علمی در می‌یابد که مربی رحمانی‌اش حقیقت صراط مستقیم و آیین تمام‌نمای حق است و با کسب طهارت ظاهری



و باطنی در محضر او، به درک و رؤیت جهنم که واقعیت دنیا و اهل آن است، نایل می‌شود.

۶۲۶. اهل دنیا، که خارج از حریم امن ولایت اولیای رحمانی‌اند، پیوسته توسط شیاطین که اولیای جن و انس‌اند، ربوده شده و در اعماق آتش خشم و شهوت گرفتار می‌آیند.

۶۲۷. یقین، به معنای باور استوار قلبی است که در نزد ولی خدا به دست می‌آید و دارای سه مرتبه است: «علم‌الیقین»، «عین‌الیقین» و «حق‌الیقین».

۶۲۸. مرتبه «علم‌الیقین»، به واسطه علم و آگاهی به حقایق برای انسان ایجاد می‌شود.

۶۲۹. مرتبه «عین‌الیقین» به سبب رؤیت حقایق برای آدمی حاصل می‌گردد.

۶۳۰. آدمی به موجب لمس کردن حق، به «حق‌الیقین» می‌رسد و تمامی وجودش جلوه‌گاه حق می‌گردد.

۶۳۱. شرط اصلی رسیدن به مراتب یقین، صبر و استقامت عاشقانه در محضر انسان کامل مرده از هوای نفس است.

۶۳۲. رهرو صراط کمال و جمال، در پرتو صبر و استقامت عاشقانه، حقیقت دنیا را که جهنم شهوت و غضب است، توسط علم درک می‌کند و به علم‌الیقین می‌رسد و با کنار رفتن حجاب‌ها با عین‌الیقین، به شهود قلبی نایل می‌شود و با رؤیت این جهنم زمینی، بهشت آسمانی را نیز شهود کرده و با نیل به مقام حق‌الیقین، حقیقت بهشتِ نعیم و روح و ریاحین می‌گردد.

۶۳۳. پس از آنکه سالک الی‌الله، در محضر انسان کامل، مراتب یقین را طی نمود، با نگاه به زندگی گذشته و وضعیت کنونی خود، خویشتن را غرق در نعمت‌های بهشتی صاحب ولایت و بهره‌مند از سلامتی و آرامش می‌یابد.

۶۳۴. بهترین و عالی‌ترین نتیجه اعمال، این است که آدمی، انسان هدایت‌یافته‌ای را که

اشارات مجموعه عبارات نغز عرفانی از کتاب «لطایف قرآنی»

رهاورد سلوک عاشقانه و خدمتگزاری خالصانه اوست، در پیشگاه پروردگارش حاضر و معرفی نماید.

۶۳۵. سوره کوثر، کوتاه‌ترین و در عین حال، پر بارترین سوره قرآن است.

۶۳۶. خداوند به واسطه صداقت، اخلاص و طهارت حضرت محمد(ص)، برترین خیر و نیکی را به عنوان «کوثر» به او عنایت نمود.

۶۳۷. «کوثر» به معنای خیر کثیر و برکت فراوان است و منظور از کوثری که به حضرت محمد(ص) عطا گردید، وجه زیبای رحیمیت است که در سیمای بهشتی فاطمه زهرا(س) جلوه‌گر شد.

۶۳۸. کوثر یا همان وجه رحیمیت، نهر روان و جاری بهشتی است که پیوسته با حضرت محمد(ص) همراه بوده و هیچ‌گاه قطع نمی‌شود.

۶۳۹. پیامبر اکرم(ص) نقطه پرگار عالم وجود و گل سرسبد هستی می‌باشد.

۶۴۰. پیامبر اکرم(ص) به برکت وجود طهارت‌یافته بانوی بزرگواری چون حضرت خدیجه(س) از نعمت عظیم کوثر برخوردار گردید و به واسطه وجود مقدس دخترش، فاطمه اطهر(س) نسل منور و مطهر او جاری شد و تا ابد نیز باقی خواهد ماند.

۶۴۱. تنها راه دسترسی به عرش که همان معرفت و ولایت رحمانی می‌باشد، بهره‌مندی از عشق و محبت به حقیقت کوثر است.

۶۴۲. همان‌طور که در عالم ظاهر، آب، سرمنشأ ظهور حقایق و سبب نیل به آگاهی است، در عالم باطن، کوثر، سرچشمه ظهور معارف ربوبی و حقایق ولایی می‌باشد.

۶۴۳. تکلیف و آزمایش، بعد از دستیابی به دانایی و آگاهی است.



مجموعه عبارات نغمه‌رانی از کتاب «لطایف قرآنی»..... اشارات

۶۴۴. شکوه معرفت که حقیقت عرش رحمانی است، توسط عشق به وجه رحیمی، در قلب حاصل می‌شود و به واسطه این معرفت است که آدمی مورد آزمایش قرار می‌گیرد.

۶۴۵. انسان تا از طریق عشق به کوثر بهشتی، صاحب معرفت قلبی نگردد، به آدمیت نمی‌رسد و توسط پروردگارش آزمایش نمی‌شود.

۶۴۶. زن به منزله آب و مرد به مثابه خاک است؛ چنان که فاطمه زهرا(س) «کوثر» و علی بن ابی طالب(ع) «ابوتراب» می‌باشد.

۶۴۷. از آمیخته شدن آب و خاک بهشتی و در پرتو حفظ کوثر رحیمی در زیر عرش رحمانی است که ثمرات پاک‌طینت همچون امام حسن(ع) و امام حسین(ع) به وجود می‌آید.

۶۴۸. شایسته است که هر مرد مؤمن، همسر خود را در سایه معرفت و ولایت پروردگارش قرار دهد و با جوانمردی، غیرت، خلقی خوش و محبت او را حفظ نماید تا چون کوثر، پاک و زلال گشته، صاحب فرزندی مطهر شود.

۶۴۹. چنانچه مرد نسبت به صیانت از همسر خود غفلت ورزد، همسر او مانند ام‌جمیل، همسر ابولهب، به لذت‌های فریبنده دنیایی دل خوش کرده و به عنوان هیزم‌کش آتش، مردمان را که هیزم دوزخ‌اند، با جمال زیبای خود به اعماق دوزخ شهوت و خشونت سوق می‌دهد.

۶۵۰. اولیای مستکبر شیطانی نیز چون سنگ سخت‌اند که نه تنها در آتش خشم و شهوت غوطه‌ورند، بلکه نگهدارنده آتش و اهل آن هستند.

۶۵۱. سوره‌های کوثر و توحید، همانند دو خواهر هستند.

۶۵۲. سالک برای ورود به دریای عظیم توحید و نیل به حقیقت سوره کوثر، باید به محتوای دو سوره فلق و ناس عمل کند و از آنها یاری بجوید.

۶۵۳. رهرو طریق کمال برای نیل به توحید ربوبی و دریافت کوثر بهشتی باید از شر جن و

انس به پروردگار خود پناه ببرد تا از شرّ زنان دمنده در گره‌ها، و حسودان و وسوسه‌کنندگان محفوظ بماند.

۶۵۴. تمام معارف و حقایق و همه علم کتاب و حکمت که در قالب قرآن به محمد(ص) عنایت شده، به برکت بهره‌مندی از کوثر جمال فاطمی می‌باشد.

۶۵۵. حضرت محمد(ص)، در معراج، نهر آب، پرده و نور مشاهده نمود. منظور از نهر آب، کوثر، یعنی وجه جمیل رحیمی است و مقصود از پرده، وجود مقدس ایشان و مراد از نور، حقیقت قرآن است.

۶۵۶. آنگاه که رسول خدا(ص) در سفر معراج، در پرتو نور جمال رحمانی، وجه زیبای رحیمی را رؤیت نمود، تمامی وجودش غرق در جذبات عشق گردید و از پس پرده عشق در قلب مطهر ایشان کتاب و حکمت تجلی یافت.

۶۵۷. انسان، مرآت و جام جهان‌نمای هستی یا نسخه صغیرِ عالم کبیر است و همه حقایق بیرونی در باطن او وجود دارد.

۶۵۸. کوثر رحیمی یا وجه جمیل فاطمی که زهره درخشنده آسمانی و گنجینه حقایق قرآنی است، در نهاد هر انسانی وجود دارد.

۶۵۹. سالک الی‌الله باید در پرتو جذبه عشق، قلب خویش را به دستان رحمانی اولیای خدا پاک سازد تا فرشته فاطمی و زیباروی درونش را رؤیت نماید.

۶۶۰. سالک الی‌الله با پاک کردن قلب خویش توسط اولیای رحمانی می‌تواند فرشته فاطمی درونش را شیفته خود سازد تا معارف ربوبی از قلب بر زبانش جاری شود.

۶۶۱. اولیای الهی با تزکیه و قربانی کردن نفس خود، شایسته رؤیت وجه زینده رحیمی می‌شوند.



مجموعه عبارات نغز عرفانی از کتاب «لطایف قرآنی»..... اشارات

۶۶۲. حقایق کتاب مستور که حقیقت وجه فاطمی است، به موجب جذبات عشق به این زهره زینده آسمانی در آینه دل اولیای الهی آشکار می‌شود.

۶۶۳. کعبه، خانه‌ای است که در ظاهر، نماد رسالت انبیای الهی و پایمردی سلسله پیامبران در نجات بشر از شرک و نیل به توحید حقیقی است و در باطن، جایگاه ولایت اولیای رحمانی است تا تشنگان کمال از شک و تردید رهایی یافته و به ایمان کامل برسند.

۶۶۴. نام «علی» از جمله اسمای حسناى الهی است که تعین اول، یعنی جامع همه حقایق عوالم هستی است.

۶۶۵. حضرت علی(ع) مظهر ذات الهی است و کعبه، جایگاهی شایسته برای ولادت اوست.

۶۶۶. گروه کثیری، دین اسلام را برگزیدند، اما در فراز و نشیب امتحانات الهی، استقامت ننموده و در حجاب‌های ظلمانی شرک و وابستگی به دنیا باقی ماندند.

۶۶۷. عده خیلی با ورود به عرصه رسالت و قبول آیین اسلام، تحت تربیت پیامبر اکرم(ص) از شرک و وابستگی رها گشتند و با ایمان کامل مانند کوه استوار، ثابت قدم گردیده و دارای سیرت نیکوی انسانی شدند.

۶۶۸. کسانی که با صدق و اخلاص از دستورات کمال‌بخش پیامبر اکرم(ص) پیروی کردند، فتح و ظفر الهی شامل حالشان شده و به حیات طیبه دست یافتند.

۶۶۹. به جهت ایمان آوردن عده‌ای قلیل از یاران با وفای رسول اکرم(ص) است که شکر و حمد پروردگار بر عهده ایشان نهاده شد.

۶۷۰. حضور پیامبر رافت در جایگاه آلوده عده کثیری از امتش و دلسوزی برای هدایت ایشان باعث شد که غبار اعمال آنها بر دل آن حضرت بنشیند و زدودن این غبار جز از طریق استغفار حاصل نمی‌گردد.

۶۷۱. تنها وظیفه پیامبر خدا(ص) رساندن کلام حق بود که با مهربانی و دلسوزی بیش از حد، آن را ابلاغ نمود و با این کار حجت را برای مردمان تمام نمود.

۶۷۲. هدایت دل‌ها به دست خداوند است و تنها اوست که شایستگان طهارت‌پیشه را به حریم بهشتی خود راه می‌دهد.

۶۷۳. کسی که با قلب خود به رسول الهی پشت نموده و حیات معنوی خویش را از دست داده، هرگز گوش شنوایی برای شنیدن کلام حق و چشم بینایی برای دیدن اهل حق ندارد.

۶۷۴. دلسوزی و شفقت برای هدایت دوری‌کنندگان از حق، حاصلی جز افزودن بر تاریکی و گمراهی آنان ندارد.

۶۷۵. آدمی به عنوان خلیفه الهی، در کامل‌ترین و زیباترین صورت، بدون نقص و کاستی، یعنی بر اساس حق و حکمت آفریده شد.

۶۷۶. عرصه امتحان الهی برای آدمی فراهم گردید تا به اختیار خود یا راه شکر و ایمان را در پیش گیرد و با سیرتی زیبا به سوی بهشت نورانی ریش رهسپار شود و یا راه ناشکری و کفر را طی نماید و گرفتار مظاهر فریبنده دنیایی گردد و با سیرتی زشت به سوی جهنم ظلمانی نفسش روانه شود.

۶۷۷. انسان تجلی‌گاه جلال و جمال خداوند و گل سرسبد مخلوقات است و قلبش، مرآت تمام‌نمای هستی می‌باشد.

۶۷۸. بسیاری از آدمیان بر روی مرآت دلشان پرده سیاه غفلت افکنده‌اند؛ به همین جهت، نمی‌توانند تشخیص‌دهنده و فرق‌گذارنده میان زشت و زیبا یا حق و باطل باشند و چه بسا به تکذیب و دشمنی با اولیای حق می‌پردازند.

۶۷۹. ام‌جمیل در سایه غفلت و بی‌غیرتی ابولهب، شیفتگان و راغبان جمالش را چون



مجموعه عبارات نغز عرفانی از کتاب «لطایف قرآنی» اشارات

هیزم‌های جهنم به سوی ابولهب حمل کرده و بر شعله‌های آتش وجود سخت و سنگ‌گونه ابولهب می‌افزود.

۶۸۰. اولیای شیطانی و پیشوایان مردم گمراه همانند سنگ هستند که موجب برقراری و دوام آتش جهنم می‌گردند.

۶۸۱. وجود سنگ‌گونه اولیای شیطانی باعث وحدت پیروانشان در کفر و شرک و سبب شعله‌ور ماندن آتش جهنمی آنان می‌باشد.

۶۸۲. مکتب اولیای رحمانی، مکتب طهارت و پاکی و تزکیه درون و حفظ ناموس از آلودگی‌های نفسانی است.

۶۸۳. بسیاری از آدمیان به سبب وابستگی‌های دنیایی، از شنیدن نام اولیای رحمانی ابا دارند و به ایشان تنفر نشان می‌دهند و در نتیجه، از حریم سازنده اولیای خدا محروم می‌مانند.

۶۸۴. تمامی اسرار و حقایق عالم وجود در سه کتاب کلی «هستی»، «قرآن» و «قلب» جلوه‌گر است که دستیابی به آنها نیازمند طهارت و تزکیه نفس می‌باشد.

۶۸۵. «کتاب هستی» جایگاه ظهور اسما و صفات بی‌انتهای الهی است.

۶۸۶. «کتاب هستی» همان، ستارگان آسمان و سیارات گوناگون، از جمله زمین و موجودات درون آنهاست که هر یک در منازل ویژه خود در حال سیر می‌باشند.

۶۸۷. «کتاب قرآن» محل ظهور حقایق عالم هستی از زبان حق در قالب الفاظ و عبارات برای هدایت انسان می‌باشد.

۶۸۸. «کتاب قلب» از رهگذر طهارت همچون آینه‌ای پاک و شفاف، تجلی‌گاه اسرار و حقایق دو کتاب: هستی و قرآن می‌باشد.

۶۸۹. سوره توحید، شناسنامه خداوند و بیانگر هویت اوست که عصاره قرآن و چکیده حقایق عالم هستی می باشد.

۶۹۰. سوره توحید با وجود آنکه فقط چهار آیه دارد، دریای بی نهایت اسرار پوشیده است؛ اسراری که تنها مطهرانِ مخلص به آن دسترسی دارند.

۶۹۱. سالکان طریق کمال و جمال، در سایه اخلاص که نام دیگر سوره توحید است، می توانند از شرّ شیاطین و سوسه گر جن و انس در امان بمانند و شایسته درک حقایق این سوره گردند.

۶۹۲. دلیل آنکه سوره توحید، بعد از دو سوره فلق و ناس نازل شده، آن است که آدمی برای گذر از جایگاه های ظلمانی دنیاپرستان، به دو سلاح سوره فلق در دست چپ و سوره ناس در دست راست نیاز دارد تا بتواند به سلامت به دریای عمیق و پهناور سوره توحید برسد.

۶۹۳. حقیقت سوره فلق، پناه بردن به پروردگار سپیده دم از شرّ تاریکی آدمیانی است که در یکی از مراتب شعبه های پست جمادی، نباتی و حیوانی به سر می برند.

۶۹۴. حقیقت سوره ناس، پناه بردن به پروردگار انسان ها از شرّ پیشوایان و سوسه گر و گمراه کننده از بین جن و انس می باشد.

۶۹۵. امر خداوند در ابتدای سوره توحید، خطاب به حضرت محمد (ص) و به طور کلی، خطاب به کاملان رحمانی می باشد که خود مصداق توحید ربوبی اند و حقیقت توحید از ربّ درون آنها بر قلب مطهرشان نازل می شود.

۶۹۶. کاملان رحمانی، با گفتن «بسم الله الرحمن الرحیم» و به واسطه نورانیت، روحانیت، و جاهت باطنی شان، حقیقت توحید بر زبانشان جاری می گردد.

۶۹۷. «الله» که اسم جامع است و شامل همه اسما و صفات می باشد، از «هو» که اشاره به



مقام عماء، یعنی ذات الهی دارد، به ظهور رسیده است و در عین واحدیتش، احد می باشد.

۶۹۸. خداوند در ذاتش احد و در اسما و صفاتش، واحد می باشد.

۶۹۹. واحد، عبارت از تمامی اسما و صفات، یعنی مجموعه بیکران هستی است که همگی یک وجود کلی را تشکیل می دهند و آن وجود حق تعالی می باشد.

۷۰۰. خدای احد در ازل چون گنجینه ای سربه مهر، جامع همه کمالات پوشیده بود که بر اساس حب ذاتی نسبت به شناخته شدن خود، به صورت اسما و صفات در مظاهرش جلوه گر شد.

۷۰۱. خدای احد با ظهور در عالم کثرت، واحدیت خویش را آشکار کرد.

۷۰۲. همواره خداوند از احدیت به واحدیتش تجلی دارد و بدین وسیله، وجود را فیض می بخشد و پیوسته ثمرات را در جلوه هایش به ظهور می رساند.

۷۰۳. چنانچه سالک الی الله بخواهد به کمال و جمال مطلق نایل شود، باید در واحدیت الهی سیر نماید و نه در احدیت او که ذات صرف است و کمالات در آن پوشیده است.

۷۰۴. «الله» با اینکه احد می باشد، در کثرت موجودات به ظهور رسیده و در کسوت واحدیت جلوه گر شده است؛ واحدیتی که «صمد»، یعنی بی نیاز مطلق است.

۷۰۵. اگر خداوند، موجودی جدای از عالم هستی فرض شود، علاوه بر اینکه موجب شرک و دوگانگی است، وجود خدا محدود و همراه با ضعف و کاستی در نظر گرفته شده است.

۷۰۶. خدای احد چون خورشید در منظومه شمسی است، این منظومه از جمله زمین از خورشید به ظهور رسیده و به تعبیری خلق شده است و در درون هر سیاره، حقیقتی از آن به صورت پنهان قرار دارد؛ چنان که هسته کره زمین از مواد مذاب و آتشین تشکیل شده.

۷۰۷. حقیقتی که به صورت باطنی در سوره توحید ذکر شده، ظهورش در سوره حدید می‌باشد.

۷۰۸. سوره توحید، حقیقت ذاتی و صفاتی خداوند را با اوصاف یکتایی و بی‌نیازی بیان می‌کند و شش آیه ابتدایی سوره حدید نیز بیانگر همان حقایق توحیدی همراه با اشاره به تجلی آن در اشرف مخلوقات یعنی انسان کامل است.

۷۰۹. حقیقت باطنی سوره توحید در آیات سوره حمد به ظهور رسیده است و به همین جهت، معمولاً در نماز، این دو سوره با هم خوانده می‌شوند.

۷۱۰. انسان کامل، نیکوترین خلق الهی است که پس از طی مراتب هفت‌گانه سلوک به سوی کمال و جمال مطلق، یگانه مرآت تمام‌نمای خدا گردیده و تاج «کرّما» بر سرش نهاده شده و مسندنشین مقام «خلیفة‌الهی» گشته است.

۷۱۱. انسان کامل که والاترین مصداقش، وجود مقدس حضرت محمد(ص) است، کمال سلسله وجود و جلوه تام «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِن» است.

۷۱۲. به یمن وجود انسان کامل، هستی رنگ وجود به خود گرفته و اوست که توسط مقام رحمانی‌اش، صورتگری دارد.

۷۱۳. انسان کامل، سالک راه کمال و جمال را از صورت‌های زشت و ظلمانی عوالم جمادی، نباتی و حیوانی نجات می‌دهد و با دستان کیمیاگر خویش، به او صورت جمیل و نورانی انسانی می‌بخشد و با دم مسیحایی‌اش رهرو عاشق را به طهارت باطنی رسانده و به شناخت اسرار توحید و دریافت حقیقت آن نایل می‌گرداند.





فہرست موضوعی

فهرست موضوعی اشارات

آب: ۲۰۶، ۲۱۷، ۲۲۰، ۲۲۵، ۴۴۷، ۴۵۱، ۴۶۵، ۶۴۶	آگاهی: ۱۸، ۴۱، ۹۶، ۱۱۱، ۳۰۲، ۳۲۴، ۶۴۲، ۶۴۳
آتش: ۴۲، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۵، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۶۶، ۳۸۸، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۹۸، ۵۰۷، ۵۱۸، ۵۴۷، ۶۸۱	آموزش: ۳۲۱، ۴۲۳
آتش بی‌دود: ۴۷	آیات: ۴۰۹، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۶، ۴۹۱
آخر الزمان: ۲۹۸، ۲۹۹	آیات متشابه: ۸۶، ۹۲، ۱۶۴، ۴۱۵، ۵۶۴
آخرت: ۱۶، ۳۰، ۳۱، ۲۱۶، ۳۵۸، ۴۰۳	آیات محکم: ۸۶، ۱۶۴
۴۲۴، ۴۵۹، ۵۳۵، ۵۳۹، ۵۴۷، ۶۰۳	آیین: ۳۴۳، ۳۵۸
آداب: ۱۶۹، ۲۴۳	آیینه: ۱۷۰، ۳۴۷، ۶۱۲، ۶۸۸
آدم(ع): ۴۰، ۴۲، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۸، ۵۹، ۶۷، ۶۸، ۱۳۸، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۹، ۴۸۹، ۵۷۲	ابتلا: ۲۱۴، ۲۹۹
آدمیت: ۵۹۶	ابرار: ۳۷، ۶۵، ۶۶، ۸۴، ۸۵، ۹۶، ۹۷
آرامش: ۲۵۶، ۳۵۷	۱۰۸، ۱۰۹، ۱۰۹، ۱۲۴، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۲۰۳، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۶، ۲۳۶، ۲۵۷، ۲۹۵، ۳۶۱، ۳۸۵، ۳۸۷، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۷، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۲، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۲، ۴۴۸، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۷، ۴۶۹، ۵۳۱، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۵۸، ۶۱۴
آزادی: ۳۷۳	ابراهیم(ع): ۲۹۲، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲
آزمایش: ۶۵، ۳۳۳، ۳۳۳، ۳۳۳، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵	۳۳۵، ۳۳۶، ۳۴۳، ۵۲۷
آزمون: ۲۲۸، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۶	ابلاغ: ۵۵۴، ۵۶۴
آسمان: ۵، ۴۶، ۶۴، ۷۹، ۱۶۴، ۲۱۰، ۳۰۵، ۳۱۸، ۳۴۰، ۳۶۱، ۳۸۱، ۳۸۳، ۴۱۹، ۵۰۷، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۷۴	ابلیس: ۴۵، ۴۷، ۴۸، ۶۸، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۳، ۲۲۵
آسمان و زمین هفت گانه: ۱۲، ۲۵۵، ۴۹۷	ابوتراب: ۶۴۶
آسمان‌های هفت گانه: ۳۸۱	ابوطالب: ۴۷۰
آفتاب: ۱۶۹، ۳۱۸	ابولهب: ۶۴۹، ۶۷۹
آفرینش: ۵، ۴۰، ۲۱۷، ۵۳۷، ۵۹۱	



اشارات مجموعه عبارات نغز عرفانی از کتاب «لطایف قرآنی»

اتصال: ۱۲۸، ۱۳۰، ۵۵۸	استواری: ۲۰۸
اجل: ۳۴۹	اسرار: ۹۴، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۶۷، ۲۴۴
احد: ۶۹۷، ۶۹۸، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۴	۲۵۴، ۲۵۶، ۲۹۹، ۳۱۶، ۳۸۸، ۳۸۹
۷۰۶	۴۱۵، ۴۵۲، ۴۸۴، ۶۸۸، ۶۹۰، ۷۱۳
احدیت: ۱۷۰، ۷۰۲، ۷۰۳	اسفل: ۵۰۲
احسن القصص: ۳۲۹	اسفل سافلین: ۳۹۴، ۵۱۸، ۵۷۳
احکام: ۳۱۶	اسلام: ۲۰، ۲۷، ۱۲۸، ۱۵۰، ۲۳۸
اختلاف: ۴۹۶	۲۶۱، ۲۶۴، ۳۵۶، ۳۵۷، ۴۵۵، ۴۵۷
اخلاص: ۱۹۹، ۲۹۰، ۳۱۸، ۳۲۱، ۶۰۵	۵۷۸، ۶۶۶، ۶۶۷
۶۱۳، ۶۳۶، ۶۶۸، ۶۹۱	اسما: ۳۲، ۳۳، ۵۵، ۶۷، ۱۳۸، ۲۲۷
اخلاق: ۲۱۰، ۵۸۹	۴۱۴، ۶۸۵، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰
ادب: ۱۷۹، ۱۸۰	اسماء الحسنی: ۳، ۵، ۵۶، ۶۳، ۷۲، ۶۰۴
اذکار: ۴۱۴، ۳۳۶، ۲۲۴	۶۶۴
اذن: ۹۳، ۵۳۶	اسماء الله: ۴۱، ۵۲، ۵۳، ۵۸، ۷۲
ارادت: ۱۱۷، ۴۲۹، ۴۶۷	اسماعیل (ع): ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۴
اراده: ۶۸، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۲۶، ۲۵۷	۳۳۵
۲۵۸، ۲۸۳، ۲۹۲، ۲۹۸، ۳۸۲، ۵۲۱	اصحاب رقیم: ۲۵۱، ۲۵۴، ۲۵۷
ارواح: ۱۲۴	اصحاب شمال: ۲۶، ۳۶، ۶۱، ۲۳۳، ۳۵۱
ازدواج: ۴۳۵	۴۰۱، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۴۵، ۴۴۷، ۴۴۸
استعداد: ۵۵۶	اصحاب کهف: ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۶، ۲۵۷
استغفار: ۵۳۱، ۶۷۰	۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۴
استقامت: ۱۷۱، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۸۰	اصحاب یمین: ۲۵، ۶۱، ۲۳۵، ۲۵۱
۲۰۸، ۲۴۰، ۲۷۶، ۲۹۶، ۲۹۷، ۳۶۹	۳۵۰، ۳۵۹، ۴۰۲، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۴۴
۴۵۰، ۴۵۲، ۵۵۹، ۵۶۲، ۵۹۰، ۶۰۵	۴۴۶، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۵۷۹
۶۶۶	۵۸۰
استکبار: ۲۲۰، ۲۹۴، ۲۹۵	اطاعت: ۱۷، ۱۹، ۱۲۷، ۲۱۳، ۲۱۶



فهرست موضوعی اشارات

۲۱۸، ۲۵۷، ۳۵۰، ۳۵۳، ۳۵۹، ۳۹۵	۵۸۴، ۵۸۱، ۳۶۶، ۳۶۵
۵۸۵، ۵۹۰، ۶۰۰، ۶۰۲	امت: ۳۲۳
اعتدال: ۲۳۳، ۲۳۵	امتحان: ۲۳۶، ۲۹۹، ۳۳۰، ۳۳۵، ۶۶۶
اعتراض: ۲۳۲	۶۷۶
اعتقاد: ۲۴۹، ۲۹۹، ۴۵۰، ۴۶۶، ۶۱۳	امر: ۵۰۹
اعلیٰ علیین: ۳۹۵، ۵۱۸، ۵۷۳	امراض: ۶۱۴
اعمال: ۱۱۷، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۲، ۳۵۵	امنیت: ۱۳۴
۳۵۹، ۴۰۵، ۴۴۹، ۵۲۳، ۵۴۰، ۵۶۲	امیال: ۳۰۵، ۴۴
۵۹۶	انبیا: ۲۲، ۳۴، ۶۸، ۹۸، ۹۹، ۱۵۵، ۱۸۹
افراط: ۲۰، ۲۵، ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۲۳۵	۱۹۰، ۱۹۱، ۴۹۲، ۵۲۳، ۵۵۴، ۵۵۷
۳۴۳	۵۷۲، ۶۶۳
الفت: ۱۳۴	انجیر: ۵۸۴، ۵۶۹، ۵۶۸
القا: ۵۶، ۲۴۰	انجیل: ۲۹، ۲۳۵
الگو: ۵۹، ۳۰۰	انحراف: ۴۹۳
الله: ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۴، ۷۷	اندوه: ۵۲۴
۹۳، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۸، ۴۲۳	انس: ۲۷، ۳۶، ۱۱۳، ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۱۸
۴۷۶، ۶۰۹، ۶۹۷، ۷۰۴	۲۱۹، ۲۲۲، ۲۳۳، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۹
الهام: ۱۲۲	۲۹۵، ۳۶۸، ۳۸۲، ۳۸۸، ۳۸۹، ۴۳۲
الهه: ۱۴۰	۴۳۳، ۵۹۴، ۵۹۷، ۶۲۳، ۶۲۶، ۶۵۳
امّ جمیل: ۶۴۹، ۶۷۹	۶۹۴، ۶۹۱
امّی: ۴۸۹	انسان: ۴۶، ۹۹، ۱۲۰، ۱۵۲، ۱۵۵
امام خمینی: ۲۹۸، ۲۹۹	۱۵۶، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۸، ۲۰۲، ۲۴۴
امام زمان: ۶۰۷	۲۷۱، ۳۰۹، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۲، ۳۵۴
امام عصر: ۶۱۸	۳۶۰، ۳۷۴، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۹۰، ۳۹۱
امامت: ۳۳۶	۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۳۱، ۴۶۰
امانت: ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴	۴۷۷، ۴۷۹، ۴۸۵، ۵۲۲، ۵۲۵، ۵۳۷



.ᐃᑦ. .ᐃᑦᑦ. .ᐃᑦᑦ. .ᐃᑦᑦ. .ᐃᑦᑦ. .ᐃᑦᑦ. .ᐃᑦᑦ. .ᐃᑦᑦ. .ᐃᑦᑦ. .ᐃᑦᑦ. .ᐃᑦᑦ.
 .ᐃᑦᑦ. .ᐃᑦᑦ. .ᐃᑦᑦ. .ᐃᑦᑦ. .ᐃᑦᑦ. .ᐃᑦᑦ. .ᐃᑦᑦ. .ᐃᑦᑦ. .ᐃᑦᑦ. .ᐃᑦᑦ. .ᐃᑦᑦ.
 .ᐃᑦᑦ. .ᐃᑦᑦ. .ᐃᑦᑦ. .ᐃᑦᑦ. .ᐃᑦᑦ. .ᐃᑦᑦ. .ᐃᑦᑦ. .ᐃᑦᑦ. .ᐃᑦᑦ. .ᐃᑦᑦ. .ᐃᑦᑦ.
 .ᐃᑦᑦ. .ᐃᑦᑦ. .ᐃᑦᑦ. .ᐃᑦᑦ. .ᐃᑦᑦ. .ᐃᑦᑦ. .ᐃᑦᑦ. .ᐃᑦᑦ. .ᐃᑦᑦ. .ᐃᑦᑦ. .ᐃᑦᑦ.

انسان کامل: ۲۳، ۴۶، ۴۹، ۵۷، ۷۰، ۵۵۴، ۵۵۶، ۵۵۸، ۵۷۲، ۵۸۳، ۵۹۲، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۸۰، ۹۵، ۱۱۴، ۱۶۱، ۵۹۵، ۶۰۱، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۲۶، ۶۵۹، ۱۶۲، ۱۷۱، ۲۰۳، ۲۱۲، ۲۲۶، ۲۴۰، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۷۸، ۶۸۲، ۳۳۶، ۳۴۷، ۳۶۲، ۳۶۷، ۴۴۱، ۴۴۲، ۶۸۳

اولیای حق: ۱۵	۴۵۱، ۴۵۲، ۴۸۷، ۵۰۴، ۵۰۸، ۵۳۲
اولیای شیطان: ۶۵۰، ۶۸۰، ۶۸۱	۵۳۳، ۵۳۴، ۵۶۱، ۶۰۳، ۶۰۵، ۶۰۸
اثار: ۱۳۹	۶۱۵، ۶۱۷، ۶۳۱، ۶۳۳، ۷۰۸، ۷۱۰

۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳ ایمان: ۱۸، ۹۹، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۸

انفاق: ۱۳۹

اهل: ۱۹۹ ۲۸۲، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸

اهل آتش: ۴۳۷

اهل تقوا: ۴۳۵ ۳۴۶، ۳۴۷، ۴۱۷، ۴۵۰، ۴۵۳، ۴۵۵

اهل حق: ٢٣١، ٦٧٣ ٤٥٧، ٤٥٨، ٤٦٦، ٤٦٩، ٤٩٧، ٥١٥

اهل شرع: ۱۰۶ ۵۳۱، ۵۷۸، ۵۷۹، ۶۰۱، ۶۰۵، ۶۶۳

اولوا الالباب: ٨٣، ٨٨، ١٠٨، ١٠٩، ٣٤١، ٦٦٧، ٦٦٩، ٦٧٦

۵۵۷ ائمه اطهار (ع): ۳۴۶

اوليا: ۲۲، ۳۴، ۶۶، ۶۸، ۹۸، ۹۹، ۱۱۰، پارگاہ: ۴۹

۱۱۳، ۱۲۵، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۸، ۱۶۷، پاری: ۱۲

١٦٨، ١٨٩، ١٩٠، ١٩٢، ١٩٦، ١٩٧، باطل: ١٥، ١٠٢، ٤٧٣، ٤٧٨

٢٠٧، ٢١٥، ٢٣١، ٢٣٩، ٢٤٦، ٢٤٧، باطن: ٨، ١٠، ١٩، ٥٩، ١١٨، ١٣٩،

٢٥٨ ٢٥٩ ٢٢٧ ٢١٠ ١٩٠ ١٩٩ ٢٨٨ ٢٨٩ ٢٧٨ ٢٧٥ ٢٧٢ ٢٥٩

٣٩٠ ، ٣٣٩ ، ٣٣٧ ، ٣١٠ ، ٣٠٩ ، ٢٩١ ، ٣٣١ ، ٣٢٩ ، ٣٢٨ ، ٣٠٧ ، ٢٩٣ ، ٢٩٢

فهرست موضوعی اشارات

۴۱۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۶۶	۱۶۶، ۱۶۸، ۲۱۴، ۲۲۱، ۲۲۴، ۲۲۶
۴۶۸، ۴۷۷، ۴۹۷، ۵۳۳، ۵۸۸، ۶۴۲	۳۰۶، ۳۶۷، ۳۹۶، ۴۰۸، ۴۱۲، ۴۲۷
۶۵۷	۴۲۸، ۴۳۴، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۳، ۴۴۹
باغبان: ۳۶۷	۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۸، ۴۶۰، ۴۶۳، ۴۶۴
باقی: ۲۵۸	۴۷۳، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۳۵، ۵۴۲، ۵۴۴
بخشش: ۲۷۴	۵۷۲، ۶۳۲، ۶۷۶
بخشندگی: ۸، ۲۸۴	بیت المقدس: ۱۱۱، ۱۱۵
برادری: ۱۳۴	بی نهایت: ۴۶۰
براق: ۵۷۶	بی نیاز: ۷۰۴
برانگیخته شدن: ۵۲۰، ۵۲۲	بی هوش: ۵۲۲، ۵۲۴
بردباری: ۱۹۲، ۳۷۱، ۴۲۲	پاسخ: ۲۷۵، ۲۷۹
برکت: ۹۷، ۲۱۰، ۳۶۵	پاکدامن: ۱۲۶، ۳۰۶، ۳۶۶، ۳۶۷
برگزیدگان: ۴۳۶	پدر: ۳۳۱
بشارت: ۴۵۸	پرده: ۲۵۶، ۶۵۵
بشر: ۲۲۰، ۳۱۰	پرستش: ۴، ۴۶، ۱۲۶، ۲۵۸، ۲۷۵، ۲۷۹
بشیر: ۴۱۷	پزندگان: ۳۷
بصیرت: ۱۸، ۳۰۲	پرهیزکار: ۸۵، ۲۹۱
بعثت: ۱۵۵	پرواز: ۴۶، ۴۸۴، ۵۷۴
بقا: ۲۶۰، ۲۸۱، ۳۷۲، ۴۳۴، ۴۵۴، ۵۰۶	پروردگار: ۱۷۸
بندگی: ۲۶، ۱۲۷، ۲۱۲، ۲۱۶، ۲۱۹	پرورش: ۱۱۵، ۱۱۸، ۴۷۰
۲۵۸، ۲۵۹، ۲۷۱، ۲۹۷، ۳۸۶، ۴۲۹	پرورش دهنده: ۱۴، ۱۵، ۷۳، ۱۱۹
۴۷۹، ۵۰۵، ۵۵۲، ۵۹۶	۲۱۱، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۸، ۲۶۱، ۴۷۸
بنده: ۳۰۱، ۳۲۸، ۳۳۸، ۵۵۲	۵۵۶، ۵۶۶
بنی اسرائیل: ۴۹۲	پشه: ۳۴
بهائم: ۱۹۸	پند: ۲۴۵
بهشت: ۵۸، ۷۱، ۸۴، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۴	پوشش: ۴۱۲



اشارات مجموعه عبارات نغز عرفانی از کتاب «لطایف قرآنی»

پیامبر(ص): ۲۴، ۷۹، ۸۶، ۲۶۳، ۳۲۷، ۳۴۲، ۳۴۳، ۴۱۷، ۵۶۴، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۷۰، ۶۷۱	تسبیح: ۳۵۳
پیامبران: ۸۱، ۱۹۵، ۲۹۳، ۳۲۲، ۳۷۰، ۴۸۹، ۴۹۳، ۵۵۶، ۵۸۳، ۶۶۳	تسلیم: ۱۰۸، ۱۳۰، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۷۵، ۱۹۱، ۲۵۰، ۲۷۸، ۳۳۱، ۳۳۴، ۳۴۶، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۵، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۷۴، ۴۵۳، ۴۵۸، ۴۶۹، ۴۹۷، ۵۱۳، ۵۴۴، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۶۰۱، ۶۰۷، ۶۱۴، ۶۲۲
پیرو: ۸۵، ۳۹۷	تسنیم: ۴۵۴
پیشوایان: ۲۰۴، ۵۹۹، ۶۸۰	تصدیق: ۶۶، ۸۱، ۱۱۵، ۴۴۸
پیمان: ۲۰۸، ۲۱۵، ۲۱۶	تطهیر: ۵۹
پیوند: ۱۹۹	تعلقات: ۱۷۷، ۲۴۳، ۲۵۰، ۲۵۹، ۲۷۵، ۳۰۵، ۳۷۴، ۳۹۱، ۴۸۵، ۵۰۰، ۵۹۱
تاج کرّمنّا: ۷۱۰	۵۹۲
تاریخ: ۱۴۹، ۲۳۱، ۲۸۸، ۳۷۹	تعلیم: ۵۵، ۲۷۵، ۲۸۵، ۵۷۶، ۵۸۸
تاریکی: ۱۳۲، ۲۱۵، ۵۱۲، ۵۱۹	تفرقه: ۴۴۸، ۴۹۳
تاویل: ۸۹، ۹۲، ۹۶، ۲۸۲، ۳۷۰	تفریط: ۲۰، ۲۵، ۲۹، ۲۳۴، ۲۳۵، ۳۴۳
تأیید: ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۳۰۸	تفسیر: ۸۸
تجلی: ۷۳، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۴	تفکر: ۲۰۶، ۴۲۳، ۵۴۱
تدبیر امور کائنات: ۵	تقرّب: ۶۰۰
تربیت: ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۲۵، ۱۶۲، ۳۶۵، ۴۴۶، ۳۶۶	تقوا: ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۵۹، ۲۱۲، ۵۹۶
تردید: ۳۳۰	تقیه: ۱۴۹
ترس: ۱۴۳، ۱۷۶، ۵۲۴	تکامل: ۵
تزکیه: ۱۱۰، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۷، ۲۵۲، ۳۰۳، ۴۷۹، ۴۸۶، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۵۸۸، ۵۹۲، ۶۰۱، ۶۶۱، ۶۸۲، ۶۸۴	تکبر: ۲۸۰، ۳۵۵
	تکذیب: ۱۷، ۱۴۶، ۲۳۹، ۲۹۵، ۳۵۵، ۴۲۲، ۴۴۸، ۴۸۴، ۵۹۵، ۶۰۲، ۶۷۸
	تکذیب کننده: ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸



فهرست موضوعی اشارات

جذبه: ۴۳۵	۵۱۲
جست وجو: ۲۸۹	تکفیر: ۲۳۲، ۴۸۴
جسم: ۳۱۱، ۳۱۰، ۳۰۹، ۱۱۸	تکلیف: ۶۴۳
جلال: ۳۴، ۴۹، ۷۴، ۷۶، ۱۴۴، ۴۱۳	تلقین: ۳۳۰
۴۲۷، ۴۲۸، ۵۰۸، ۶۷۷	تمسک: ۱۲۹، ۱۳۰
جلوه: ۵۵، ۶۳، ۱۷۱، ۳۳۹	تندخویی: ۲۴۷
جمال: ۲، ۱۳، ۱۸، ۴۹، ۵۹، ۷۳، ۷۴	تنفر: ۱۶۵، ۴۸۴، ۶۸۳
۷۶، ۹۵، ۱۱۰، ۱۲۲، ۱۳۶، ۱۴۴، ۱۵۱	تهذیب نفس: ۶۲۰
۱۸۹، ۲۱۸، ۲۲۶، ۲۴۲، ۲۵۶، ۲۸۲	توبه: ۵۱، ۱۶۶، ۱۶۸، ۲۲۳، ۵۶۳
۲۹۰، ۳۰۰، ۳۳۸، ۳۶۳، ۴۱۳، ۴۲۷	توجه: ۵۰، ۱۵۲، ۳۰۶، ۵۸۵
۴۲۸، ۴۵۶، ۴۶۰، ۴۶۴، ۴۶۹، ۴۸۲	توحید: ۱۳۲، ۱۵۵، ۲۵۴، ۳۲۵، ۳۷۹
۴۹۷، ۵۰۶، ۵۰۸، ۵۱۹، ۵۲۹، ۵۴۵	۵۸۵، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۶۳، ۶۹۵، ۶۹۶
۵۵۱، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۴، ۵۷۹، ۵۸۳	تورات: ۲۹، ۱۰۵، ۱۷۳، ۲۳۵، ۴۲۱
۶۷۷، ۷۱۰	تولد: ۱۶۸، ۱۷۸
جمیل: ۷۰، ۱۶۰	ثابت قدم: ۹۶، ۲۰۹
جن: ۲۷، ۳۶، ۱۱۳، ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۱۸	ثروت: ۳۸۲
۲۱۹، ۲۲۲، ۲۳۳، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۹۵	ثمرات: ۲۱۱، ۲۱۶، ۴۳۵
۳۶۸، ۳۸۲، ۳۸۸، ۳۸۹، ۴۳۲، ۴۳۳	جاذبه: ۲۴۵، ۲۴۶
۵۹۴، ۵۹۷، ۶۲۳، ۶۲۶، ۶۵۳، ۶۹۱	جام: ۴۵۱، ۴۵۲
۶۹۴	جام جهان نما: ۴۸۵، ۶۵۷
جنت: ۲۲۱، ۴۲۶، ۴۴۱، ۴۵۹	جامعه: ۱۵۰، ۱۵۱
جنگ: ۲۹۴	جاودانگی: ۳۵۲، ۴۶۰، ۴۶۱
جهالت: ۲۱۵	جایگاه: ۵۲، ۵۴، ۱۱۷، ۱۴۴، ۱۶۱
جهان: ۵۵، ۱۲۱، ۳۳۷، ۵۳۲	۲۱۵، ۲۳۰
جهل: ۳۶۳	جبرائیل (ع): ۷۷، ۱۶۴، ۴۱۷، ۶۱۰
جهنم: ۲۱۴، ۳۵۵، ۳۵۸، ۵۱۷، ۵۱۹	جبروت: ۳۴، ۳۸۶، ۶۰۴



اشارات مجموعه عبارات نغز عرفانی از کتاب «لطایف قرآنی»

۴۴۹، ۴۴۰، ۴۳۵، ۴۳۳، ۴۲۹، ۴۲۷، ۶۸۰، ۶۷۹، ۶۷۶، ۶۳۲، ۶۲۵، ۵۴۷	جوان: ۲۶۶، ۳۶۹، ۳۷۲
۵۸۴، ۵۷۴، ۵۳۰، ۴۷۸، ۴۵۲، ۴۵۰	جوانمرد: ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۶۱، ۲۹۱، ۳۶۷، ۳۶۸، ۴۶۹، ۵۳۹، ۶۲۳، ۶۴۸
۶۲۲، ۶۲۶	چوینده: ۲۷۳، ۲۸۲
حساب: ۴۶۳	چپ: ۳۹۸، ۴۰۱
حسن (ع): ۵۲۷، ۶۴۷	چراغ: ۳۴۴، ۳۸۵، ۴۸۱
حسین (ع): ۵۲۷، ۵۲۹، ۶۴۷	چراغدان: ۳۴۰
حق: ۱۵، ۱۸، ۴۰، ۱۱۲، ۱۲۸، ۱۲۹، ۲۲۷، ۱۷۲، ۱۵۲، ۱۵۱، ۱۵۰، ۲۴۸، ۲۴۸، ۲۵۸، ۲۷۱، ۲۷۶، ۲۹۹، ۳۷۲، ۳۷۴، ۴۹۳، ۴۷۳، ۴۳۲، ۴۱۰، ۳۸۶، ۵۱۲، ۵۲۳، ۶۲۵، ۶۳۰، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۸، ۶۸۷، ۶۹۹	چشم: ۴۳۲
حق الیقین: ۶۲۷، ۶۳۰، ۶۳۲	چشمه: ۴۲۹، ۴۳۱، ۴۵۴، ۵۴۳
حقایق: ۸۰، ۹۲، ۱۰۱، ۲۲۵، ۲۴۴، ۲۵۴، ۲۵۸، ۳۴۸، ۳۸۸، ۴۱۴، ۴۸۵، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۴۲، ۶۵۷، ۶۸۴	چهره: ۶۰۲
حقیقت: ۲۳۳، ۲۴۸، ۲۸۷، ۳۵۶، ۴۰۰	چوپان: ۲۵۰، ۲۵۱
حکم: ۷۱، ۱۴۷	حب: ۷۰۰
حکمت: ۳۵، ۱۰۵، ۱۷۳، ۲۳۸، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۴، ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۸۴، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۲، ۳۰۳، ۳۱۹، ۳۳۴، ۳۴۵، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۵۷۲، ۵۸۹، ۵۹۰، ۶۵۴، ۶۵۶	حباب: ۳۴۰
	حبل الله: ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۵
	حبیب الله (ص): ۳۴۲
	حجاب: ۸۷، ۱۰۱، ۲۹۰، ۴۱۵، ۴۶۸، ۶۳۲
	حجت: ۲۷۲، ۴۴۲، ۶۱۶، ۶۷۱
	حد: ۸۱
	حرکت: ۶، ۳۳۹
	حریم: ۴۹، ۱۶۷، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۶، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۷۸، ۲۸۹، ۳۰۷، ۳۲۴، ۳۵۹، ۳۶۸، ۳۷۶، ۳۸۷، ۳۸۹، ۴۲۵



فهرست موضوعی اشارات

۶۷۵	۵۵۳، ۵۸۴، ۶۲۶، ۶۵۰
حکومت: ۲۹۸	خضر(ع): ۱۰۴، ۲۰۱، ۲۳۲، ۲۵۵،
حمد: ۳، ۵۳۱	۲۶۵، ۲۶۷، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۳،
حنیف: ۳۴۳	۲۷۴، ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۵،
حوّا(س): ۴۸، ۴۹	۲۸۷، ۲۸۹، ۲۹۱، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۸۴،
حواری: ۳۲۳	۴۲۰، ۴۲۱، ۴۴۲، ۵۴۵، ۵۶۲
حورالعین: ۴۳۵	خطا: ۳۱۷، ۳۹۲
حوریه: ۵۸۲	خطاب: ۵۳۷
حیات: ۶، ۴۶۵، ۵۲۱	خلق: ۴۷، ۴۱۰، ۵۷۲
حیات طیبه: ۲۱۶، ۶۰۱، ۶۶۸	خلقت: ۳۹، ۴۰، ۵۸، ۲۱۷، ۲۲۸، ۵۳۷،
حیات بخش: ۱۲، ۴۴۶	۵۹۱، ۶۰۴
خاتم: ۴۸۹	خلود: ۴۶۰، ۴۶۱
خاشع: ۵۴۴	خلوص: ۳۳۱
خاضع: ۵۵۳	خلیفه الله: ۶۷، ۲۲۳، ۵۰۸، ۶۷۵، ۷۱۰
خاک: ۲۱۷، ۲۲۰، ۲۲۵، ۳۸۸، ۵۱۰	خواب: ۳۳۰، ۵۴۰
۵۴۴، ۶۴۶	خواستہ: ۳۹۳
خالق: ۱۱	خودبینی: ۲۹۰
خبر بزرگ: ۵۳۴	خودسازی: ۳۷۴
خیث: ۲۰۲	خودشناسی: ۳۲۵
خدا: ۳۴۱	خوراک: ۲۰۶، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۵
خداشناسی: ۳۲۵	خورشید: ۲۰۵، ۲۴۳، ۲۹۸، ۳۷۸،
خدای واحد: ۳۲۸	۵۷۵، ۷۰۶
خدمتگزار: ۳۸۶	خوف: ۵۲۴
خدیجه(س): ۶۴۰	خون: ۲۳۲
خشکی: ۳۱۲	خون بسته: ۵۹۱
خشم: ۲۳۷، ۳۸۲، ۴۳۳، ۴۴۷، ۵۰۱،	خیر: ۲۱۰



اشارات مجموعه عبارات نغز عرفانی از کتاب «لطایف قرآنی»

دین: ۱۲۸، ۱۵۶، ۲۳۸، ۲۹۳، ۳۲۲، ۳۵۶، ۴۷۴، ۴۸۴، ۵۷۳، ۶۶۶	خیر کثیر: ۴۷۸، ۶۳۷ دَم: ۳۳۱
دین دار: ۲۹۳، ۴۶۶	دَم مسیحایی: ۷۱۳
دیوار: ۲۸۲	دافعه: ۲۴۵، ۲۴۶
ذات: ۷۰۳، ۷۰۸، ۶۹۷	درب: ۳۵۴
ذبح: ۳۳۰، ۳۳۵	درخت: ۲۰۷، ۲۳۱
ذبح عظیم: ۳۳۵	دروغگو: ۵۹۹
ذکر: ۴۵۳	درون: ۱۶۰
ذوالقرنین: ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۴، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸	دریا: ۳۹، ۹۱، ۱۸۶، ۱۹۲، ۳۱۳، ۳۷۱
راست: ۳۹۸، ۴۰۲	۳۷۲، ۴۲۰
راسخان در علم: ۸۹، ۹۶، ۱۰۲	دستگیره: ۱۳۰
راه نجات: ۴۶	دعا: ۲۵۴
راه و روش: ۲۷۹	دعوت: ۲۴۱، ۲۴۸، ۲۹۳، ۳۴۹، ۵۵۴
راهنما: ۱۱۰	دل: ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۲۲، ۱۷۷، ۲۷۵، ۲۹۰، ۳۰۹، ۳۱۱، ۳۴۷، ۴۸۷، ۴۸۸
راهنمایی: ۳۸۴، ۶۱۱	۴۸۹، ۴۹۴، ۵۴۵، ۵۴۷، ۵۵۷، ۵۸۸
رأفت: ۹، ۲۴۷، ۲۸۴، ۳۸۲، ۴۵۴، ۵۵۳	۶۷۲
رب: ۱۴، ۵۱، ۷۳، ۱۴۰، ۱۷۳، ۱۷۷	دلبستگی: ۱۵۲، ۱۶۰، ۵۹۱
ربوبیت: ۱۴، ۲۵۵، ۴۳۴	دنیا: ۱۶، ۳۰، ۳۱، ۱۳۱، ۱۹۲، ۲۱۶
رجعت: ۳۴۹	۳۴۹، ۳۶۸، ۴۰۳، ۴۲۴، ۴۳۲، ۴۵۰
رحمان: ۲، ۵، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۷، ۲۱	۴۶۲، ۴۶۷، ۵۲۲، ۵۵۹، ۶۰۰، ۶۰۱
۲۶، ۷۰، ۱۱۸، ۱۴۵، ۲۰۳، ۲۱۳، ۲۱۴	۶۰۳، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۳۲، ۶۴۹، ۶۶۶
۲۲۸، ۲۷۳، ۲۹۷، ۳۴۹، ۳۵۳، ۳۶۱	دهان: ۴۵۲
۳۸۱، ۴۰۹، ۴۴۴، ۴۷۶، ۴۸۴، ۵۰۸	دوزخ: ۶۸، ۷۱، ۲۲۱، ۳۰۵، ۳۵۲، ۳۵۴
۵۰۹، ۵۱۶، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۵۱، ۵۶۴	۳۵۵، ۴۰۸، ۴۷۳، ۵۱۸، ۶۴۹
	دیده بان: ۳۹۹



فهرست موضوعی اشارات

رشد: ۱۲۱، ۳۲۸، ۳۳۷، ۴۴۶	۵۶۷، ۶۰۴، ۶۰۹، ۶۱۶
رگ گردن: ۴۰۰	رحمانیت: ۱۴، ۱۵، ۳۳، ۳۴، ۷۱، ۱۴۴
رنج: ۳۵۵	۳۲۷، ۳۳۸، ۴۲۸، ۵۰۸، ۵۱۶
رهایی: ۱۸۰	رحمت: ۱۹۳، ۲۴۴، ۲۵۹، ۲۷۴، ۳۵۳
رهرو: ۳۸۴، ۴۱۳، ۴۵۶، ۴۸۲، ۵۰۹	۳۵۷، ۳۸۲، ۳۹۱، ۴۶۸، ۵۴۰، ۶۱۶
۷۱۳	رحمت خاص: ۹
رَوح: ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۵۹، ۶۱۵، ۶۳۲	رحمت عام: ۸
روح: ۱۱۲، ۱۱۸، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۵۹	رحیم: ۲، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۰، ۱۳، ۵۱
۱۷۳، ۲۲۰، ۲۳۵، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۹۸	۱۳۷، ۲۲۲، ۴۷۶
۳۰۲، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۳۲، ۳۸۲، ۳۸۵	رحیمیت: ۱۴، ۳۳، ۳۴، ۱۱۵، ۱۴۴
۳۸۸، ۳۹۰، ۳۹۳، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۲	۳۲۷، ۴۲۸، ۴۶۳، ۵۰۶، ۵۰۸، ۵۱۶
۴۰۳، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۲۶، ۴۳۴، ۴۷۰	۵۵۱، ۵۷۴
۵۳۵، ۵۳۷، ۵۴۰، ۶۱۱	رزق: ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۲۶۴، ۳۱۲
روح الامین: ۷۹، ۱۶۴، ۴۱۷، ۴۸۰، ۶۱۰	۳۱۳، ۳۸۰
روح القدس: ۷۹، ۱۶۴، ۴۱۷، ۴۸۰، ۶۱۰	رزق کریم: ۳۱۹، ۳۲۰
روحانیان: ۱۱۴، ۱۲۳، ۳۸۶، ۳۸۷، ۵۳۱	رسالت: ۸۶، ۱۴۸، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۶
روحانیت: ۱۰، ۴۲، ۳۱۴، ۴۷۷، ۶۲۴	۱۸۷، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۸، ۲۴۳، ۳۰۸
۶۹۶	۳۷۰، ۳۸۱، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۸، ۴۱۹
روح قدسی: ۶۴، ۱۲۵، ۱۸۰، ۱۸۲	۴۲۰، ۴۸۳، ۴۹۷، ۵۲۶، ۵۵۴، ۵۵۵
۱۸۶، ۱۸۷، ۲۱۹، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳	۵۶۲، ۶۶۳، ۶۶۷
۲۲۴، ۲۲۹، ۲۳۳، ۲۳۶، ۲۴۰، ۲۷۴	رسول: ۱۹۷، ۳۷۷، ۵۸۸، ۵۹۲
۲۹۵، ۳۰۲، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸	رسول خدا(ص): ۲۳، ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۳۴
۵۰۶، ۵۲۸، ۶۰۹	۱۳۵، ۱۸۴، ۱۸۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۴۸
روز: ۳۷۸، ۴۲۰	۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۴۰۸، ۴۱۰، ۴۱۴
روز جزا: ۴۰۷	۴۱۶، ۴۱۹، ۴۷۰، ۵۷۶، ۶۱۰، ۶۵۶
روز حشر: ۵۱۹، ۵۹۸	۶۶۹، ۶۷۳



اشارات مجموعه عبارات نغز عرفانی از کتاب «لطایف قرآنی»

زندگی: ۳۵۲، ۵۴۶	روز قیامت: ۵۹۷
زهره: ۶۶۲، ۶۵۸	روزی: ۲۰۷
زیارت: ۶۲۰	روشنایی: ۱۷
زیبا: ۴، ۶، ۱۳، ۱۷، ۱۸، ۱۶۰، ۳۳۷، ۳۹۳، ۴۰۴، ۴۵۷، ۶۷۶، ۶۷۸	رؤیت: ۶، ۱۰۱، ۱۲۲، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۴۱۱، ۴۰۹، ۲۹۰، ۲۸۷، ۲۵۶، ۱۸۸
زیتون: ۵۸۴، ۵۷۰، ۵۶۸، ۳۴۴	۴۱۲، ۴۱۶، ۴۱۸، ۴۱۹، ۵۷۶، ۶۲۵
سابقان: ۱۹، ۳۵۰، ۴۳۶، ۴۳۸	۶۲۹، ۶۳۲، ۶۵۶، ۶۵۹، ۶۶۱
ساحل: ۱۹۲	ریاضت: ۳۱، ۳۷۴
سالک: ۳، ۴، ۱۵، ۱۸، ۱۶۲، ۱۸۰، ۲۴۰، ۳۷۴، ۳۸۳، ۳۹۷، ۴۵۵، ۴۵۷	ریحان: ۴۲۶، ۴۳۴، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۵۹، ۶۱۵، ۶۳۲
۴۹۷، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۱۶، ۵۱۹، ۵۳۰، ۵۵۲، ۶۰۱، ۶۰۷، ۶۲۴، ۶۳۳	رسمان: ۱۲۹
۶۵۲، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۹۱، ۷۰۳	ریشه: ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۳۱
ستاره: ۳۰۵، ۳۴۰، ۳۴۲، ۳۸۵، ۴۶۲، ۶۸۶	زبان: ۶۶۰
ستمگر: ۲۹۴	زشت: ۱۷، ۱۵۳، ۱۶۰، ۴۰۴، ۴۵۷، ۶۰۲، ۶۷۸، ۷۱۳
سجده: ۴۲، ۶۸، ۲۴۰، ۶۰۰، ۶۰۲	زکریا(ع): ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۱، ۳۰۶
سحرخیزی: ۶۰۵	زلیخا: ۳۲۹
سخن: ۴۰، ۲۵۶	زمان: ۲۷۲، ۳۰۲، ۳۷۸
سد: ۲۹۶، ۲۹۸	زمین: ۵، ۷، ۷۹، ۱۱۳، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۱۰، ۲۱۳، ۲۷۲، ۲۹۴، ۳۰۵، ۳۶۱
سدر: ۴۴۴	۳۷۸، ۳۸۰، ۳۸۳، ۴۴۲، ۵۰۷، ۵۱۷
سدرۃالمنتهی: ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۸، ۵۷۶	۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۵، ۵۷۲، ۶۸۶، ۷۰۶
سر: ۳۳۱	زن: ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۲۱، ۱۲۵، ۳۰۰، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۴۳۲
سر به مهر: ۱۴۵	۴۳۳، ۴۳۵، ۴۶۲، ۴۶۷، ۵۳۹، ۵۸۱
سرپرست: ۱۲۵	۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۶۴۶، ۶۵۳
سرزمین: ۲۰۷، ۲۱۳	



فہرست موضوعی اشارات

سورہ علق: ۵۸۵	سعادت: ۴۰۳
سورہ فلق: ۶۵۲، ۶۹۲، ۶۹۳	سفر: ۲۹۴، ۳۷۷، ۴۱۲
سورہ کہف: ۲۶۴، ۲۸۹	سقوط: ۲۲۸، ۲۴۷، ۳۹۴، ۵۰۹، ۵۱۹
سورہ کوثر: ۶۳۵، ۶۵۱، ۶۵۲	سکوت: ۲۷۸
سورہ ناس: ۶۵۲، ۶۹۲، ۶۹۴	سگ اصحاب کہف: ۲۶۲
سوق دہندہ: ۴۰۵	سلاح: ۶۹۲
سیارہ: ۶۸۶	سلام: ۴۴۹
سیدالاولیاء: ۱۹۶	سلامت: ۵۱، ۵۴، ۳۵۷، ۴۳۰، ۴۳۱
سیر: ۵، ۳۷۰، ۳۷۷، ۳۸۱، ۴۳۸، ۵۶۵	۶۱۸، ۶۹۲
۵۶۶، ۵۶۷، ۵۷۶، ۶۸۶، ۷۰۳	سلسبیل: ۴۵۳
سیرت: ۱۹۸، ۵۳۸	سلسلہ: ۳۴۶
سیما: ۱۸۸، ۵۹۷	سلوک: ۲۵۵، ۲۵۷، ۲۷۸، ۲۹۱، ۳۰۷
سینہ: ۳۴۰	۳۷۶، ۳۸۱، ۴۱۰، ۴۵۳، ۴۶۰، ۴۹۷
شکر: ۱۲۷، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۷، ۳۶۰	۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۷
۴۷۳، ۴۷۹، ۶۶۹، ۶۷۶	۵۰۹، ۵۱۷، ۵۱۸، ۶۳۴، ۷۱۰
شادمان: ۳۱۷، ۴۲۹	سلیمان(ع): ۳۵، ۳۶، ۳۷
شاهد: ۴۰۵، ۵۲۳	سنت: ۳۴۳
شب: ۳۷۸، ۴۲۰، ۶۰۵	سنگ: ۴۶۲، ۶۸۰
شب قدر: ۶۰۷، ۶۱۳، ۶۱۶، ۶۱۷	سہ شعبہ: ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۵
شجاعت: ۲۹۲، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹	سورہ اصحاب کہف: ۲۴۹
شجرہ خیثہ: ۶۰، ۲۰۴، ۲۱۳، ۴۴۵	سورہ آل عمران: ۷۷
شجرہ زقوم: ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۱۳، ۲۱۴	سورہ بقرہ: ۳۴
۴۴۵	سورہ توحید: ۶۵۱، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱
شجرہ زیتون: ۳۴۴	۶۹۲، ۶۹۵، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۳
شجرہ طیہ: ۶۰، ۱۰۷، ۲۰۳، ۲۰۸	سورہ حدید: ۷۰۷، ۷۰۸
۴۴۴	سورہ حمد: ۱، ۲، ۷۰۹



اشارات مجموعه عبارات نغز عرفانی از کتاب «لطایف قرآنی»

شجره مبارکه: ۲۰۳، ۲۰۵، ۳۴۱، ۳۴۴، ۶۰۹	۴۴۴
شعبه: ۶۹۳	
شجره منهی: ۶۸	
شعله: ۲۰۶، ۲۱۷، ۲۲۰، ۲۲۵، ۲۶۶	شراب: ۴۵۱، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۶۵
۲۹۶، ۴۳۹	
شفاعت: ۵۳۶	شرح صدر: ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱
شفقت: ۶۷۴	۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۹
شقاوت: ۴۰۳	۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴
شک: ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۱۴	شرع: ۱۴۷
۱۲۵، ۱۳۳، ۱۵۸، ۱۸۰، ۲۴۴، ۲۹۰	شرقی: ۳۴۳
۳۷۹، ۴۱۳، ۴۵۳، ۴۸۷، ۵۵۸، ۶۲۲	شرک: ۲۶، ۹۸، ۱۰۰، ۱۲۵، ۱۳۲
۶۶۳	۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۷۹
شکم: ۳۰۹، ۳۱۱	۲۴۳، ۲۵۰، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۹۰، ۳۷۳
شناخت: ۵۶، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۲۸۳	۳۷۴، ۳۷۹، ۴۱۳، ۴۵۳، ۴۶۷، ۴۷۹
۳۲۵، ۴۶۷	۴۸۷، ۵۵۷، ۵۵۸، ۶۲۲، ۶۶۳، ۶۶۶
شناسنامه: ۶۸۹	۶۶۷، ۶۸۱، ۷۰۵
شهاب ثاقب: ۳۸۹	شریعت: ۲۰، ۲۳، ۳۱، ۳۴، ۵۹، ۸۲
شهادت: ۳۶۲	۱۰۰، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۴۲، ۱۴۶
شهوت: ۱۶۱، ۲۰۶، ۲۳۷، ۲۵۰، ۳۸۲	۱۴۷، ۱۵۰، ۱۵۷، ۱۶۳، ۱۶۹، ۱۷۳
۴۳۳، ۴۴۷، ۵۰۱، ۵۸۴، ۶۲۶، ۶۳۲	۱۷۹، ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۰۵، ۲۳۰، ۲۳۲
۶۴۹، ۶۵۰	۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۵، ۲۴۸
شهود: ۷۸، ۵۰۶	۳۰۳، ۳۱۲، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۸
شیخ الانبیاء: ۱۹۵	۳۱۹، ۳۲۱، ۳۲۴، ۳۳۹، ۳۵۶، ۴۱۵
شیر: ۴۶۵	۴۲۱، ۴۲۲، ۴۶۸، ۴۷۱، ۴۷۴، ۴۷۵
شیطان: ۴۸، ۲۰۴، ۲۱۵، ۲۲۰، ۲۲۶	۴۷۶، ۴۸۳، ۴۹۰، ۵۱۳، ۵۱۹، ۵۲۳
۳۸۸، ۳۸۷، ۳۶۸، ۳۴۹، ۳۳۰، ۲۲۸	۵۲۶، ۵۳۳، ۵۵۴، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۴
۳۸۹، ۳۹۱، ۴۴۵، ۴۴۷، ۵۶۶، ۶۲۳	۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۸۴، ۵۸۹



فہرست موضوعی اشارات

۶۲۶، ۶۹۱	۷۱۳
صابر: ۶۲، ۶۵، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۷۷،	صورتگر: ۷۱۲
۲۹۵، ۲۹۹، ۳۳۲، ۶۰۱	ضالت: ۱۹۳، ۲۴۷، ۳۵۱
صاحب امانت: ۳۶۰	ضمیر: ۳۳۹، ۵۳۲، ۵۴۶، ۵۴۹
صبر: ۵۰، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۷۵، ۱۸۵،	طاغوت: ۲۰۶
۱۸۸، ۱۹۱، ۲۴۰، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸،	طبقات آسمان: ۳۸۲
۲۸۶، ۳۳۰، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۶۹،	طریق: ۱۸۹
۳۷۱، ۳۷۶، ۴۲۱، ۴۵۰، ۴۵۸، ۵۵۹،	طریقۃ: ۳۴، ۲۷۸
۵۶۰، ۵۶۲، ۵۹۰، ۶۳۱، ۶۳۲	طعام: ۲۶۸، ۳۱۱، ۳۱۵
صحرا: ۱۴۸	طلب: ۲۷۳
صدیق: ۱۹۸، ۲۵۱	طہارت: ۱۹، ۸۵، ۸۹، ۹۴، ۹۶، ۱۱۵،
صداقت: ۹۶، ۱۹۹، ۲۱۲، ۶۰۵، ۶۳۶	۱۲۱، ۱۲۶، ۱۵۰، ۱۶۱، ۲۳۸، ۲۳۹،
صدق: ۲۹۰، ۶۶۸	۳۰۰، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۶۶، ۳۸۴، ۴۲۴،
صراط: ۵۰۶	۴۸۶، ۴۸۸، ۴۹۲، ۴۹۵، ۵۷۲، ۵۸۲،
صراط حمید: ۱۶۲، ۴۵۶، ۴۸۱، ۵۵۹	۵۸۸، ۵۹۰، ۵۹۳، ۵۹۴، ۶۰۰، ۶۰۵،
صراط مستقیم: ۴، ۱۸، ۲۰، ۲۱، ۲۳،	۶۲۵، ۶۳۶، ۶۸۲، ۶۸۴، ۶۸۸، ۷۱۳
۲۴، ۲۵، ۲۹، ۸۳، ۱۶۲، ۲۳۳، ۲۳۵،	طیب: ۲۰۲، ۳۰۹
۴۵۶، ۴۸۱، ۵۵۹، ۶۲۵	ظاہر: ۵۹، ۸۰، ۱۱۸، ۱۳۹، ۱۴۴، ۱۹۴،
صعود: ۳۵۳، ۳۹۵، ۵۱۵، ۵۶۵، ۵۶۷	۲۱۰، ۲۱۷، ۲۲۷، ۲۵۸، ۲۹۱، ۳۰۹،
صفات: ۲۲۷، ۶۸۵، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹،	۳۱۰، ۳۳۷، ۳۳۹، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۲۵،
۷۰۰، ۷۰۸	۴۲۶، ۴۲۷، ۴۶۶، ۴۶۸، ۴۷۷، ۴۹۷،
صمد: ۷۰۴	۵۳۳، ۵۸۷، ۵۹۱، ۶۴۲
صور: ۴۰۷، ۵۲۰، ۵۲۲، ۵۲۴	ظاہرین: ۱۴۵
صورت: ۱۶، ۱۹۸، ۳۵۲، ۳۵۸، ۳۶۵،	ظرفیت: ۲۸۵
۴۰۴، ۴۰۷، ۵۱۹، ۵۲۳، ۵۲۵، ۵۳۲،	ظلم: ۱۵۴، ۳۵۵، ۴۳۶
۵۷۱، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۶۰۱، ۶۷۵،	ظلمت: ۱۷، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۵۷، ۲۳۰،



اشارات مجموعه عبارات نغز عرفانی از کتاب «لطایف قرآنی»

عالم ملکوت: ۴۸۱، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۷، ۵۱۴، ۵۱۵	۴۰۸، ۴۷۹، ۵۰۳، ۵۱۲، ۵۶۶
عالم ناسوت: ۳۸۵، ۳۸۲	عارف: ۲۹۵، ۴۹۰، ۶۰۵
عالم نباتی: ۴۴، ۴۵، ۳۵۲، ۳۵۴، ۳۸۲	عاشق: ۱۶۲، ۳۴۱
۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۷، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲	عالم: ۴۱، ۴۴، ۷۲، ۳۳۷، ۳۴۸، ۳۵۲
۵۱۳، ۵۱۹، ۵۹۶، ۶۹۳، ۷۱۳	۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۴۳۲، ۶۰۳، ۶۳۹
عالم هستی: ۱۱، ۶۶۴، ۶۸۷، ۶۸۹	۶۵۷
۷۰۵	عالم اسفل: ۳۸۴
عبادت: ۱۷، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۷، ۲۱۸	عالم اعلی: ۳۸۴، ۵۶۷
۴۱۰	عالم انسانی: ۴۴، ۴۵، ۶۴، ۲۳۶، ۳۰۵
عبادی: ۱۱۷	۳۰۷، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۷، ۵۱۰، ۵۱۱
عبودیت: ۲۶، ۱۴۰، ۱۷۹، ۳۰۳، ۵۸۵	۵۱۵، ۵۱۴
۶۰۷	عالم جبروت: ۲۶۸، ۳۸۲، ۵۰۶، ۵۰۷
عترت: ۳۲۳	۵۱۵، ۵۱۴
عدالت: ۱۶، ۴۷۳	عالم جمادی: ۴۴، ۴۵، ۳۵۲، ۳۵۴
عذاب: ۱۶۷، ۱۹۳، ۱۹۸، ۲۵۳، ۳۲۶	۳۸۲، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۷، ۵۱۰، ۵۱۱
۳۵۱، ۳۵۲، ۴۲۳، ۴۶۸، ۶۰۸	۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۹، ۵۹۶، ۶۹۳، ۷۱۳
عرش: ۱۵، ۵۱۶، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸	عالم حیوانی: ۴۴، ۴۵، ۳۵۲، ۳۵۴
۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۳، ۶۴۱، ۶۴۴، ۶۴۷	۳۸۲، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۷، ۵۱۰، ۵۱۱
عرفان: ۲۹۹، ۳۷۹، ۵۳۸	۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۹، ۵۹۶، ۶۹۳، ۷۱۳
عروج: ۴۱۰، ۴۱۹	عالم خاک: ۵۸۲
عروة الوثقی: ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۵	عالم سُفلی: ۵۶۶
عزازیل: ۴۷، ۲۲۰	عالم کثرت: ۷۰۱
عسل: ۴۶۵	عالم لاهوت: ۳۸۲، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۱۶
عشق: ۱۸، ۴۶، ۱۱۴، ۱۳۰، ۱۷۱، ۲۰۵	عالم مُلک: ۲۳۷، ۳۸۵، ۴۸۱، ۴۹۸
۲۰۷، ۲۵۶، ۲۶۷، ۲۹۰، ۲۹۶، ۳۱۵	۵۷۱، ۵۷۲
	عالم ملائکه: ۳۸۲



فہرست موضوعی اشارات

۳۱۸، ۳۲۱، ۳۲۹، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۴	عمر: ۲۶۱، ۳۵۰، ۳۵۱
۳۴۷، ۳۵۰، ۳۶۲، ۳۷۱، ۳۹۷، ۴۲۴	عمل: ۱۴۰
۴۲۹، ۴۴۱، ۴۴۶، ۴۵۲، ۴۶۵، ۴۷۹	عمل صالح: ۵۷۸، ۵۷۹
۴۸۷، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۴، ۴۹۷	عوالم باطن: ۷
۵۰۴، ۵۳۸، ۵۵۰، ۵۵۳، ۵۸۳، ۵۸۹	عوالم ظاہر: ۷
۵۹۹، ۶۴۱، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۵۶، ۶۵۹	عوالم ہفت گانہ: ۳۸۳، ۵۰۹
۶۶۲	عورت: ۱۵۲
عقیف: ۳۳۱	عید: ۳۱۷
۸۸، ۱۲۰، ۲۴۳، ۳۱۵، ۳۱۶	عیسیٰ (ع): ۷۵، ۷۶، ۱۲۱، ۱۸۲، ۲۲۴
۳۴۴، ۳۷۱، ۳۹۰، ۳۹۲، ۳۹۴، ۳۹۵	۲۲۹، ۲۶۳، ۳۰۰، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵
۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۳، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۲۳	۳۰۶، ۳۰۸، ۳۱۳، ۳۲۳، ۳۲۵، ۳۴۳
۴۷۰، ۴۹۱، ۴۹۵، ۵۰۳، ۵۲۵، ۵۸۷	۴۳۱، ۵۲۷، ۵۲۸
۴۱، ۵۵، ۸۸، ۱۲۰، ۱۳۸، ۲۴۵	عین الیقین: ۶۲۷، ۶۲۹، ۶۳۲
۲۹۱، ۳۲۱، ۳۳۴، ۴۲۳، ۴۸۳، ۴۸۶	غذا: ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱
۴۸۸، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۵۰۶	غربی: ۳۴۳
۵۹۲، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۶۰۰، ۶۲۴	غرور: ۳۵، ۲۹۴، ۶۱۹
۶۲۸	غضب: ۲۶، ۳۰، ۳۴، ۲۰۶، ۶۳۲
علم قلب: ۵۸۶، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۲	غفلت: ۳۵، ۱۶۹، ۲۱۵، ۲۲۰، ۲۳۳
علم قلم: ۵۸۶، ۵۸۷	۳۸۲، ۳۹۲، ۴۰۵، ۴۰۸، ۵۹۷، ۶۱۹
علم لدنی: ۱۰۵، ۱۸۵، ۲۷۱، ۲۷۴	۶۴۹، ۶۷۸، ۶۷۹
۲۷۵، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۵، ۲۸۶	غیب: ۷۸، ۱۷۰، ۲۱۳، ۳۰۱
علماء: ۴۲۳	غیرت: ۲۹۲، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۶۷
علم الیقین: ۱۷۸، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۳۲	۵۳۹، ۶۴۸، ۶۷۹
علی (ع): ۸، ۷۶، ۱۸۸، ۱۹۶، ۱۹۷	غیرتمند: ۳۶۸، ۶۲۳
۳۴۵، ۳۴۶، ۴۲۰، ۴۲۲، ۵۲۷، ۵۶۴	فاطمہ (س): ۱۰، ۳۶۴، ۳۶۵، ۶۳۷
۶۴۶، ۶۶۴، ۶۶۵	۶۴۰، ۶۴۶



اشارات مجموعه عبارات نغز عرفانی از کتاب «لطایف قرآنی»

فانی: ۱۴۱، ۲۵۸، ۴۵۴	قدر: ۳۴۹، ۶۰۵
فجّار: ۲۰۴، ۴۳۶، ۴۳۹	قدرت: ۲۸۳، ۲۹۱، ۳۸۲
فراق: ۴۲۱	قدرتمند: ۲۹۴
فرزند: ۲۸۲، ۳۰۰، ۳۳۱، ۳۳۵، ۳۶۲	قدسیان: ۲۶۸
۳۶۵	قدم: ۵۴۱
فرشته: ۴۱، ۴۲، ۶۴، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴	قرآن: ۱، ۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۷، ۸۸
۲۹۵، ۳۵۰، ۳۸۷، ۴۱۲، ۵۳۱، ۵۳۷	۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۵، ۹۷، ۱۰۶، ۱۰۷
۵۳۸، ۶۵۹، ۶۶۰	۱۰۸، ۱۰۹، ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۳۵، ۲۴۲
فرشته مرگ: ۳۴۹	۲۶۴، ۲۷۰، ۳۲۹، ۳۴۳، ۳۴۵، ۳۴۸
فرعون: ۵۶۲، ۵۶۳	۳۸۳، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۲۲، ۴۷۴، ۴۷۵
فرقان: ۸۵	۴۷۸، ۴۸۰، ۴۸۸، ۴۹۴، ۴۹۷، ۵۳۴
فروتن: ۲۸۰	۵۶۸، ۵۸۵، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۹، ۶۱۲
فساد: ۲۹۴	۶۳۵، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۸۴، ۶۸۸، ۶۸۹
فضل: ۹۷	قرب: ۱۹، ۵۸۵
فضل عظیم: ۴۷۸	قربانگاه: ۳۶۲
فطرت: ۱۳۶، ۴۶۷	قربانی: ۱۴۰، ۱۴۱، ۳۳۵، ۶۶۱
فقیر الی الله: ۲۸۰	قسم: ۵۶۱
فنا: ۱۸، ۱۸۰، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۶۰، ۲۸۰	قضا: ۳۴۹
۲۸۱، ۳۷۲، ۴۳۴، ۴۵۳، ۵۰۴، ۵۰۵	قضات: ۷۱، ۳۹۹
فیض: ۲۲۶، ۳۰۱، ۳۰۷، ۳۵۷، ۵۰۸	قلب: ۵۵، ۵۶، ۸۰، ۹۵، ۱۱۲، ۱۲۰
۵۷۲، ۶۰۸	۱۶۴، ۱۷۷، ۲۱۱، ۲۴۴، ۳۱۱، ۳۱۵
قاب قوسین: ۱۸۷، ۴۱۱، ۴۱۴، ۴۱۸	۳۱۸، ۳۲۱، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۴
۴۲۰، ۵۷۶	۳۴۷، ۴۱۴، ۴۱۷، ۴۲۴، ۴۲۸، ۴۵۳
قابیل: ۶۰، ۶۱، ۱۳۸، ۱۴۱، ۱۴۶، ۱۴۷	۴۷۶، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۹۰، ۴۹۱
قالوا بلی: ۲۰۹	۴۹۲، ۴۹۵، ۵۱۶، ۵۳۳، ۵۴۴، ۵۴۵
قبض روح: ۳۵۰	۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۱، ۵۹۴



فهرست موضوعی اشارات

۶۰۳، ۶۴۴، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۷۳، ۶۸۴،	کتاب مکنون: ۸۰، ۹۵
۶۹۵	کتاب نور: ۲۳۰، ۴۲۱
قلعه: ۲۵۳، ۴۳۲	کتاب هستی: ۶۸۵، ۶۸۶
قلم: ۵۹۲، ۵۹۴	کتاب‌های آسمانی: ۲۹
قهر: ۲۸۵	کتمان: ۱۴۹، ۴۱۵
قوس: ۱۸۷، ۴۱۴	کثرت: ۳۲۸، ۷۰۴
قول حق: ۳۰۴	کشتی: ۱۹۰، ۲۸۰، ۳۷۰
قول طیب: ۱۶۱	کعبه: ۶۶۳، ۶۶۵
قوم: ۲۳۴، ۲۳۵، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۲۳،	کفالت: ۱۲۱، ۳۰۶
۳۲۴، ۳۲۵	کفر: ۲۶، ۱۳۳، ۲۱۳، ۳۷۹، ۴۶۷، ۴۹۸،
قوم نصارا: ۲۳۴، ۲۳۵	۵۴۵، ۶۷۶، ۶۸۱
قیام: ۵۲۲	کلاغ: ۱۴۷
قیامت: ۲۶۰، ۳۷۵، ۵۴۶	کلام: ۱۸۱
کافر: ۱۹۳، ۲۰۰، ۲۰۴، ۲۱۳، ۵۴۷	کلام الهی: ۱۸۳، ۱۸۴
کالبد: ۵۴۰	کلام حق: ۶۷۱، ۶۷۳
کاملان: ۶۲، ۱۰۸	کلب: ۲۶۲
کبر: ۳۴، ۳۸۲	کلمات: ۵۰، ۵۴، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۵،
کتاب: ۸۱، ۲۳۸، ۳۰۳، ۳۱۹، ۳۳۴،	۶۶، ۶۷، ۱۱۵، ۱۳۸، ۲۲۳، ۳۳۶، ۳۸۹،
۳۴۸، ۴۱۶، ۴۲۲، ۴۳۶، ۴۷۱، ۴۷۴،	۴۴۸، ۴۵۲، ۵۵۳
۴۷۶، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۳، ۴۸۶، ۴۸۷،	کلمات الهی: ۶۳
۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۵، ۵۸۹،	کلمات طیبه: ۶۲
۵۹۰، ۶۵۴، ۶۵۶، ۶۸۴	کلمه: ۱۲۱، ۱۸۳، ۱۸۴، ۲۰۲،
کتاب الله: ۸۰	کلمه خدا: ۱۱۵، ۱۸۲
کتاب قرآن: ۶۸۷	کلمه طیبه: ۵۷۹، ۵۸۰
کتاب قلب: ۶۸۸	کلمه مبارکه: ۵۸۰
کتاب مستور: ۶۶۲	کلمه واحد: ۳۰۴



اشارات مجموعه عبارات نغز عرفانی از کتاب «لطایف قرآنی»

لباس: ۱۵۶، ۱۶۳، ۲۶۹	کلمه الله: ۳۱۳، ۵۲۸
لذت: ۳۸۲، ۳۹۳، ۴۲۹	کلیم الله: ۲۳۲، ۳۱۲
لطافت: ۶	کمال: ۲، ۱۸، ۵۹، ۷۳، ۱۱۰، ۱۳۵
لغزش: ۵۳، ۲۲۲، ۳۱۷	۱۳۶، ۱۵۱، ۱۸۹، ۲۱۸، ۲۲۵، ۲۲۶
لمس: ۳۴۴، ۶۳۰	۲۴۲، ۲۴۳، ۲۵۷، ۲۷۳، ۲۷۸، ۲۸۱
لیله قدر: ۳۶۱، ۶۰۳، ۶۰۸، ۶۱۲	۲۸۲، ۲۹۰، ۲۹۷، ۳۰۰، ۳۲۸، ۳۳۷
لیله مبارکه: ۶۰۸	۴۱۳، ۴۵۶، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۴، ۴۸۲
مَلک الموت: ۳۴۹، ۳۵۱	۴۹۷، ۵۰۶، ۵۰۹، ۵۲۹، ۵۴۵، ۵۴۸
مُلک: ۸۲، ۲۲۱، ۲۲۵، ۳۹۱، ۴۰۳	۵۷۲، ۵۷۹، ۶۱۹، ۷۱۰
۴۰۴، ۴۸۲، ۵۷۷	کهف: ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۶۳
مُهر: ۴۵۲	کوثر: ۲۰۷، ۲۴۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۴۷۸
مادر: ۲۰۰، ۳۰۷، ۳۳۱	۵۴۴، ۵۴۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۴۰
ماه: ۳۷۸، ۵۷۵	۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸
ماهی: ۲۶۶، ۳۱۳، ۳۷۲، ۳۷۵	۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۸
مائده: ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۲۳	کوه: ۱۷۲، ۱۷۷، ۲۹۴، ۳۶۱، ۳۸۰
مأمور: ۴۱۵، ۵۵۴	۵۲۵
مأموریت: ۱۴۷، ۲۹۳، ۳۳۰، ۳۶۹	کوه جودی: ۲۰۱
۳۷۶، ۵۴۸، ۵۶۴	کوه صفا: ۴۹
متقین: ۱۴۲	کوه مروه: ۴۹
متشابهات: ۷، ۷۹، ۸۴، ۸۷، ۸۹، ۹۰	گِل: ۲۱۹، ۲۲۹
۹۱، ۹۳، ۹۴، ۹۶، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۰۸	گِل چسبنده: ۵۹۱
۱۶۵، ۱۸۳، ۳۲۳، ۳۲۷، ۳۴۵، ۴۱۶	گمراه: ۶۸۰
۴۱۷، ۴۷۵، ۵۵۴، ۶۰۹، ۶۱۰	گمراهی: ۲۰۰، ۵۵۹، ۶۷۴
متقین: ۴۳۴	گناه: ۴۲۳
متکبر: ۳۸	گنج پنهان: ۲۸۲
مجرم: ۱۶۶	لاهورت: ۳۸۶، ۵۱۸



فهرست موضوعی اشارات

مرد خدا: ۲۶۰	مجمع البحرين: ۱۸۶، ۲۸۷، ۴۲۰
مردم: ۲۷۲، ۳۱۵، ۳۲۲، ۴۹۶	محبت: ۱۱۳، ۲۱۱، ۳۴۱، ۳۴۴، ۳۴۷
مرض: ۳۱۰	۴۳۵، ۴۴۸، ۵۳۹، ۶۴۸
مرغ: ۳۱۲	محراب: ۱۱۹
مرگ: ۳۵۳، ۳۵۸، ۴۰۵، ۴۰۷، ۵۱۲	محرم: ۴۵۳، ۵۰۶
۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۵	محشور: ۳۵۹
مریم(س): ۱۱۱، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷	محضر: ۲۸۹
۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۶، ۱۲۷، ۳۰۰، ۳۰۶	محکمت: ۷، ۷۹، ۸۳، ۸۷، ۸۸، ۸۹
۳۰۸	۹۰، ۹۱، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۸۳، ۳۲۳
مس: ۲۹۷	۳۲۷، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۷۴، ۴۷۵، ۵۵۴
مسجدالاقصى: ۴۱۸	۶۰۹، ۶۱۰
مسجدالحرام: ۴۱۸	محمد(ص): ۷، ۷۷، ۱۶۴، ۱۸۸، ۲۶۳
مسلك: ۲۷۸	۳۲۳، ۳۴۲، ۳۶۱، ۴۰۹، ۴۱۱، ۴۱۲
مسلم: ۲۲	۴۱۵، ۴۱۶، ۴۲۰، ۴۲۲، ۴۷۰، ۵۲۷
مسلمان: ۳۰، ۳۱، ۱۳۴، ۴۱۷، ۴۹۴	۵۵۵، ۵۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۵۴، ۶۵۵
مسیحیان: ۲۳۴	۶۹۵، ۷۱۱
مشرف: ۳۵۷	مخلص: ۱۹۸، ۲۳۰، ۶۹۰
مشرك: ۲۱۳، ۲۵۴	مخلصین: ۴۳، ۵۳، ۵۴
مشكلات: ۲۸۸	مخلصین: ۵۲، ۵۳
مصور: ۱۳	مخلوقات: ۱۷۰، ۶۷۷
مصیبت: ۴۲۳	مرآت: ۶۷۷، ۶۷۸، ۷۱۰
مطهر: ۳۱۱، ۳۹۶	مراتب هفت گانه: ۵۱۷
مظهر: ۵۷، ۶۳	مرتب: ۲۵۶، ۴۵۳، ۴۷۰، ۴۹۱، ۴۹۴
معارف: ۱، ۲۲، ۹۴، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۳۸	۵۸۸
۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۸، ۱۶۵	مرد: ۱۱۲، ۴۶۲، ۴۶۷، ۵۳۷، ۵۳۸
۱۶۷، ۲۷۹، ۲۹۹، ۴۱۵، ۴۲۴، ۴۹۴	۵۳۹، ۶۴۶، ۶۴۸، ۶۴۹



اشارات مجموعه عبارات نغز عرفانی از کتاب «لطایف قرآنی»

مقام ملائکه: ۲۳۶	۵۵۰، ۵۷۰، ۶۴۲، ۶۵۴، ۶۶۰
مقرب: ۹۴، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۱، ۵۴۲	معالم: ۱، ۲۲
۶۰۳	معتکف: ۴۹
مقربان: ۹، ۲۴، ۲۵، ۳۷، ۳۸، ۴۳، ۵۹	معراج: ۳۶۴، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲
۶۳، ۶۶، ۸۵، ۹۳، ۱۰۶، ۱۲۴، ۱۶۱	۴۱۶، ۴۲۰، ۵۷۶، ۶۵۵، ۶۵۶
۱۶۶، ۲۱۹، ۲۲۴، ۲۳۶، ۲۳۹، ۲۵۱	معرفت: ۳، ۲۰، ۲۳، ۳۰، ۳۷، ۵۹، ۸۲
۲۹۵، ۳۴۶، ۳۵۹، ۳۶۱، ۳۸۵، ۳۸۷	۱۰۰، ۱۲۰، ۱۴۲، ۱۴۶، ۱۵۰، ۱۵۸
۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۷، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷	۱۶۱، ۱۶۳، ۱۷۱، ۱۷۶، ۱۸۰، ۱۹۶
۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳	۲۰۵، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۲، ۲۴۶، ۲۴۸
۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۴۰، ۴۴۳	۲۸۲، ۲۸۹، ۲۹۳، ۳۰۳، ۳۱۳، ۳۱۴
۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۲، ۴۵۴، ۴۵۶، ۴۵۹	۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۱
۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۹، ۴۸۵، ۵۳۵، ۵۳۶	۳۲۵، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷
۵۴۴، ۵۷۰، ۵۷۲، ۵۸۰، ۶۱۶، ۶۲۰	۳۵۶، ۴۱۲، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۹، ۴۴۱
۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۴	۴۶۵، ۴۷۱، ۴۷۳، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۸۳
مکان: ۲۷۲، ۳۰۲	۵۱۹، ۵۲۳، ۵۲۶، ۵۳۳، ۵۵۴، ۵۶۸
مکتب: ۲۷۸	۵۷۰، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸
مکذب: ۲۲۸	۵۷۹، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۹، ۶۰۹، ۶۴۱
ملاقات: ۳۹۸	۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۸
ملائکه: ۴۷، ۱۲۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۹	معلم: ۴۷
۲۴۰، ۳۸۵، ۵۳۵	معنا: ۲۸۰، ۴۰۹
ملکوت: ۴۶، ۸۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۸	معنوی: ۲۱۱
۴۸۲، ۵۷۷، ۶۰۴	مغنایس: ۲۶۵
ملکوتیان: ۲۶۸	مقابیر: ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲
من و سلوی: ۳۱۲، ۳۱۴، ۳۲۳	مقام: ۱۱۱، ۱۴۳، ۲۲۸، ۵۹۶
منادیان: ۱۰۹	مقام حیوانی: ۲۳۶
منافق: ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸	مقام عماء: ۶۹۷



فهرست موضوعی اشارات

منظومه شمسی: ۷۰۶	میان‌ه‌روی: ۲۰، ۲۳۳
مهتاب: ۲۰۵، ۳۱۸	میراث: ۲۸۲، ۴۳۶
مهربان: ۲۴۵، ۲۷۴، ۳۲۴، ۴۵۴، ۴۷۷، ۶۷۱	میزان: ۴۷۲
مّوحد: ۲۵۱، ۲۵۴، ۳۳۱	میقات: ۲۸۷
موجود: ۱۶، ۳۵۳، ۷۰۵	ناامید: ۲۷۳
موجودات: ۸، ۱۱، ۱۴، ۴۱، ۵۸، ۶۹	نااهلان: ۱۴۹
۲۲۷، ۳۳۷، ۳۸۰، ۶۸۶، ۷۰۴	ناشکر: ۳۲۶، ۶۰۸، ۶۷۶
مّوحد: ۱۹	نافرمانی: ۲۲۰
مورچه: ۳۵، ۳۶، ۳۸	نامحرم: ۱۴۵، ۲۵۶، ۳۸۸
موسی(ع): ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۷۲، ۱۷۳	ناموس: ۶۸۲
۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۱	نبوّت: ۳۰۳
۱۸۵، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۶۵	نجات: ۱۷۹، ۱۹۰، ۵۱۳، ۵۷۷، ۶۰۰
۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۹، ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۲	ندا: ۱۲۲، ۳۰۱
۲۸۳، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۹۲، ۳۱۲	نذیر: ۴۱۷
۳۲۳، ۳۲۴، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۴۳، ۴۲۰	نزول: ۵۰۹، ۵۶۵، ۵۶۶
۴۲۱، ۵۲۷، ۵۵۵، ۵۶۲، ۵۶۳	نعمت: ۲۱، ۳۱، ۳۵، ۱۲۶، ۱۳۴، ۱۳۹
موعظه حسنه: ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۵، ۲۴۸	۳۲۶، ۳۶۰، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۳۲، ۴۴۹
موعود: ۱۹۸	۴۶۱، ۴۷۳، ۵۴۹، ۶۰۷، ۶۳۳
موی پیشانی: ۵۴۱	نفرت: ۵۵۳
مؤمن: ۱۹، ۲۲، ۳۷، ۱۲۴، ۱۹۸، ۲۰۳	نفس: ۱۱۸، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۵۴، ۱۵۶
۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۶، ۲۲۸، ۲۴۹، ۲۵۳	۲۶۶، ۲۶۷، ۲۸۳، ۳۰۵، ۳۳۵، ۳۶۳
۲۹۶، ۲۹۷، ۳۳۱، ۳۳۸، ۳۴۰، ۳۴۴	۳۷۲، ۳۹۰، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۱، ۴۰۳
۳۴۶، ۳۴۷، ۴۱۷، ۴۶۴، ۴۶۶، ۴۶۸	۴۰۵، ۴۰۶، ۴۷۰، ۴۸۵، ۵۰۳، ۵۲۵
۴۶۹، ۵۰۸، ۵۲۴، ۵۳۱، ۵۵۱، ۵۹۶	۶۲۳، ۶۳۱، ۶۶۱، ۶۷۶، ۶۸۲
۶۴۸	نفس امّاره: ۴۸، ۱۳۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۴
	۳۹۷، ۳۹۸، ۵۰۱



اشارات مجموعه عبارات نغز عرفانی از کتاب «لطایف قرآنی»

نفس لَوّامه: ۳۹۰، ۳۹۲، ۳۹۴، ۳۹۵	نیرو: ۳۹۲، ۴۰۳
۳۹۸	هابیل: ۶۰، ۶۱، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۵
نفس مطمئنه: ۲۶۲، ۳۹۰، ۳۹۳، ۳۹۵	هادی: ۳۴، ۱۸۹، ۲۳۰، ۲۸۰، ۲۸۱
۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۹، ۶۲۱	۲۹۰، ۵۱۹، ۶۱۳، ۶۱۴
نقص: ۳۹۳	هبوط: ۴۹، ۶۸، ۲۲۱، ۵۹۶
نقیب: ۳۲۳	هدایت: ۱۴، ۱۸، ۱۳۱، ۱۵۵، ۱۹۳
نگهبان: ۳۹۹	۱۹۸، ۲۴۱، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۵۵، ۲۵۷
نماز: ۳۶۲، ۷۰۹	۲۵۹، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۸، ۲۹۳، ۳۲۲
نهر: ۴۳۰، ۴۶۵	۳۳۸، ۳۵۰، ۳۶۹، ۳۷۶، ۳۸۵، ۵۷۲
نوح(ع): ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۰	۵۹۶، ۶۰۹، ۶۱۱، ۶۷۰، ۶۷۲، ۶۷۴
۲۰۱، ۵۲۷	۶۸۷
نور: ۶، ۴۲، ۷۸، ۸۵، ۱۳۱، ۱۵۶، ۱۵۷	هدایت خاص: ۸۴
۱۷۳، ۱۷۷، ۱۷۹، ۲۰۵، ۲۲۰، ۲۳۰	هدایت عام: ۸۳
۲۳۵، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۸۲	هدایتگر: ۳۴۶
۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۵، ۳۴۶	هدهد: ۳۷، ۳۸
۳۴۷، ۳۴۸، ۳۸۱، ۳۸۸، ۴۳۷، ۴۳۸	هستی: ۳۲، ۳۳، ۳۹، ۶۹، ۸۰، ۲۲۷
۴۳۹، ۴۵۵، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۷۹، ۵۰۳	۳۳۷، ۵۳۳، ۵۸۴، ۶۸۸، ۶۹۹
۵۱۱، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۷، ۶۱۱، ۶۵۵	۷۱۲
نور قدسی: ۱۸۱، ۱۸۶، ۱۸۷، ۲۱۹	همسنگ: ۲۰۰
۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۹، ۲۳۲، ۲۳۳	هو: ۶۹۷
۵۰۵، ۶۰۹	هوا: ۲۶۶
نورانیان: ۱۱۴، ۱۲۳، ۳۸۶، ۵۳۱	هوای نفس: ۶۲۱
نورانیت: ۱۰، ۴۲، ۱۳۲، ۱۳۴، ۳۱۴	هویت: ۶۸۹
۶۲۴، ۶۹۶	وابستگی: ۲۵۵، ۲۶۰، ۶۸۳
نیازمند: ۲۱۱، ۲۸۴	واحد: ۳۲، ۵۵، ۶۹۸، ۶۹۹
نیرنگ: ۴۶۶	واحدیت: ۱۷۰، ۳۳۷، ۶۰۴، ۶۹۷، ۷۰۱



فهرست موضوعی اشارات

۲۰۸، ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۳۱، ۲۴۴، ۲۴۷،	۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴
۲۵۳، ۲۵۹، ۲۷۸، ۲۸۹، ۳۰۸، ۳۲۴،	وادی طور: ۲۳۱
۳۳۶، ۳۶۸، ۳۷۰، ۳۷۲، ۳۸۱، ۳۸۹،	وارستگی: ۳۷۴
۴۱۴، ۴۱۶، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۳۲، ۴۴۴،	وارسته: ۱۹۲
۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۸۳، ۴۹۷، ۵۱۵،	والا ترین: ۷۱۱
۵۲۶، ۵۲۹، ۵۴۷، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۸۴،	وجاهت: ۸، ۱۰، ۱۹۲، ۴۷۷، ۶۹۶
۶۲۶، ۶۴۱، ۶۴۸، ۶۶۳،	وجه: ۶، ۱۴، ۷۰، ۷۲، ۷۵، ۱۰۸، ۱۳۵،
ولی: ۳۷۵، ۵۱۴، ۶۰۶،	۱۳۷، ۱۴۴، ۲۸۰، ۳۳۹، ۳۵۰، ۴۰۹،
ولی خدا: ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۳۵، ۲۵۱، ۲۵۲،	۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۸، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹،
۲۵۷، ۲۵۸، ۲۶۲، ۳۷۴، ۶۲۷،	۴۵۴، ۴۵۸، ۶۰۷، ۶۱۴، ۶۳۷، ۶۳۸،
یأجوج و مأجوج: ۲۷، ۲۹۶،	۶۴۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۸، ۶۶۱، ۶۶۲،
یحیی (ع): ۴۳۱،	وجه الله: ۶۹
یقین: ۹۹، ۵۷۹، ۶۲۵، ۶۲۷، ۶۳۱، ۶۳۳،	وجود: ۲۳، ۴۰، ۴۴، ۲۲۷، ۳۴۲،
یهود: ۲۳۴، ۲۳۵،	وجیه: ۲۵۱، ۳۰۳، ۴۵۴،
یهودیان: ۲۳۴،	وحدت: ۲۲۸، ۴۴۸، ۴۵۳، ۴۵۴، ۶۸۱،
یوسف (ع): ۳۲۹،	وحی: ۱۲۲، ۴۱۴،
یونس (ع): ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲،	وسط: ۳۴۳،
۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷،	وسوسه: ۴۶، ۵۳، ۳۳۱، ۳۹۷، ۴۰۱،
	۶۰۰
	وصال: ۴۲۲،
	وعده: ۲۹۸،
	وعده الهی: ۲۵۹،
	وفاداری: ۲۰۸، ۲۱۶،
	ولادت: ۶۶۵،
	ولایت: ۴۳، ۸۶، ۱۳۳، ۱۴۸، ۱۸۶،
	۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۲۰۷،





حسن ختام

حُسن ختام

نکته‌های معنوی و کلمات حکیمانه درباره «قرآن کریم» از کتاب لطایف عارفانه
اثر استاد یعقوب قمری شریف‌آبادی

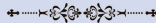
قرآن، حور لطیفی است که اگر بر قلب عاشق تجلی کند، دل را معطر و منور می‌گرداند.



قرآن، صحیفه الهی و رحمانی است که کلمات الهی‌اش حقایق مُلک و کلمات رحمانی‌اش حقایق ملکوت می‌باشد.



تفکر در اسرار قرآن، همانند تفکر در ژرفای دریا است.



قرآن، یسارش سرایی است آتشین و یمینش مکانی است نورانی و نهانش جمالی است روحانی.



قرآن، خورشید فروزنده و ماه تابنده‌ای است که در روز، پیامبران را آشکار و در شب، اولیا را ظاهر می‌نماید.



خداوند برای مراقبت از زبور داود(ع) سلیمان(ع)، و برای مراقبت از انجیل عیسی(ع) ذوالقرنین، و برای مراقبت از قرآن محمد(ص)، علی(ع) را قرار داد.



قرآن، دریای بیکران الهی و باران رحمت رحمانی و نسیم حیات‌بخش رحیمی است.



قرآن برای صابران سحر همچون عروس زیبایی است که سیمای زینده‌اش را در موقعش شهود می‌کنند.



کمال عقل با عصای برهان، و کمال عشق با جمال قرآن میسر می‌باشد.



قرآن همانند پدری است که فرزندان‌ش حضرات معصومین(ع) و نوادگانش اولیای الهی می‌باشند.



قرآن، ظاهرش عقل، باطنش عشق و سرّش وجه می‌باشد.

آیات قرآن، حقایق عظیمی است که ظاهر و باطن آن، توسط محکمت و متشابهات آشکار می‌گردد.



قرآن، جمالش توسط عشق و جلالش توسط عقل برای ابرار و الباب نمایان می‌گردد.



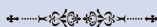
همان‌گونه که هستی ظاهر و باطنی دارد، قرآن هم ظاهر و باطنی دارد. راهنمای ظاهر، محکمت و راهنمای باطن، متشابهات قرآن می‌باشد.



قرآن، مظلوم است و مظلوم‌تر از قرآن، اولیای خدایند که مفسران واقعی قرآن‌اند.



ثمره طور، تورات، ثمره قدس، انجیل و ثمره کعبه، قرآن می‌باشد.



قرآن، ظاهرش شهر الباب، باطنش نهر ابرار و ضمیرش وجه اظهار می‌باشد.



بزرگ‌ترین تفضل الهی، قرآن است که بر مؤمنین به صورت باطن و بر مسلمین به طور ظاهر آشکار می‌باشد.



قرآن، کتاب هدایت است از طریق ملائکه و روح برای راهنمایی جن و انس.



از مهم‌ترین نشانه‌های قرآن برای نیل به وجه آدمیت، آخرین آیه سوره حشر می‌باشد.



قرآن سه نقاب دارد: با شریعت نقاب نور، با معرفت نقاب روح، و با طهارت نقاب حور بر کنار می‌گردد.



فرق بین اولیای الهی و اولیای شیطانی این است که از قرآن اولیای الهی نور، و اولیای شیطانی شعله نصیبشان می‌شود.



همان‌گونه که موجودات را نمی‌شود بدون نور تشخیص داد، آیات قرآن را هم نمی‌توان بدون معرفت تشخیص داد.

بقره بلندترین سوره قرآن و کوثر کوتاه‌ترین آن می‌باشد. مسلمانان از سوره بقره، و مؤمنان از سوره کوثر بهره‌مند می‌باشند.



محکمات قرآن توسط عقل الهی و متشابهات قرآن توسط عشق رحمانی به درک و ظهور می‌رسد.



قرآن همچون خورشید است. اگر نورش از اینکه هست بیشتر و یا کمتر گردد، آب‌های حیات آفرینش خشک و یا منجمد می‌گردد.



همان‌گونه که خورشید در شب، نور آسمان و در روز، روشنایی زمین است، محمد(ص) نیز در متشابهات قرآن، نور باطن و در محکمات قرآن روشنایی ظاهر می‌باشد.



جمال قرآن در مقابل گشاده‌رویان عیان، و در برابر ترش‌رویان، نهان است.



عده‌ای گمان می‌کنند که به ظاهر قرآن راه یافته‌اند؛ در حالی که ظاهر آن مرتبط به باطن آن می‌باشد.



تورات حدیث نور، انجیل حدیث روح و قرآن حدیث حور می‌باشد.



حقایق محکمات و متشابهات قرآن، همانند خورشید در مقابل موجودات زمین و ماه در برابر ستارگان آسمان می‌باشد.



میان‌رو به کسانی گویند که قبل از اسلام، تورات و انجیل، و بعد از آن، محکمات و متشابهات قرآن را سرمشق زندگی خود قرار دهند.



وجوه منور ملائکه و روح در اوایل قرآن، و وجود مکدر جن و انس در اواخر آن آشکار می‌باشد.



قرائت قرآن، فراوان، و غریبی قرآن، فراوان‌تر می‌باشد.



علت راه نیافتن به حقایق قرآن، عدم طهارت و اعتقاد می‌باشد.

والحمد لله رب العالمین



پیوسته



زندگی نامه

عارف ربانی استاد یعقوب قمری شریف آبادی



حمد و ثنای بی پایان، پروردگاری را سزااست که هنر چگونه زیستن را برای نیل به کمال زیبایی، به اولیای خویش الهام نمود و قلموی عشق را به دست شیفتگان جلوه‌های معنا سپرد تا با خمیرمایه صدق و خلوص ترسیم‌گر بهشت رحیمی بر ظاهر و باطن صحیفه وجود باشند و بوم هستی را به رنگ خدایی زینت بخشند. از جمله زیباپسندان وادی معنا و هنرمندان اهل ولا، عارف ربّانی، هنرمند و نویسنده صاحب‌دل، استاد «یعقوب قمری شریف آبادی» است که صفحات کتاب زندگانشان پس از دوران کودکی، در سه مرحله: فعالیت در ورزش کشتی، هنر نقاشی و ورود به عرصه عرفان اسلامی، پیام‌آور عشق و پاکی، صبر و بردباری، بصیرت و آگاهی، و کمال و جمال رحمانی است.

تولد و دوران کودکی

ماجرای دلنشین تولد استاد در پی عنایت و پیشگویی ولی‌ای از اولیای زمان، بیانگر تأثیر شگرف توجه قلبی و عشق و دلدادگی به پاک‌سیرتان اهل معرفت می‌باشد. در پی این رویداد معنوی، آن ولیّ الهی یکی از شب‌های سرد زمستان در خانه محقر والدین استاد مهمان شده و از میزبانی پُرمهر و محبت آنان، به‌ویژه مادر بزرگوار ایشان، معصومه خانم^۱ برخوردار گردید؛ بانویی عقیف، مؤمن، صبور و شجاع که پنجاه و هفت سال عمر شریفش را در خانه‌های استیجاری سپری کرد و در فراز و نشیب زندگی، همواره در پرتو

۱. خانم معصومه تاجیک، مادر استاد (۱۲۹۷-۱۳۵۴ ش).

صداقت و اخلاص، نور هدایت رحمانی را جست‌وجو می‌کرد. به موجب کراماتی که مادر استاد هنگام ورود آن پیر روشن‌ضمیر به منزل خود از وی دیده بود، با اعتقاد به اینکه امام زمان(ع) قدم در خانه او نهاده، نهایت شوق و ارادت صادقانه و عشق و مودت خالصانه خویش را نثار وی نمود و پیوسته سرشک دیدگانش، میزبان محبت و ارادتی روحانی گشته و سینه‌اش مالا مال از نیاز و عطش خدایی شد. معصومه، آن مادر پاک‌سرشت، با وجود سختی و مشقت دوران بارداری که حامل امانتی چهارماهه بود، با مهر و محبتی سرشار به پذیرایی از آن مهمان عزیز همت گمارد.

و اینگونه، در آن شب زمستانی از سوی آن ولیّ زمان، نفحات رحمانی بر قلب عاشق‌پیشه مادر استاد، وزیدن گرفت تا او مریم‌وار در سرشت حمل خویش، شاهد جلوه روحی پاک باشد و در آینده‌ای نه چندان دور، ثمره عشقی مطهر را به ظهور رساند؛ عشقی مقدس که پیوسته همگام و هم‌نفس لحظات زندگی استاد بوده و آن را مملو از نتایج روح‌بخش خود ساخته است.^۱

به برکت این رخداد معنوی، در اوّل خردادماه سال ۱۳۱۸ش (۲۳ می ۱۹۳۹م)، در روستای شریف‌آباد شهر ری، کودکی از تبار پاکان متولد شد که آن ولیّ رحمانی در مورد او چنین پیشگویی کرده بود: «خداوند رحمان به شما فرزند پسری عنایت خواهد کرد که نامش «یعقوب» است و در پهلوی راست بدن این نوزاد، خال سیاه‌هاشمی به اندازه سر انگشت سبابه وجود دارد و هر چه بر عمر آن مولود افزوده شود، آن نشان هم بزرگتر می‌شود تا اینکه وقتی به مرتبه و مقامی که شایسته اوست، رسید، آثارش به تدریج محو می‌گردد.»^۲

از این‌رو، آثار نورانیت و روحانیت از همان اوان کودکی در رفتار و حالات جناب استاد هویدا بود؛ چنان‌که اهالی روستای شریف‌آباد پس از رؤیت هلال شب اوّل هر ماه، بر اساس آداب و رسوم خود به سیمای معصومانه و معنوی این کودک نظر نموده، ماه را نو می‌کردند.

جناب استاد دوران کودکی خود را در خانواده‌ای سپری نمود که سختی‌های فقر و تهیدستی، همواره بر زندگی ایشان سایه افکنده بود و مسکنت و تنگدستی والدین استاد، روزگار را

۱. شرح این رویداد معنوی، تحت عنوان «حدیث وصلت عشق» در کتاب زن، طائر فردوس یا ساحر دوزخ، اثر استاد یعقوب قمری شریف‌آبادی آمده است.

۲. شرح کامل این رخداد و پیشگویی آن ولیّ خدا از قول پدر جناب استاد، در فایل صوتی که از ایشان موجود است، بیان گردیده و ما شاگردان استاد سال‌ها پیش به‌وضوح شاهد محو شدن آثار خال سیاه‌هاشمی در پهلوی راست بدن ایشان بوده‌ایم.



آنچنان برایشان دشوار ساخت که مجبور به مهاجرت از روستای شریف آباد به روستای محمودآباد و سپس به شهر ری شدند و همچنان در خانه‌های استیجاری محقر، روزگار را به‌سختی می‌گذراندند.

در همین دوران که یازده بهار از سن استاد می‌گذشت، به جهت شوق زیاد به تحصیل و کسب علوم رسمی، در مکتب‌خانه رضویه شهر ری ثبت نام نمود و به واسطه برخورداری از هوش و ذکاوت وافر، تنها در طول ۶ ماه ۳ پایه درسی را طی نموده و به عنوان مؤذن و شاگرد ممتاز مکتب‌خانه، گوی سبقت را از دیگر دانش‌آموزان ربود؛ ولی عدم استطاعت مالی والدین ایشان برای پرداخت شهریه مکتب‌خانه سبب گردید که علیرغم میل باطنی، از ادامه تحصیل محروم بماند؛ به طوری که تلخی این محرومیت همواره در کام ایشان باقی بود. بدین‌گونه، جناب استاد با وجود فقر و تنگدستی طاقت‌فرسا و امتحانات و بلایای دشوار روزگار، به مدد صبری جمیل در تمامی مراحل زندگی، مسیر نیل به قله رفیع معنویت را می‌پیمود.

به‌راستی، نوید آن ولی خدا به آینده‌ای روشن و معنوی، نمی‌توانسته به معنای بهره‌مندی استاد از یک زندگی آسان و توأم با رفاه و آسایش باشد؛ زیرا مطابق سنت الهی، زندگانی مردان بزرگ همچون انبیا و اولیای رحمانی، پیوسته با فقر و تنگدستی و مصائب و آزار معاندان و مغرضان روزگار همراه بوده و تقدیر الهی بر آن تعلق یافته که گوهر وجودشان در آتش سوزان درد و محنت ایام آشکار شود تا در آینده ردای هدایتگری بر تن کنند و تعالی بخش انسان‌ها به سوی کمال و جمال مطلق باشند.

در این دوران، از جمله وقایعی که همواره مایه دلگرمی و امید استاد می‌شده، تفأل مکرر به دیوان اشعار حافظ شیرازی، مطابق آداب و رسوم زمان بوده که در اوج مشکلات و ناامیدی‌ها، بارها غزل ذیل نویدبخش آینده‌ای روشن و سبب التیام قلب محنت‌کشیده ایشان می‌گردیده است:

یوسف گمگشته باز آید به کنعان غم مخور	کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور
ای دل غمدیده حالت به شود دل بد مکن	وین سر شوریده باز آید به سامان غم مخور
هان مشو نومید چون واقف نه‌ای از سرّ غیب	باشد اندر پرده بازی‌های پنهان غم مخور
ای دل ار سیل فنا بنیاد هستی بر کند	چون تورانوح است کشتیان ز طوفان غم مخور
در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم	سرزنش‌ها گر کند خار مغیلان غم مخور

مراحل سه گانه زندگانی استاد

مرحله نخست: ورزش کشتی

در نتیجه دم مسیحایی و همراهی روح قدسی آن پیر الهی، مرحله نخست زندگی استاد و آغاز سیر صعودی ایشان در مسیر کمالی، از سن ۱۶ سالگی در ورزش کشتی رقم خورد که با تأسی به الگوهای مشهور ورزش پهلوان پرور کشتی به ویژه آقایان: احمد وفادار، ناصر محمدی و غلامرضا تختی، با وجود فقر و محرومیت، به ورزش کشتی سوق داده شدند. به اعتقاد خود ایشان، حکمت اشتغال و سرگرمی به ورزش کشتی طی آن مقطع سنی این بوده که از سقوط در ورطه مفسد و انحرافات اخلاقی که در آن زمان بسیار رواج داشت، در امان بمانند و بیشتر وقت خود را در باشگاه و همراهی و رفاقت با کشتی گیران و مربیان این رشته ورزشی بگذرانند و در نتیجه به زیور مروّت و جوانمردی آراسته گردیده و نیرو و توان جسمانی خود را در مسیر خدمت به مردم و دفاع از مظلومان و محرومان و ایستادگی در مقابل ظالمان و زورگوییانی که در آن عصر فراوان بودند، به کار گیرند.

جناب استاد قریب ۲۱ سال با سعی و تلاش فراوان در این رشته ورزشی، مجدّانه و با عشق و شور و هیجان بسیار فعالیت نموده و تحت تعلیم مربیان حاذقی چون آقایان: حاج عبدالحسین فعلی، رحمت الله غفوری، عبدالله زارع، ناصر محمدی و نیز مربی دوران خدمت سربازی استاد، آقای طاهر غلام، به مقامات چشمگیری در سطح کشور دست یافتند.

گفتنی است در چهارمین سال فعالیت در ورزش کشتی، ایشان به منظور خدمت سربازی در گردان ۱۱۱ سوار به شهر گنبد کاووس (واقع در استان گلستان فعلی) اعزام شده و در همین ایام به موجب برخورداری از روحیه جوانمردی و صداقت در گفتار و رفتار، به عنوان «سرباز راستگو» در پادگان سوار، مشهور گردیدند.

در آن زمان که ایشان همواره دستیابی به مقام اوّل مسابقات جهانی را در اندیشه خود می پروراندند، به دنبال چهار ماه عزلت و توسل صادقانه به ساحت مقدس امام علی بن موسی الرضا(ع)، شبی در عالم رؤیا مشاهده می نمایند که در گوشه ای از حرم امام رضا(ع) روبه روی ضریح نشسته اند. پس از لحظاتی، ندای غیبی عظیمی به گوش می رسد که مردم باید از حرم بیرون روند و به دنبال این ندای هولناک، همگان از حرم خارج می شوند؛ اما در این حال، عزمی راسخ و اراده خارق العاده رحمانی در وجود استاد پدید می آید که تا حاجت



خویش را از امام نگیرند، هرگز از حرم بیرون نمی روند. در حقیقت، از رهگذر این اراده مستحکم باطنی است که آن ندای غیبی، مردمان را از حرم خارج نموده و زمینه ساز حضور مبارک امام رضا(ع) می گردد.

بدین ترتیب، پس از خروج مردم، سکوتی روحانی حرم را فرا می گیرد و ایشان احساس می کنند که فرشتگان الهی در این بارگاه ملکوتی حضور دارند. ناگهان از سمت راست استاد، شخصی با ردای عربی و حالاتی روحانی به همراه تبسمی دلنشین وارد حرم می شود. با مشاهده سیمای نورانی امام هشتم(ع) بر اراده و انگیزه استاد نسبت به برآورده شدن حاجتشان افزوده می گردد. زمانی که امام(ع) روبه روی استاد قرار می گیرند، با لحنی محبت آمیز خطاب به ایشان می فرمایند: «چه می خواهی؟» استاد تحت تأثیر آن فضای روحانی ابراز می دارند که: «خودتان بهتر می دانید که من چه می خواهم.» آنگاه امام(ع) با چهره ای گشاده و لبخندی دلربا که نشان از رأفت و عنایتی عظیم دارد، می فرمایند: «به تو داده شد.»

با این کلام امام رضا(ع)، چنان اعتقاد راسخی در استاد ایجاد می شود که با یقین کامل احساس می کنند حتماً حاجتشان برآورده شده و هنگامی که از این امر مطمئن می گردند، امام(ع) با لبخندی بر چهره از پیش روی استاد به تدریج غیب می شوند. آنگاه ایشان با حالت جذبه روحانی و اطمینان خاطر نسبت به وعده امیدبخش امام(ع) از حرم و سپس از صحن مملو از جمعیت خارج شده، کوچه پس کوچه های شلوغ شهر را پشت سر نهاده و با پیمودن مسافتی در صحرایی پُر فراز و نشیب، به رشته کوه های بلند و در نهایت به کوهی عظیم می رسند و از خواب بیدار می شوند.

با وجود مشاهده این رؤیای معنوی، به واسطه مشکلات عدیده زندگی و فقر شدید مالی، بر خلاف انتظار، از پیشرفت مطلوب در ورزش کشتی و رسیدن به افتخارات بالاتر باز ماندند؛ چنان که ایشان به عنوان مثال، در خاطره ای نقل می کنند: در یکی از مسابقات مهم کشتی، زمانی که از طریق بلندگوی سالن به مسابقه کشتی فراخوانده می شوند، یکی از رفقای هم باشگاهی استاد، ایشان را در آغوش می گیرد و از حضورشان بر روی تشک کشتی ممانعت می ورزد و چون با اصرار زیاد استاد روبه رو می شود، می گوید: «این تو نیستی که کشتی می گیری، غیرت کشتی می گیرد!» این سخن بدان جهت بوده که استاد در راستای تأمین مخارج خانواده، مادر، خواهر و برادران خود به کار طاقت فرسای دوازده ساعته در کارخانه نساجی می پرداخته و از تغذیه و استراحت مناسب محروم بوده است. به همین دلیل، در طی

این ایام، دچار صدمات و شکستگی‌های استخوانی متعدد می‌شدند و هرچه زمان می‌گذشته، از هدف خود که همان دستیابی به مقام قهرمانی در سطح جهان بوده، دورتر شده و پیوسته در حسرت عدم نیل به آرزوی خود به سر می‌بردند تا این که بعدها به سرّ عنایت امام رضا(ع) پی برده و متوجه شدند که آن حضرت با تشخیص نیاز حقیقی ایشان، در واقع از جانب خودشان وعده تحقق قهرمانی معنوی در عرصه ولایت رحمانی را داده بودند؛ چنان که به تعبیر جناب استاد، سیر در کوچه پس کوچه‌های شهر و فراز و نشیب‌های بیابان در آن رؤیای معنوی، اشاره به طّی مسیر مملو از سختی‌های زندگی داشته و رشته‌کوه‌های متصل به هم، به معنای وجود اولیای الهی است که ایشان را به قله رفیع انسان کامل و بارگاه شریف استاد معنویشان نایل نمودند.

مرحله دوم: هنر نقاشی

ماجرای ورود استاد به عرصه هنر در ضمن ادامه فعالیت در ورزش کشتی، از آنجا شروع شد که ایشان در سن ۲۷ سالگی در حالی که در کارخانه نساجی شهر ری مشغول به کار بودند، یکی از روزها ناگهان دچار تحول شدید روحی شده و به ایشان الهام می‌گردد که «تو هنرمند می‌شوی!» به دنبال این الهام روحانی، آن‌چنان اشتیاقی نسبت به هنر نقاشی احساس می‌نمایند که پیوسته با خود زمزمه می‌کنند: «من هنرمند می‌شوم!» ذوق و علاقه استاد به قدری بود که در مواجهه با هر یک از کارگران کارخانه با تکرار این جمله که «من هنرمند می‌شوم!» هیجان و اشتیاق وافر خود را نشان می‌دادند؛ هر چند آنها نسبت به این سخن بی‌اعتنا بودند.

بعد از این الهام شگفت، جناب استاد دیگر آرام و قرار نداشتند و با قرض نمودن مقداری پول از همکاران خود، پیوسته لحظه‌شماری می‌کردند که ساعت کار در کارخانه به پایان رسد. از این‌رو، پس از اتمام کار، بلافاصله سوار بر سرویس مسیر تهران، رهسپار خیابان لاله‌زار می‌شوند تا لوازم مورد نیاز خود را برای شروع کار نقاشی تهیه کنند. پس از جست‌وجوی بسیار به یک مغازه نقاشی به نام «فروشگاه یمین» وارد می‌شوند که فروشنده آن، زن جوان مسیحی بوده است. حال و هوای استاد به هنگام ورود به این فروشگاه، همان حال و هوایی است که در کارخانه نساجی موقع آن الهام شگرف داشته‌اند؛ چرا که مشتاق و جست‌وجوگر، شیفته و مصمم و آکنده از عشق و شادمانی وارد آن فروشگاه می‌شوند. رفتار و حالت متفاوت



استاد و اظهار این جمله که «من می‌خواهم هنرمند شوم»، توجه آن خانم مسیحی را به ایشان جلب می‌کند و او که تحت تأثیر علاقه وافر و هیجان‌زدگی استاد نسبت به نقاشی قرار گرفته، به ایشان می‌گوید: «کمی صبر کنید تا مغازه خلوت شود!» آنگاه پس از لحظاتی که مغازه از وجود دیگر مشتریان خالی می‌شود، ایشان را راهنمایی کرده و وسایل مورد نیاز از جمله دو کتاب در زمینه آموزش نقاشی را در اختیارشان قرار می‌دهد و استاد با شوقی وصف‌ناپذیر رهسپار منزل می‌شوند. به محض رسیدن به منزل، به کمک راهنمایی‌های آن خانم مسیحی و مدل‌هایی که دریافت کرده بودند، شروع به تمرین نقاشی نموده و در همان روز، اولین اثر خود را خلق می‌کنند.

اینگونه بود که نسیم شوق و امید در تار و پود وجود استاد دمیده شد و با ذوقی سرشار، به هنر نقاشی روی آوردند و به مطالعه زندگی نقاشان و هنرمندان بزرگ جهان همچون: رافائل، رامبراند، روبنس، گویا و داوینچی پرداختند. در این بین، زندگی و سبک «رامبراند»، نابغه و نقاش چیره‌دست هلندی توجه ایشان را به خود جلب کرد. با استفاده از کتب راهنما، سبک کلاسیک او را که همیشه زمینه تابلوهایش تیره بوده و از یک کانون، نور و روشنایی ساطع می‌گردد، برگزیدند و با همت و تلاش پیگیر، راه پُر فراز و نشیب هنر را بدون درک محضر استاد و تنها با استفاده از کتب راهنما طی کردند.

از این‌رو، در منزل استیجاری خود که فقط دارای یک اطاق کوچک بود، با وجود داشتن چند فرزند خردسال، در گوشه‌ای از اطاق به تمرین و یادگیری این هنر متعالی اقدام نمودند و سختی‌ها و مشکلات بسیاری را در این راه متحمل شدند. اگر چه نتیجه آن همه زحمات و کوشش‌های طاقت‌فرسا در آینده‌ای نه چندان دور، ترسیم تابلوهایی نفیس و زیبا در موضوعات گوناگون در ایران و برخی کشورهای دیگر بوده، اما در آن ماه‌های نخست، آثار هنری ایشان ارزش مالی نداشته و تهیه لوازم این کار، مخارجی را بر هزینه‌های زندگی ایشان می‌افزوده است.

پس از چندی با انصراف از کارخانه نساجی، در سال ۱۳۴۸ ش، مغازه‌ای را در محله «پل سیمان» شهر ری اجاره می‌کنند و علاوه بر منزل، به ادامه کار هنر نقاشی در آن مکان می‌پردازند.

در مسیر زندگی هنری، همواره سعی استاد بر این بوده که قلم را با خمیرمایه درد به صیغه عشق و معرفت آغشته ساخته و با توکل به خدای رحمان بر روی بوم، ترسیم‌گر هنر اصیل

باشند.

در شهریور ماه ۱۳۵۸ ش، استاد به توفیق ربوبی با سفر به کشور عربستان، جامه سفید احرام را بر تن نموده و به حرم امن الهی تشریف یافتند و در راستای بندگی عاشقانه خدای رحمان، زمزم جوشان عرفه را در سرزمین عرفات نوشیده، سرمست از شهد شهود، گلبانگ توحید را در قلب خویش طنین افکن ساختند و همگام با انجام مناسک الهی حج، به عنوان خدمه کاروان همواره در حال خدمت صادقانه به سر برده و به فعالیت‌های ثمربخشی در میان زائران ایرانی و خارجی مبادرت می‌ورزیدند.

در سال ۱۳۶۲ ش، نیز جناب استاد با انگیزه فعالیت هنری، به مدت ۴ ماه به دو کشور سوریه و لبنان مسافرت نمودند و در کنار ترسیم تابلوهای ماندگار، به تربیت و تعلیم نقاشی به جوانان هنردوست و سرشار از ذوق پرداختند.

استاد در این سفر هنری و معنوی، توفیق یافتند تا اماکن مقدس انبیا و اولیای الهی (ع) را زیارت نمایند و در آن مقابر نورانی، لحظاتی را به خلوت دل بنشینند. زیارتگاه‌هایی نظیر مرقد مطهر: حضرت هابیل (ع)، شیث نبی (ع)، حضرت نوح (ع)، صالح نبی (ع)، حضرت یوسف (ع)، و یحیای زکریا (ع) و نیز مقابر مشاهیر عرفان همچون شیخ محی‌الدین عربی که همگی از خاطرات ماندگار این سفر به شمار می‌روند.

شایان ذکر است در فروردین‌ماه سال ۱۳۹۱ ش، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توسط شورای ارزشیابی هنرمندان، نویسندگان و شاعران کشور، مدرک هنری معادل لیسانس در رشته نقاشی را به جناب استاد اعطا نمود که تصویر آن در بخش پیوست‌ها ارائه شده است.

مرحله سوم: سلوک عرفانی

زندگی هنری برخاسته از روح لطیف و احساس پر شور استاد «یعقوب قمری شریف‌آبادی» همراه با روحیه فتوت و جوانمردی حاصل از دوران ورزش، زمینه‌ساز ورود ایشان به دریای بی‌کران عرفان اسلامی و آغازگر سومین مرحله زندگی در پرتو جهان‌بینی عمیق عرفانی گشت؛ مرحله‌ای که حقیقت ولایت رحمانی و سیرت زیبای رحیمی را در ضمیر حق‌جوی استاد به سر حد کمال رساند و جهانی از نور و سُور را به روی زندگی‌شان گشود و به برکت وجود شریف اولیاءالله، کلبه درد و محنت زندگانی استاد به گلستان روح‌نواز معرفت مبدل گشت و پیشگویی نغز آن ولی الهی و وعده معنوی حضرت رضا (ع) درباره ایشان تحقق عینی



یافت و این گونه، سومین مرحله زندگانی استاد آغاز گردید. جناب استاد در سن ۳۸ سالگی (سال ۱۳۵۶ش) به دلیل فقر و تنگدستی و عدم استطاعت در تهیه مسکن استیجاری، علیرغم میل باطنی مجبور به مهاجرت به شهرستان ورامین شدند و دست تقدیر استاد را به منطقه خیرآباد ورامین (شهرک مدرّس) سوق داد و مقدمات ورود ایشان به عرصه عرفان و معنویت را در این شهر، فراهم نمود.

بدین ترتیب، در سن ۴۵ سالگی (سال ۱۳۶۳ش) در شهر ورامین با شخص عارفی که به حرفه نقاشی ساختمان اشتغال داشت، آشنا شدند و به واسطه گفت و گوهای معنوی و بحث های عرفانی بسیار با وی، سخت به عرفان و کتب عرفای بزرگ علاقه مند گردیدند؛ عارفانی همچون: جلال الدین مولوی، حافظ شیرازی، عطار نیشابوری، سنائی غزنوی، امام خمینی (س) و به ویژه محمد لاهیجی نویسنده «شرح گلشن راز» که جناب استاد مشاهده ای معنوی راجع به این کتاب شریف دارند^۱ و به موجب آن، دروازه ای به سوی جهانی سرسبز و بی انتها در پرتو شناخت انسان کامل و تهذیب نفس در عالم روحانی به روی ایشان گشوده شد.

نکته شایان توجه این است که روح قدسی آن ولی الهی از بدو تولد تا دوران ورود استاد به عرصه عرفان، پیوسته همدم و همراهشان بوده و به فرموده خود ایشان، بارها در فراز و نشیب های دشوار زندگانی و لحظات بحرانی، تأییدات غیبی و حمایت های روحانی آن پیر روشن ضمیر را با همه وجود احساس می نمودند و به موجب آن، در برابر مشکلات طاقت فرسا و سختی های مراحل زندگی، ایستادگی و استقامت را سرلوحه خویش می ساختند تا اینکه در اوّل خردادماه سال ۱۳۶۵ش، توفیق درک محضر مربی شریف و استاد معنوی خویش عارف کامل، شیخ «محمدحسن شریف الدین مشکور تهرانی» را می یابند و بدین ترتیب، در عالم عشق و فنا به تولدی روحانی نایل گشته و از این پس، تحت ولایت ربوبی و حمایت روح قدسی مربی رحمانی خویش قرار می گیرند. پس از دو سال سیر و سلوک عرفانی در پیشگاه ایشان، مشاهده ای روحانی برایشان رخ می دهد که از نهایت عشق و دلدادگی شان به مقتدای رحمانی خود و شایستگی ایشان نسبت به تعلیم و هدایت مشتاقان وادی معرفت حکایت دارد. جناب استاد این مشاهده را چنین شرح می دهند:

«دی ماه سال ۱۳۶۷ش، در ایام حیات و زندگانی آن مقتدای عظیم الشان، سحرگاه یکی از

شبها در عالم واقعه مشاهده نمودم که در میان صحن مطهر و حریم آن شریف بزرگوار، کنار حوض آب ایستاده‌ام و عده‌ای در اطراف من به رفت و آمد مشغول‌اند. در صحن با صفای دارالذکر، این حقیر در حالی که به آسمان می‌نگریستم، ناگهان دیدم در مقابلم آقا و سید بزرگوارم، رو به سوی قبله بر فراز گنبد عارف الهی، حاج پیرصفا، ایستاده و در حالت جذبه، چشم به آسمان دوخته و آنچنان رخساره منورش با هیبت بود که تمامی اطرافیانم با وحشتی وصف‌ناپذیر به هر سویی می‌گریختند و من که فرصت گریختن نداشتم، متحیر و میبهوت، از شدت خوف بر جای خود می‌لرزیدم. در همین اثنا، به یکباره مشاهده نمودم که ایشان با شکوهی کبریایی، دستان مقدسش را آهسته از زیر عبای مبارکش که وزش بادی تند آن را به حرکت درآورده بود، خارج ساخت و با فریاد رسا و کشیده «علی» که از ژرفای جانش برآمد، به جانب آسمان بلند نمود و با آن ندای پُر سوز و گدازش، چنان آتشی از بستر صحن مقدس بر پا خاست که شعله‌های سوزانش تا صدها متر به آسمان زبانه می‌کشید و این حقیر که با خوف بسیار و بدون هیچ‌گونه اراده و با حالتی میبهوت، نظاره‌گر این واقعه عظیم بودم، خود را در میان توده انبوهی از شعله‌های برافروخته یافتم و پس از لحظاتی که زبانه‌های آتش فروکشید، دیدم به واسطه شدت حرارت زیاد، سراسر بدنم به صورت مجسمه‌ای ذوب‌شده در آمده و جرقه‌های آتش از وجود گداخته‌ام به اطراف می‌جهد. مدت کوتاهی پس از خاموش شدن آتش، مشاهده کردم مانند فقیری نیازمند که سرش را به طرف چپ متمایل نموده، قسمتی از سمت چپ گردنم به شانه‌ام چسبیده و توانایی حرکت دادن و بالا آوردن سرم را ندارم. سپس با اشاره یکی از اولیای مقرب الهی که در کنار دیوار صحن، رو به سوی بارگاه مطهر امام رضا(ع) ایستاده و ناظر این صحنه بود، جلو رفتم و ایشان با سرانگشت مبارکش از آب شفابخش دهان خود بر گردنم مالید تا اینکه سلامتی کامل خود را به دست آورده و سرم را بالا گرفتم. آنگاه رو به من نمود و با تبسمی عارفانه فرمود: حالا شما هم می‌توانید شعار بدهید. بعد از آن مرا به بیرون از صحن روانه نمود تا به سردادن شعار معنوی مشغول گردم.^۱

۱. ر.ک: زن، طائر فردوس یا ساحر دوزخ، استاد یعقوب قمری شریف‌آبادی، ص ۲۹۷. همچنین، شبی در عالم معنا مشاهده نمودند که به همراه امام خمینی(س) در بازارچه‌ای مشغول قدم زدن هستند و حضرت امام(س) رو به ایشان فرمودند: «می‌خواهم به شما مقام معنوی عطا نمایم.» با وجود آنکه استاد از پذیرش این مطلب به جهت عدم برخورداری از تحصیلات کافی ابا داشتند، اما حضرت امام(س) با تبسمی پُر معنا، باز همان سخن را تکرار می‌فرمودند.

در ادامه سیر صعودی استاد به سوی قله رفیع مقامات معنوی و عرفانی، در مهرماه سال ۱۳۷۱ ش رؤیای صادقه دیگری نیز برای استاد رخ می‌دهد که شرح آن از زبان ایشان چنین است: «پس از عبادات سحرگاهی و نماز صبح، مشاهده نمودم که در صحرایی خشک ایستاده‌ام و به جنگلی انبوه و کوه‌های مرتفع اطراف آن در فاصله‌ای دور نظاره می‌کنم. ناگاه شخصی شتاب‌زده با هیبتی مخوف و قامتی بسیار بلند به سوی من حمله آورد که با دیدن او از شدت ترس، پا به فرار گذاشتم تا این که پس از طی مسافت زیاد، به کنار رودخانه‌ای در ابتدای جنگل رسیدم و در امتداد آن به درون جنگل در حال دویدن بودم که به محل پیچ رودخانه رسیدم و او هم‌چنان با فاصله‌ای صد متری مرا تعقیب می‌کرد. هنوز از محل پیچ رودخانه فاصله چندانی نگرفته بودم که کلبه‌ای بزرگ در نزدیکی رودخانه نمایان شد و من با شتاب به طرف آن رفته، از در نیمه‌باز کلبه با حالتی وحشت‌زده وارد شدم و بلافاصله به طبقه دوم آن کلبه رفتم و لحظاتی بعد که از آمدن آن شخص مخوف خبری نشد، آهسته‌آهسته از پله‌ها پایین آمدم که ناگهان چشمم به فرشتگان زیبارویی افتاد که همگی سماع‌کنان با شور و شیدایی روی به سوی من داشتند؛ به طوری که احساس می‌کردم محفل بزم و طرب فرشتگان به خاطر من بر پا شده تا هر کدام مرا به سوی خود جذب نمایند. ناگاه دیدگانم به تابلوی نقاشی بسیار زیبایی افتاد که در قابی طلایی بر دیوار کلبه نصب شده و دارای منظره‌ای دلپذیر از طبیعت سرسبز و آبشاری روان به صورت زنده و متحرک بود و چنان مرا به خود مجذوب نمود که دیگر ترس برایم مفهومی نداشت و تنها به این می‌اندیشیدم که نقاشان بزرگ جهان همچون: رامبراند، رافائل و لئوناردو داوینچی، هر چند آثارشان زنده و متحرک نبوده، اما به آن همه شهرت و محبوبیت عالم‌گیر دست یافته‌اند، پس چنانچه من تابلویی با چنین نقش و نگار زنده و متحرکی بسازم، چه اتفاق عظیمی در جهان رخ خواهد داد! در این اثنا که دیگر توجهی به آن فرشتگان مه‌رو نداشتم و در مورد خلق چنین اثری تصمیم جدی گرفته بودم، از خواب بیدار شدم.»^۱

به تعبیر جناب استاد، آن شخص مخوف، همان فقر و محرومیت ایشان و در حقیقت فرشته‌ای بوده به‌ظاهر ترسناک که با تعقیب خود، ایشان را به سوی کمال روحانی سوق می‌داده و رقص آن زیبارویان، چیزی جز سرگرمی‌های دنیا نبوده که قصد داشته‌اند ایشان را از هنر پویا و ترسیم تابلوهای زنده باز دارند؛ تابلوهایی که در واقع، وجود شاگردان تربیت‌شده

ایشان در عرصه ایمان، عمل صالح و خدمتگزاری عارفانه به جامعه می‌باشد. در این مسیر، پیوسته ناملازمات و مشکلات بسیاری فراروی ایشان قرار داشته و هر چند برخوردهای متحجرانه و تهمت‌ها و شایعه‌سازی‌های برخی افراد مغرض، موجب رنجش خاطر استاد گردیده، اما ایشان به مدد صبر و استقامتی جمیل به منظور نیل به اهداف معنوی خویش، همه دشواری‌ها و سختی‌ها را متحمل شده و همواره آیات نویدبخش الهی را در تمامی مراحل زندگی مدّ نظر خود قرار داده‌اند.

آثار علمی و معنوی استاد

از جمله مهم‌ترین آثار زندگی استاد «یعقوب قمری شریف‌آبادی» تأسیس جلسه علمی - معنوی «فروغ محفل روح‌الله» ویژه برادران و نیز «مکتب الزهراء(س)» ویژه خواهران با سرپرستی همسر مؤمنه ایشان، بانو رقیه خاتون حیدری (زهره حورالحصین) در سال ۱۳۶۸ ش، است؛ بدین منظور که زمینه پرورش معنوی جوانانی پاک‌سیرت و مستعد فراهم آید تا راه و سیره نورانی اولیاءالله را پیروی نموده و منادی معارف ناب اسلامی در این عصر باشند.

از دیگر ثمرات بی‌شمار زندگی عارفانه استاد، آثار متعدد نوشتاری، هنری و سخنرانی‌های ایشان است که با موضوعات عرفانی و معنوی به جامعه بشری عرضه شده است و از آن میان، می‌توان به کتاب‌های ذیل اشاره کرد:

- «انسان کامل، مرآت خفیه» در بیان منزلت معنوی و مقام روحانی انسان کامل؛
- «زن، طائر فردوس یا ساحر دوزخ» در شرح حقیقت وجود زن؛
- «پرتوی از جمال روح‌الله» شامل چهل عبارت در بیان مقام عرفانی امام خمینی(س)؛
- «مراتب هفتگانه فرشته عشق» در تبیین مراتب هفتگانه سلوک انسان؛
- «لطایف عارفانه» نکته‌های معنوی و کلمات حکیمانه در موضوعات متنوع عرفانی؛
- «شگفتی‌های مهتاب» شامل بخشی از تعبیر خواب‌ها، مشاهدات قلبی، پیشگویی‌های باطنی و خاطرات معنوی استاد؛
- «رؤیاها و تعبیرها» مشتمل بر بخشی از رؤیاها و خواب‌هایی که جناب استاد آنها را تعبیر نموده‌اند، به همراه مقدمه‌ای ارزشمند شامل مطالبی مثل: نقش رؤیا در هدایت انسان، انواع خواب‌ها و نیز شرایط و ویژگی‌های معبر واقعی؛



- «لطایف قرآنی» شامل تأویل عرفانی متشابهات قرآن و بیان اسرار و لطایف آیات. همچنین از آثار مرتبط با جناب استاد که به همت شاگردان ایشان تهیه و منتشر شده، می‌توان به این موارد اشاره نمود:

- «آوای نیایش» مجموعه‌ای از دعاها و پرمحتوا و دلنشین جناب استاد؛

- «شکوه خاطره» روایت تصویری زندگی و آثار استاد در عرصه ورزش، هنر و عرفان اسلامی؛

- «چهل سال پایداری» مشتمل بر تاریخچه‌ای خاطره‌انگیز و ماندگار، و بیان گوشه‌ای از شرح فعالیت‌ها و خدمات عدیده فرهنگی و معنوی جناب استاد؛

- «سیمای خورشید در آیینه مقالات» به قلم چهل تن از شاگردان استاد در توصیف عظمت امام و انقلاب؛

- و چاپ هزاران مقاله پرمحتوای فرهنگی، اجتماعی، علمی، ادبی، هنری و عرفانی توسط شاگردان استاد در نشریات محلی و کشوری، خاصه در ماهنامه سراسری «تجلی» و نیز راه‌اندازی و فعالیت قریب به چهل پایگاه اینترنتی.

از دیگر آثار ماندگار جناب استاد «قمری شریف‌آبادی»، تابلوهای نفیس هنری بسیاری است که تعدادی را به موزه مرکزی آستان قدس رضوی (تابلوهای «معراج نور»، «نیایش»، «حامی محرومان» و «مزرعه شادی») و موزه هنرهای معاصر اصفهان (تابلوهای «رحیل عشق» و «تجلی نور») اهدا نموده‌اند. مجموعه‌ای کامل از کتاب‌های استاد نیز به سازمان کتابخانه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی تقدیم شده که تصویر تقدیرنامه‌های مربوط به اهدای این کتاب‌ها و نیز تقدیرنامه‌های مربوط به اهدای تابلوهای هنری به مراکز فوق، در بخش پیوست‌ها آمده است.

عروج معنوی

جناب استاد، سرانجام پس از قریب به هشتاد سال زندگی پرماجرا و شگفت‌انگیز که سرشار از معرفت و معنویت است، در شامگاه پنجشنبه بیست و چهارم آبان‌ماه ۱۳۹۷ش، (۱۵ نوامبر ۲۰۱۸م) مصادف با شب سالگرد شهادت امام حسن عسکری (ع) (هفتم ربیع‌الاول ۱۴۴۰ق)، از عالم خاکی مفارقت، و به سرای ابدی عروج نمودند.

پیکر مطهر ایشان، طی مراسمی معنوی، در شهرستان پیشوا در جوار بقعه مبارک جناب



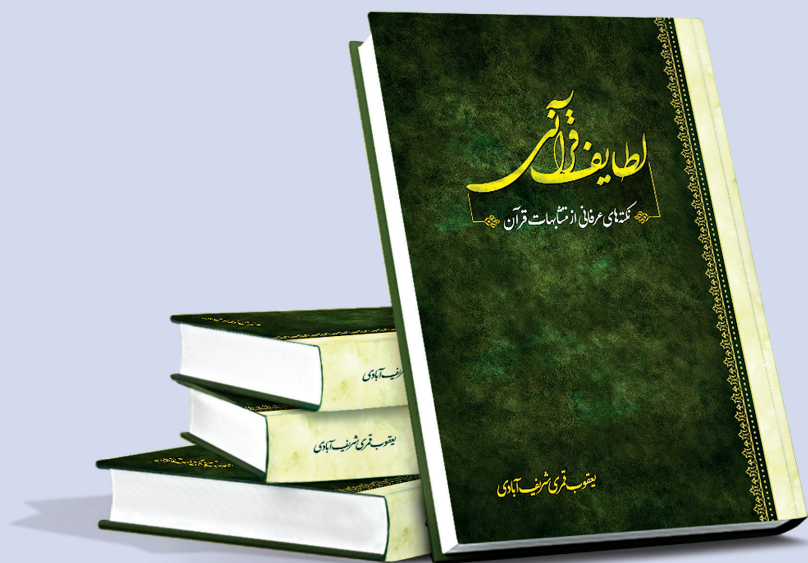
یوسف بن حسین رازی (معروف به یوسف رضا)، عارف نامدار قرن سوم هجری قمری، تشییع و به خاک سپرده شد تا مزار اهل دل گردد.

هشتاد سال زندگانی پربرکت جناب استاد «یعقوب قمری شریف آبادی»، مملو از درس‌ها و آموزه‌های فراوانی است برای جویندگان راه کمال و پویندگان طریق معرفت؛ زندگانی‌ای که بیش از چهل سال آن را با مجاهدت بسیار، در مسیر کمال معنوی خویش و دیگران مصروف داشتند و با غیرت و جوانمردی، و صبر و بردباری، رایت شریف ولایت رحمانی را عاشقانه بر دوش کشیدند و با تربیت شاگردان بسیار، به احیای فرهنگ ناب عشق و عرفان همت گماشتند.

بی‌شک، صحیفه مقدس روح لاهوتی ایشان، جلوه‌ای تام از حقیقت توحید است که فروغ مهتابش تا ابد روشنای راه جویندگان معنویت و مشتاقان معرفت خواهد بود. یاد شیرینش همیشه گرامی و راه لطیفش همواره پر رهرو باد!

جمعی از شاگردان استاد





لطایف قرآنی

نکته‌های عرفانی از تشابهات قرآن
نویسنده: یعقوب قمری شریف‌آبادی
ناشر: انتشارات زمزمه، بوشهر
چاپ: اول، زمستان ۱۳۹۸

«لطایف قرآنی» کتابی تأویلی نسبت به آیات متشابه و باطنی قرآن است که نگارنده سعی نموده با نگرشی برخاسته از ایمان و طهارت قلبی، حقایق و اسرار ناگفته قرآن کریم را همچون مرواریدهای گرانبها از ژرفای اقیانوس این کتاب عظیم بیرون کشد و در منظر زیباپسندان اهل معرفت و معنویت قرار دهد. بنابر این، کتاب حاضر، با کتاب‌های تفسیری که با نگاه علمی، به رفع ابهام از الفاظ قرآن می‌پردازند و معنا و مفهوم ظاهری آیات را مشخص می‌سازند، متفاوت می‌باشد.



لطایف عارفانه

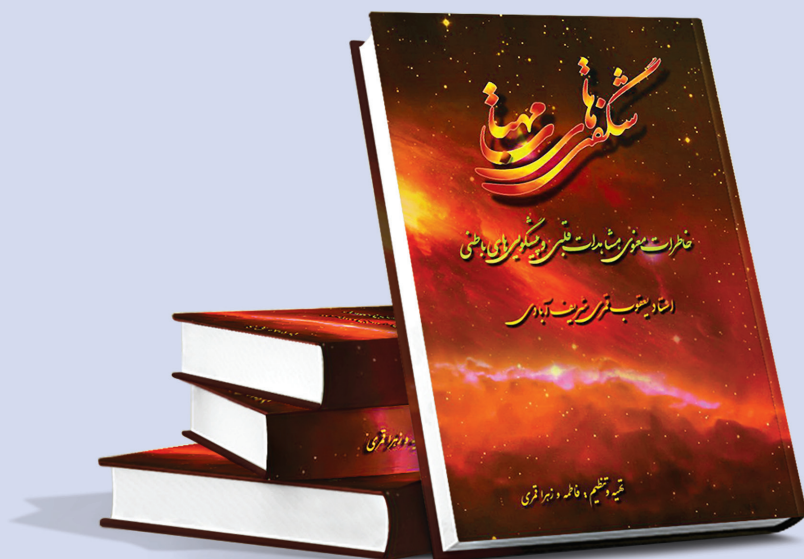
نکته‌های معنوی و کلمات حکیمانه

نویسنده: یعقوب قمری شریف آبادی

ناشر: انتشارات پژهان، شیراز

چاپ: اول، تابستان ۱۳۹۰ ش

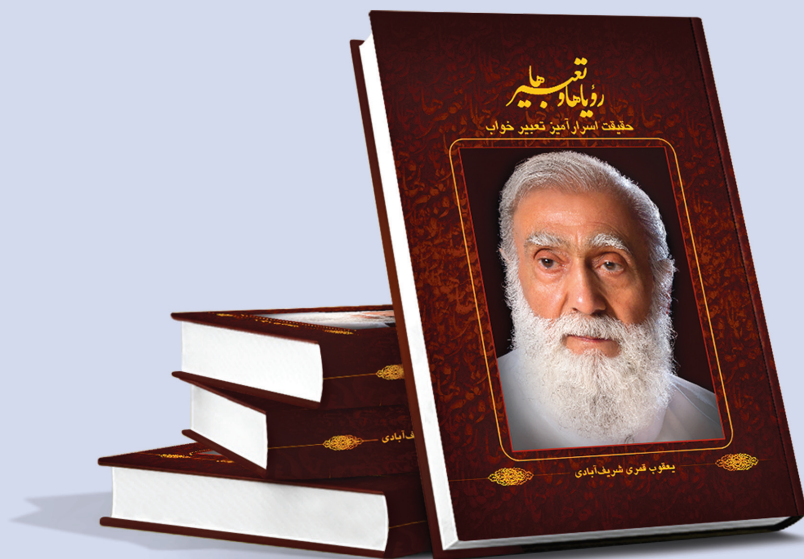
«لطایف عارفانه» که حاصل سال‌ها تجربه و سلوک معنوی و انقلابی و در شمار بهترین آثار عرفانی نگارنده است، با هدف تقویت و گسترش معرفت دینی و بصیرت قلبی، در قالب عبارات عارفانه و لطایف معنوی تحریر یافته است. از جمله ویژگی‌های کتاب حاضر که به دو زبان فارسی و انگلیسی ارائه شده، تنوع مباحث و موضوعات عدیده معرفتی در قالب جملات کوتاه است.



شگفتی‌های مہتاب

خاطرات معنوی، مشاهدات قلبی و پیشگویی‌های باطنی
نویسنده: یعقوب قمری شریف آبادی
ناشر: انتشارات پڑھان، شیراز
چاپ: اول، پاییز ۱۳۹۳ ش

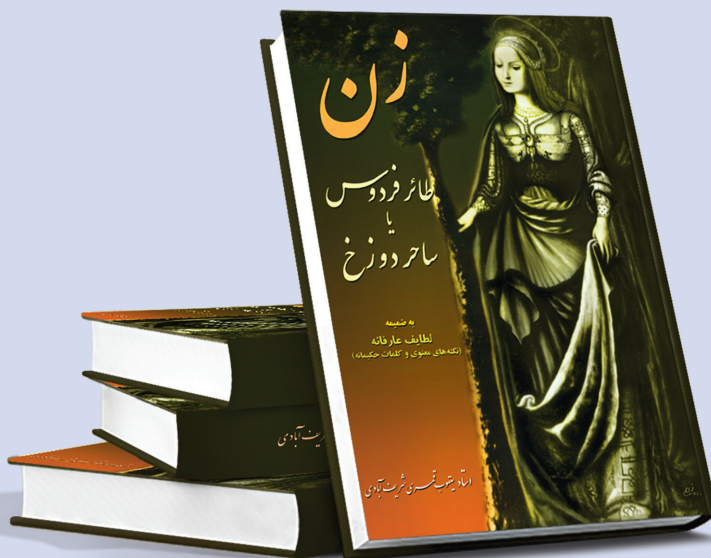
این اثر که رهاورد سال‌ها تجربه و سیر و سلوک عرفانی و نتیجه صبر و استقامت نگارنده در مسیر حق و حقیقت می‌باشد، شامل بخشی از: تعبیر خواب‌ها، مشاهدات قلبی، پیشگویی‌هایی باطنی و خاطرات معنوی ایشان است. گفتنی است که کتاب پیش رو، به درخواست همسر گرامی، فرزندان و شاگردان جناب استاد قمری شریف آبادی، مبنی بر نوشتن این مجموعه به دستخط مبارک خود ایشان، سامان یافته است.



رؤیاها و تعبیرها

حقیقت اسرار آمیز تعبیر خواب
نویسنده: یعقوب قمری شریف آبادی
ناشر: انتشارات پژهان، شیراز
چاپ: اوّل، زمستان ۱۳۹۶ ش

اثر حاضر، مشتمل بر بخشی از رؤیاها و خواب‌هایی است که نویسنده آنها را تعبیر نموده است. این کتاب آموزنده که از جمله دستاوردهای سلوکی و نتیجه سال‌ها طهارت و استقامت نگارنده در مسیر کمالی می‌باشد، نکات ارزنده و حقایق شگرفی را در خصوص تعبیر رؤیا در معرض استفاده خوانندگان گرامی قرار می‌دهد. آنچه بر غنای معنوی این اثر افزوده، مقدمه بسیار ارزشمند آن می‌باشد. نقش رؤیا در هدایت انسان، انواع خواب‌ها و نیز شرایط و ویژگی‌های مُعَبِّر واقعی، از جمله مباحث راهگشایی است که نگارنده در مقدمه به آنها پرداخته و اسرار و لطایفی هدایت‌بخش را در این باره تبیین نموده است.



زن، طائر فردوس یا ساحر دوزخ

نویسنده: یعقوب قمری شریف آبادی

ناشر: انتشارات منیر، تهران

چاپ: اوّل، پاییز ۱۳۸۳ ش

نگارنده، با استناد به آیات و روایات، به ویژه سوره‌های مریم و کوثر، بیانگر این مهم است که حقیقت وجود زن، نور مقدّس رحیمی است که به سبب ظلمت قابیلیان تاریخ، به تیرگی گراییده و چنانچه در پرتو حفظ و صیانت انسان کامل بسان زکریای نبی (ع) و علی مرتضی (ع) قرار گیرد، همانند مریم عذرا (س) و فاطمه زهرا (س) به طهارت و نورانیت ازلی خویش نایل می‌شود و به عنوان اسوه «طائران فردوس»، نجات‌بخش راغبانش از دوزخ مشتهیات مُلکی به سوی فردوس مقربین می‌شود.

اما چنانچه زن از صیانت و مراقبت انسان کامل محروم شود، از جمال و سیرت بهشتی و نورانیت ازلی خود مهجور گشته، همچون «اُمّ جمیل» به عنوان نماد «ساحران دوزخ» هبوط‌دهنده دل‌باختگان خویش به سوی «غسلین» دوزخی می‌گردد.



مراتب هفتگانه فرشته عشق

نویسنده: یعقوب قمری شریف آبادی

ناشر: انتشارات پژهان، شیراز

چاپ: اول، پاییز ۱۳۹۰ ش

این کتاب، با نگرشی نو به بیان مراحل سیر و سلوک رهروان طریق عشق و معرفت در پرتو هدایت انسان کامل، طی هفت وادی و با تطبیق بر وجود فرشته عشق می‌پردازد و سیر کمالی راهیان صراط حمید را از عالم جمادی تا عالم رحمانی ترسیم می‌نماید. بدین ترتیب، سعی نگارنده بر آن است که جهانی وسیع از اسرار و حقایق سلوک را فراسوی قلوب شیفتگان معنا گشوده، دیدگان ایشان را به فروغ بصیرت رحمانی و معرفت رحیمی روشنایی بخشد. اثر حاضر، به دو زبان فارسی و انگلیسی ارائه شده است.



انسان کامل مرآت خفیه

نویسنده: یعقوب قمری شریف آبادی

ناشر: انتشارات پژهان، شیراز

چاپ: دوم، زمستان ۱۳۹۹ ش

این اثر، از دیدگاه عرفان اصیل و نظرگاه آیات و روایات اسلامی به تبیین منزلت معنوی و مقام روحانی انسان کامل پرداخته و در صدد گشودن راهی در ظلمتکده ناسوت به سوی آب زندگانی است. نگارنده، در پی اثبات این حقیقت است که یگانه مفتاح رهایی آدمی از گرداب جهالت و شهوت، تمسک به وجود اولیای کامل الهی است که کعبه دلشان منور به حضور خدای رحمان و مرآت قلبشان تجلی گاه جمال دلربای رحیمی است.



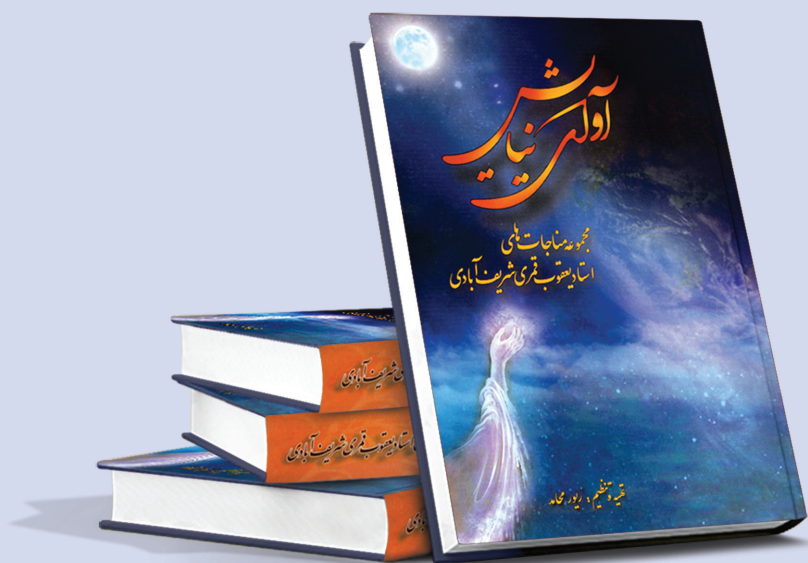
پرتوی از جمال روح الله

نویسنده: یعقوب قمری شریف آبادی

ناشر: انتشارات پژهان، شیراز

چاپ: اول، پاییز ۱۳۸۷ ش

مطالبی که در این اثر به سه زبان: فارسی، عربی و انگلیسی عرضه شده، شامل چهل عبارت - از باب تیمّن و تبرک - برگرفته از سخنان عارفانه و کلمات حکیمانه استاد یعقوب قمری شریف آبادی درباره منزلت روحانی و مقام معنوی امام خمینی (س) است که با بیانی نغز و اشاراتی لطیف و با الهام از آیات الهی و روایات اسلامی، در صدد پرده‌گشایی از زوایای پنهان جلال رحمانی و جمال رحیمی حضرت امام (س) می‌باشد.



آوای نیایش

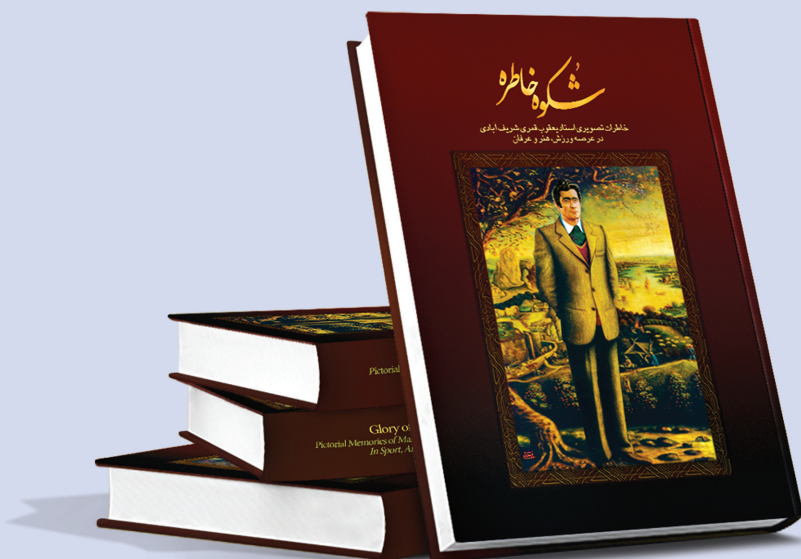
مجموعه مناجات‌های استاد یعقوب قمری شریف‌آبادی

تهیه و تنظیم: زیور محامد

ناشر: انتشارات پژهان، شیراز

چاپ: اول، زمستان ۱۳۹۱ش

«آوای نیایش» مجموعه دعا‌های پر محتوا و دلنشین عارف صاحب‌دل، استاد یعقوب قمری شریف‌آبادی است که ضمن سخنرانی در جلسه علمی و معنوی «فروغ محفل روح‌الله»، طی سالیان متمادی ایراد گردیده و مشتمل بر مطالب ارزنده و معارف ژرفی است که دل هر خواننده‌ای را به عرش اعلی رهنمون می‌سازد و به‌ویژه در زمانی که توجه به مادیات رو به فزونی گذاشته، فتح بابی به سوی معنویات و ارزش‌های اخلاقی به شمار می‌رود.



شکوه خاطره

خاطرات تصویری استاد یعقوب قمری شریف آبادی

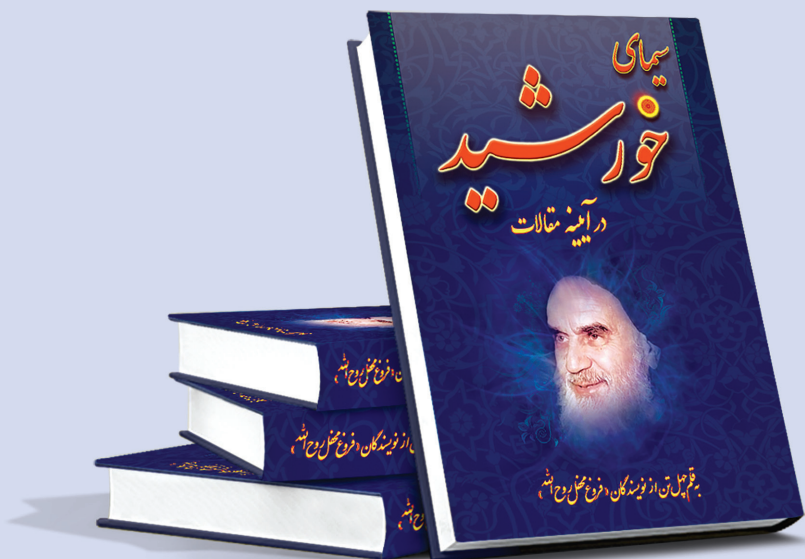
در عرصه ورزش، هنر و عرفان

تهیه و تنظیم: جمعی از شاگردان

ناشر: انتشارات پژهان، شیراز

چاپ: دوم، آذرماه ۱۳۹۰ ش

کتاب «شکوه خاطره» روایت تصویری زندگی و آثار هنرمند صاحب‌دل، استاد یعقوب قمری شریف آبادی است که پس از سال‌ها تلاش بی‌وقفه در عرصه ورزش، هنر و عرفان اسلامی، کیمیای سعادت را در پرتو آگاهی و صبر به دست آورده و جستجوگران زیبایی و حقیقت را به سوی قله‌های بلند کمال و جمال رهنمون است. این اثر نفیس، به کوشش جمعی از شاگردان ایشان، به دو زبان فارسی و انگلیسی، تهیه و تنظیم شده است.



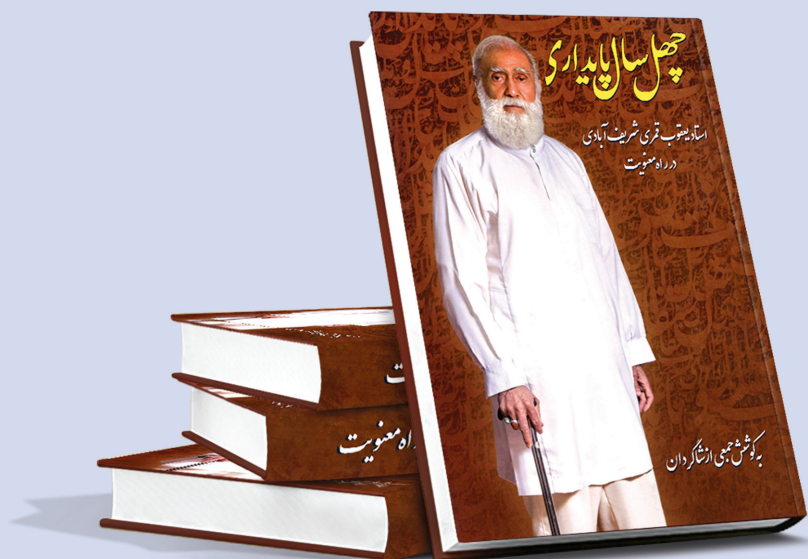
سیمای خورشید در آینه مقالات

به قلم چهل تن از نویسندگان «فروغ محفل روح الله»

ناشر: انتشارات طرحان، همدان

چاپ: اول، ۲۲ بهمن ۱۳۸۷

این اثر با نگرشی نو به تبیین عظمت انقلاب اسلامی، شخصیت معنوی امام خمینی (س) و تأثیر روحانی ایشان در تحول عصر آخرالزمان می‌پردازد. کتاب حاضر با پیشنهاد و نظارت هنرمند متعهد و نویسنده صاحب‌دل، استاد یعقوب قمری شریف‌آبادی و به قلم چهل تن از شاگردان ارادتمند ایشان نگارش یافته است.



چهل سال پایداری

استاد یعقوب قمری شریف آبادی در راه معنویت

تهیه و تنظیم: جمعی از شاگردان

ناشر: مؤلف

چاپ: اول، بهار ۱۳۹۷ ش

این کتاب، تاریخچه‌ای است خاطره‌انگیز و ماندگار از چهل سال صبر و استقامت عارف صاحب‌دل، استاد یعقوب قمری شریف‌آبادی، در برابر مشکلات جان‌فرسا و نیز تلاش خستگی‌ناپذیر ایشان در مسیر معنویت ناب، و گوشه‌ای است از شرح فعالیت‌ها و خدمات عدیده فرهنگی و معنوی که همگی تحت سرپرستی، اشراف و هدایت‌بخشی‌های دلسوزانه این عارف بزرگوار به سامان رسیده است.



تقدیرنامه سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی
به جهت اهدای چهار عدد تابلوی نقاشی رنگ روغن، اثر هنری استاد یعقوب قمری شریف آبادی

بسمه تعالی

۹۱/۱۱/۱۶

شماره نامه: ۶۶/۲۵۰

به سرزند فریخته جناب استاد یعقوب قمری شریف آبادی
ضمن عرض تحیت و احترام؛

از بذل توجه حضرت تعالی در خصوص اهداء دو اثر نقاشی نفیس، رحیل عشق و تجلی نور
به موزه هنرهای معاصر اصفهان، صمیمانه قدردانی می نمایم،
امید که در سایه الطاف الهی، بهواره در خدمت فرهنگ و هنر ایران اسلامی پدیدار و
مؤید باشید.
سلامتی و طول عمر با عزت جنابعالی را از خداوند منان خواستاریم.

دکتر مهدی دلیلی
رئیس موزه هنرهای معاصر اصفهان

تقدیرنامه موزه هنرهای معاصر اصفهان به جهت اهدای دو عدد تابلوی
نقاشی رنگ روغن، اثر استاد قمری شریف آبادی



تقدیرنامه سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی
به جهت اهدای شش نسخه کتاب از تالیفات استاد یعقوب قمری شریف آبادی

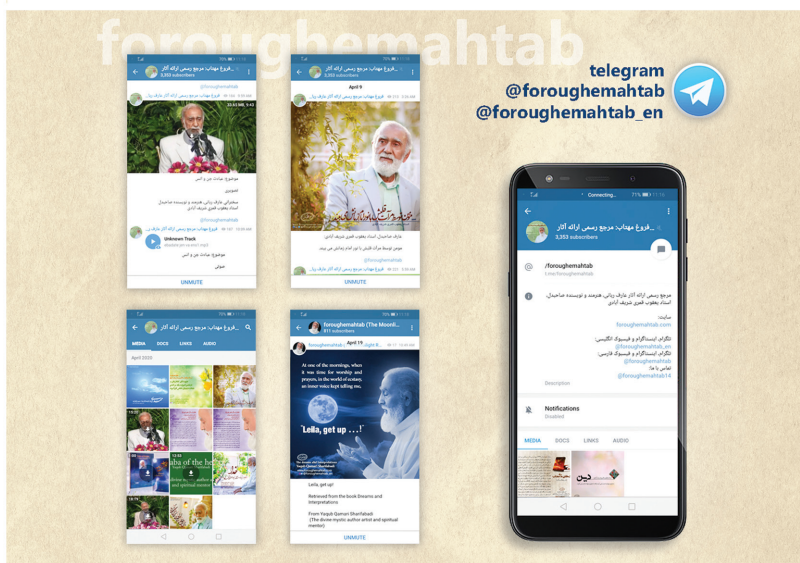


تقدیرنامه سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی
بر جهت اهدای چهل و هشت نسخه کتاب چاپی، از تالیفات استاد یعقوب قمری شریف آبادی



مدرک درجه سه هنری (لیسانس) جناب استاد قمری شریف آبادی
اعطایی از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

وبسایت «فروع مهتاب» به کوشش جمعی از شاگردان استاد یعقوب قمری شریف آبادی در سال ۱۳۸۵ش به امر و نظارت مستقیم جناب استاد راه اندازی شده و به ترویج معنویات و معارف دینی و نیز معرفی شخصیت و آثار گوناگون ایشان اختصاص دارد.



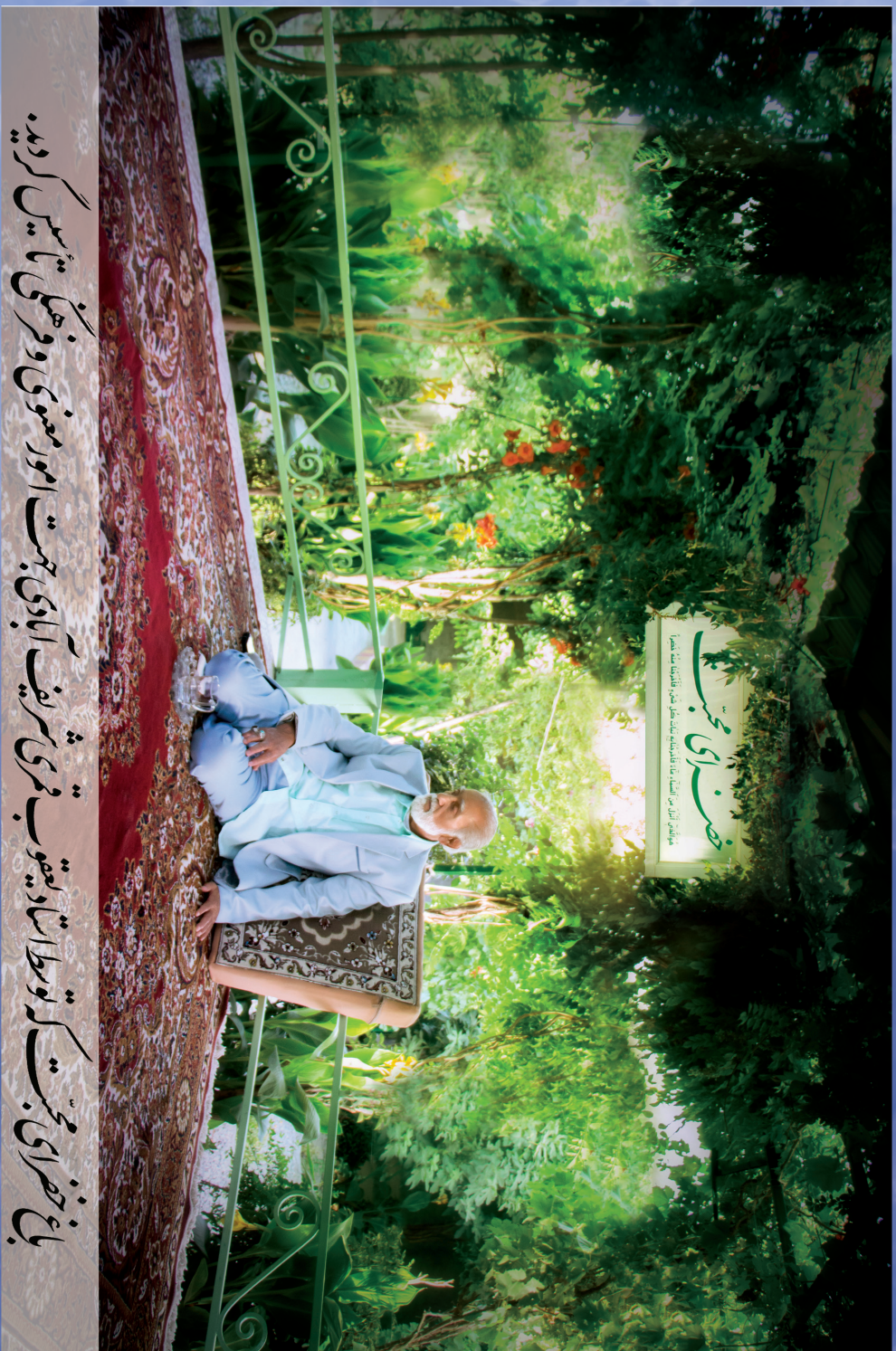
جهت ورود به
صفحات فوق
بارکد مقابل
را اسکن نمایید

شبکه‌های اجتماعی

صفحه اینستاگرام و کانال تلگرام «فروغ مهتاب» در زمان حیات و تحت نظارت مستقیم استاد یعقوب قمری شریف‌آبادی به کوشش جمعی از شاگردان صدیق ایشان به منظور ترویج معارف باطنی و معرفی شخصیت هنری و عرفانی استاد راه‌اندازی شده است.



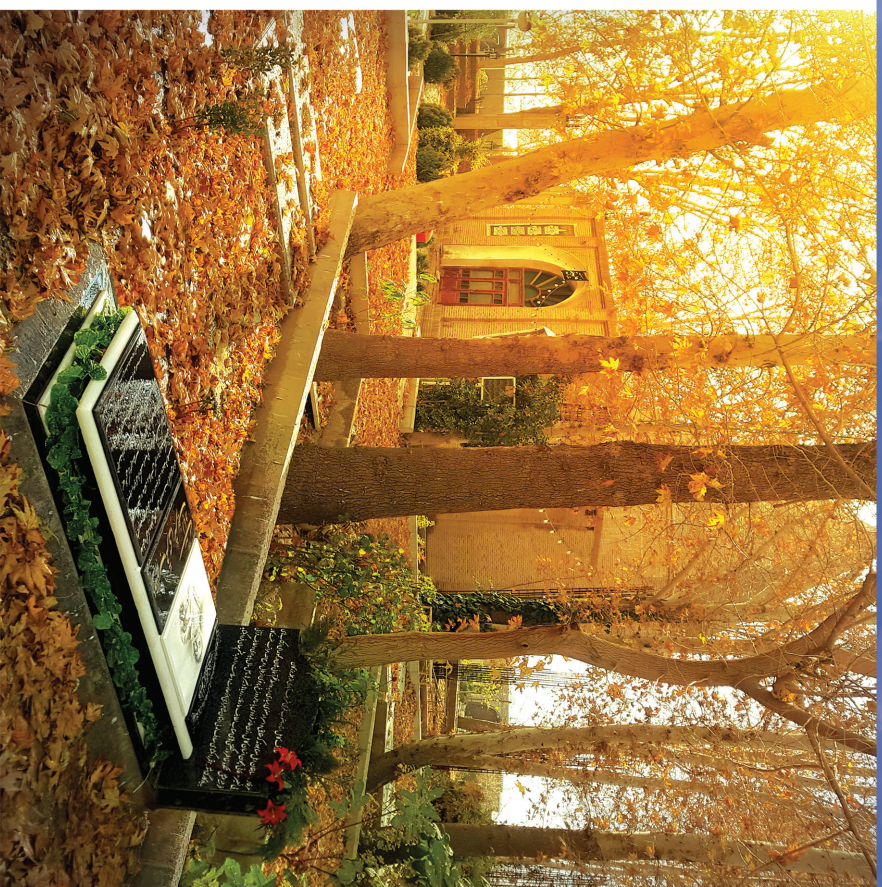
استاد یعقوب قمری شریف آبادی در اتاق شخصی شان



باغ خضراى محبت که توسط استاد یعقوب ثمرى سرشيف آبادى بهمت امور معنوى و فرهنگى تاسيس کرديد.



مزار استاد معقوب قرنی شریف آبادی (پروفسور رضا) واقع در شهرستان شیوا



مزار استاد معقوب قرنی شریف آبادی در جوار بقعه مبارکه پیر حسین در شهر شیوا

عروس حضرت قرآن

در آخرین شب چارمبه ماه رجب سال ۱۳۶۸ ش بعد از نماز صبح که در حال خواندن نماز قرآن سوره نور بودم ناگهان حالت خلسه اسیرم پیش آمد دیدم در صحنه هست راست قرآن صوت یک فرشته ظاهر شد که تعالی بر چهره داشت پس آن فرشته بادست خویش نقاب را از صورتش کنار زد و باستانی بیارزیا و باحالی معصومان و جذاب که سرشار از محبت بود به من ندرست و من در همین لحظه که به جمال او توجه و نگاه میکردم ناگهان در حال هوئیا شدن از آن خلسه معنوس و روحانی به خود آمدم.
پس از این مشاهده به یاد شعر جناب سنائی (ره) افتادم که فرموده:

عروس حضرت قرآن نقاب آنگه براندازد که دارالملک ایمان را مجرد ببید از غوغا
عجب نبود که از قرآن نصیب نیست جز نقشی که از خورشید جز گرمی نبیند چشم نابینا



و تخط مبارک استاد یعقوب قمری شریف آبادی در توضیح مشاهده «عروس حضرت قرآن»
نقل شده در صفحه ۲۹ کتاب حاضر و چاپ شده در کتاب «شگفتی های مهتاب» صفحه ۳۸۱